



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# حشون تگالین

ویژه پسران

مجموعه ری شهری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جشن تکلیف ویژه پسران

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

دار الحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۵  | فهرست                               |
| ۱۲ | جشن تکلیف ویژه پسران                |
| ۱۲ | مشخصات کتاب                         |
| ۱۲ | اشاره                               |
| ۱۳ | اشاره                               |
| ۱۵ | بخش اول فلسفه جشن تکلیف             |
| ۱۵ | معنای تکلیف                         |
| ۱۵ | فلسفه تکلیف                         |
| ۱۷ | فلسفه جشن تکلیف                     |
| ۱۷ | اشاره                               |
| ۱۷ | الف- مائده آسمانی:                  |
| ۱۸ | ب- بزرگداشت یوم‌الله تکلیف:         |
| ۱۸ | ج- بزرگداشت شعایر الهی:             |
| ۲۰ | آثار تربیتی جشن تکلیف               |
| ۲۰ | اشاره                               |
| ۲۰ | الف- خاطره‌ای سازنده:               |
| ۲۰ | اشاره                               |
| ۲۰ | اول:                                |
| ۲۰ | دوم:                                |
| ۲۰ | سوم:                                |
| ۲۱ | ب- بهره‌گیری از بهترین فرصت تربیتی: |
| ۲۱ | ج- زمینه‌سازی اجتماعی- تربیتی:      |
| ۲۲ | د- رشد هنر متعهد:                   |
| ۲۲ | ه- آفت‌زدایی زندگی:                 |

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۲۳ | بخش دوم مراسم جشن تکلیف     |
| ۲۳ | اشاره                       |
| ۲۴ | برنامه‌های جشن تکلیف        |
| ۲۴ | الف- مراسم خصوصی:           |
| ۲۴ | اشاره                       |
| ۲۴ | ۱- سجده شکر                 |
| ۲۵ | ۲- کمک به نیازمندان         |
| ۲۵ | ۳- سلام بر فرشتگان          |
| ۲۶ | ۴- استعاذه از شیطان         |
| ۲۶ | ۵- استمداد از آفریدگار جهان |
| ۲۷ | ب- مراسم عمومی:             |
| ۲۷ | اشاره                       |
| ۲۷ | ۱- اهمیت دادن به جشن تکلیف  |
| ۲۷ | ۲- رشد آگاهیهای اسلامی      |
| ۲۸ | ۳- رعایت ویژگیهای مکلف      |
| ۲۸ | بخش سوم هدیه‌های جشن تکلیف  |
| ۲۸ | اشاره                       |
| ۲۸ | هدیه در اسلام               |
| ۲۹ | انواع هدیه‌ها               |
| ۲۹ | اشاره                       |
| ۲۹ | الف- هدیه مقابله:           |
| ۲۹ | ب- هدیه مصانعه:             |
| ۲۹ | ج- هدیه برای خدا:           |
| ۳۰ | بهترین هدیه                 |
| ۳۰ | آداب هدیه                   |
| ۳۱ | بخش چهارم شرایط تکلیف       |

|    |       |                              |
|----|-------|------------------------------|
| ۳۱ | ..... | اشاره                        |
| ۳۱ | ..... | بلوغ                         |
| ۳۲ | ..... | اشاره                        |
| ۳۲ | ..... | الف- علامتهای بلوغ:          |
| ۳۲ | ..... | ب- تقدّم زن در تشرف به بلوغ: |
| ۳۲ | ..... | عقل                          |
| ۳۳ | ..... | علم                          |
| ۳۳ | ..... | قدرت                         |
| ۳۴ | ..... | بخش پنجم ویژگیهای تکلیف      |
| ۳۴ | ..... | اشاره                        |
| ۳۴ | ..... | آسان بودن                    |
| ۳۵ | ..... | اندک بودن                    |
| ۳۵ | ..... | پاسخگو به نیاز انسان         |
| ۳۷ | ..... | بخش ششم دانستیهای تکلیف      |
| ۳۷ | ..... | اشاره                        |
| ۳۷ | ..... | فصل اول                      |
| ۳۷ | ..... | دانستیهای اعتقادی            |
| ۳۸ | ..... | دلیل وجود خدا                |
| ۳۹ | ..... | دلیل یکتایی پروردگار         |
| ۴۰ | ..... | دلیل عدالت خدا               |
| ۴۰ | ..... | مرز خداشناسی                 |
| ۴۱ | ..... | دلیل عقیده به نبوت           |
| ۴۱ | ..... | تعداد پیامبران               |
| ۴۲ | ..... | پیامبران اولوالعزم           |
| ۴۲ | ..... | دلیل نبوت پیامبر اسلام       |
| ۴۳ | ..... | دلیل عقیده به امامت          |

- ۴۳ ..... پیشوایان اسلام
- ۴۴ ..... امام عصر (عج)
- ۴۴ ..... اشاره
- ۴۴ ..... الف- غیبت صغری
- ۴۵ ..... ب- غیبت کبری
- ۴۵ ..... نمایان عام امام عصر (عج)
- ۴۵ ..... عقیده به معاد
- ۴۵ ..... عالم برزخ
- ۴۶ ..... روز قیامت
- ۴۶ ..... دلیل عقیده به معاد
- ۴۶ ..... اشاره
- ۴۶ ..... الف- وعده خدا:
- ۴۶ ..... ب- برهان حکمت:
- ۴۷ ..... ج- برهان عدالت:
- ۴۷ ..... فصل دوم
- ۴۷ ..... دانستنیهای اخلاقی
- ۴۷ ..... اشاره
- ۴۷ ..... مبحث اول اخلاق جنسی
- ۴۷ ..... اشاره
- ۴۸ ..... راههای پیشگیری از انحرافات جنسی
- ۴۸ ..... اشاره
- ۴۸ ..... ۱- تأکید بر ازدواج:
- ۴۸ ..... اشاره
- ۴۹ ..... عذرهای ناموجه
- ۴۹ ..... اشاره
- ۴۹ ..... ناداری:



- مسائل موهوم: ۴۹
- ۲- تقویت نیروی عفت: ۵۰
- اشاره: ۵۰
- الف: آفات عفت: ۵۰
- اشاره: ۵۰
- ۱- چشم چرانی: ۵۰
- ۲- منظره‌های جنسی: ۵۳
- ۳- موسیقی مُطرب: ۵۳
- ۴- خلوت کردن با نامحرم: ۵۳
- ۵- بیکاری: ۵۴
- ب: عوامل عفت: ۵۵
- اشاره: ۵۵
- ۱- ایمان: ۵۵
- ۲- حیا: ۵۶
- ۳- غیرت: ۵۷
- ۴- روزه: ۵۸
- ۵- استمداد از خدا: ۵۸
- مبحث دوم ردیله‌های اخلاقی: ۵۹
- اشاره: ۵۹
- زشت‌ترین ردیله‌ها: ۵۹
- اشاره: ۵۹
- الف- طُلُم: ۶۰
- ب- بداخلاقی: ۶۰
- ج- خودپسندی: ۶۱
- د- تکبر: ۶۱
- ه- حسد: ۶۲

- ۶۲ ..... و- بخل:
- ۶۳ ..... مبحث سوم فضیلت‌های اخلاقی
- ۶۳ ..... اشاره
- ۶۴ ..... برترین فضیلتها
- ۶۴ ..... اشاره
- ۶۴ ..... الف- انصاف:
- ۶۵ ..... ب- ایثار:
- ۶۶ ..... ج- نیکی در پاداش بدی:
- ۶۶ ..... د- صبر:
- ۶۷ ..... ه- کیمیای محبت:
- ۶۷ ..... فصل سوم
- ۶۷ ..... دانستنیهای عملی
- ۶۷ ..... اشاره
- ۶۸ ..... ۱- تقلید
- ۶۹ ..... ۲- واجبات
- ۶۹ ..... اشاره
- ۶۹ ..... الف- نماز:
- ۷۰ ..... ب- روزه:
- ۷۰ ..... ج- امر به معروف و نهی از منکر:
- ۷۱ ..... د- دوستی و دشمنی برای خدا:
- ۷۲ ..... ۳- محرمات
- ۷۲ ..... اشاره
- ۷۲ ..... الف- گناهان بزرگ:
- ۷۳ ..... اشاره
- ۷۴ ..... ۱- آزار پدر و مادر
- ۷۶ ..... ۲- دروغگویی

۳- سوگند دروغ ..... ۷۶

۴- گواهی دروغ ..... ۷۶

۵- دروغ بستن به خدا و پیامبر (ص) ..... ۷۶

۶- غیبت ..... ۷۷

۷- سخن چینی ..... ۷۷

۸- مسخره کردن ..... ۷۸

۹- اسراف ..... ۷۸

۱۰- میگساری ..... ۷۹

۱۱- استعمال مواد مخدر ..... ۸۰

۱۲- قماربازی ..... ۸۱

۱۳- دزدی ..... ۸۱

ب- گناهان کوچک: ..... ۸۱

۴- توبه ..... ۸۲

درباره مرکز ..... ۸۳

### مشخصات کتاب

- سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -  
عنوان و نام پدیدآور : جشن تکلیف / تالیف محمد محمدی ری شهری.  
مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ -  
مشخصات ظاهری : ج.: مصور (رنگی).  
شابک : ج. ۱ ۹۶۴-۹۰۰۱-۲-۷؛ ۲۵۰۰ ریال (ج. ۲ □ چاپ ششم)  
یادداشت : چاپ قبلی: دارالحدیث، مرکز چاپ و نشر: ۱۲۷۵.  
یادداشت : ج. ۲ (چاپ ششم)  
یادداشت : ج. ۲ (چاپ دهم: ۱۳۸۵).  
یادداشت : کتابنامه.  
مندرجات : ج. ۱. ویژه بلوغ دختران. -- ج. ۲. ویژه بلوغ پسران.  
موضوع : جشن تکلیف  
رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۴۵ م ۳ ج ۵ ۱۳۷۵ الف  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۴۲  
شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۳۲۹۹  
ص: ۱

### اشاره

↓

ص: ۲

↓

ص: ۳

↓

ص: ۴

↓

ص: ۵

↓

ص: ۶

↓

ص: ۷



ص: ۸



ص: ۹



ص: ۱۰



ص: ۱۱

### اشاره

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، جنبشی معنوی برای رسیدن به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بود. در این حرکت الهی، بسیاری از شیوه‌های ارزشمند و سنتهای نیکوی از یاد رفته، زنده شد و شیوه‌ها و سنتهای ناپسند، از جامعه اسلامی رخت بر بست.

«جشن تکلیف» از شیوه‌های ارجمند و سنتهای در خور ستایش است که برگزاری آن پس از انقلاب اسلامی رواج یافت. اکنون در مدارس، شهرها و آبادیهای این مرز و بوم، شاهد جشنهای زیبا و دلپذیری با عنوان «جشن تکلیف» هستیم. این سنت ارزنده و آموزنده، در خانه‌ها نیز برگزار می‌شود و بدین ترتیب، بسیاری از فرزندان ایران اسلامی، با این سنت والا گام در وادی مقدس تکلیف گذاشته، به قافله نور می‌پیوندند.

دانشمند بزرگ، عارف وارسته و انسان نمونه، «سید بن طاووس» § - رضی‌الدین علی بن طاووس تولد ۵۸۹ - وفات ۶۶۴ از علمای برجسته شیعه و صاحب مقامات و کرامات است. چندین بار به حضور امام عصر ع تشریف یافت. ر. ک. مقدمه کتاب «راهنمای سعادت»، ترجمه کتاب «کشف‌المحجۀ لثمرۀ المهجۀ» § نخستین کسی است که این «سنت حسنه» را بنیاد نهاد و روز تشریف به



ص: ۱۲

تکلیف را عید اعلام کرد. او در این باره می‌نویسد:

یکی از چیزهایی که خداوند جلّ جلاله مرا بدان رهنمون شد و تاکنون کسی را نیافته‌ام که در این باره با من سخنی بگوید، بزرگداشت هنگام تشریف به تکلیف و فضایل بزرگ آن است، تا آنجا که همه ساله فرا رسیدن آن روز را جشن می‌گیرم، و خداوند شرافت احیای مراسم آن و سپاس و ستایش و ثنای خورشیدها، ماهها و ستارگان آن را به من عنایت می‌فرماید. § - التشریف بتعریف وقت التکلیف، سید بن طاووس، ص ۵. این کتاب در پایان کتاب «راهنمای سعادت» ترجمه کشف‌المحجۀ لثمرۀ المهجۀ در سال ۱۳۴۱ در چاپخانه سعدی تهران چاپ شده است § این مربی بزرگ در اثر جاودانه‌اش «کشف‌المحجۀ» به فرزندش پیش از رسیدن به سن تکلیف، می‌نویسد:

فرزندم، محمد! هنگامی که خداوند تو را به شرف عقل مفتخر گردانید و تو را شایسته همنشینی و گفتگو با خود و حضور در

پیشگاه اقدسش دانست، این هنگام را یادداشت کن و آن را برترین و بهترین «عیدها» بدان و سالگشت تکلیف را جشن بگیر و خدای را سپاس گوی که گوهر عقل را به تو هدیه کرده است ... من اگر هنگام فرا رسیدن تکلیف زنده بودم، آن روز را عید قرار می‌دهم و به شکرانه آن انفاق می‌کنم ... و اگر پیش از رسیدن به این آرزو زندگی را بدرود گفتم، به تو و دیگران وصیت می‌کنم که روز بالغ شدن و به تکلیف رسیدن را عید بدانید و به شکرانه این موهبت الهی انفاق کنید. «§- کشف المحجبه لثمره المهجه، سید بن طاووس، تحقیق الشیخ محمد الحسون، ص ۱۴۲§» سید بن طاووس قدس سره به این آرزو می‌رسد و به شکرانه این فضل بزرگ،



ص: ۱۳

هنگام تشرف فرزندش «محمد» به تکلیف و پانهادن او به وادی نور را جشن می‌گیرد و کتابی زیبا در این باره می‌نگارد که در نخستین فصل آن چنین آمده است:

... چون وقت تشرف فرزندم محمد به این فضیلت رسید و او به انوار عقل منور گردید، روز پنج‌شنبه نهم ماه محرم سال ۶۵۹ بود و من همراه با خانواده در مهمانسرای ربّانی علوی «نجف اشرف» بودیم. آن روز فرزندم محمد، پانزده سال تمام از سنین عمرش گذشته بود، که خداوند متعال جلّ جلاله اقبال و انعام خود را بر ما و او تمام کرد. منجم معتبری را در خانه خود در جوار مشهد مولایمان حضرت علیصلوات‌الله‌علیه حاضر کردم تا وقت و ساعت ولادت او را معین کند.

تاریخ ولادت او دو ساعت و پنج دقیقه روز مذکور بود. در این لحظه بقدر توان، سپاس خداوند جلّ جلاله را به جا آوردم که این فرزند را بدین جا رساند و ما را به نعمت کرامتی که برای او برگزید، رهنمون شد. «§- همان §» سید بن طاووس که از مریبان بزرگ و چهره‌های والا- و کم نظیر علمای شیعی است، لحظه تکلیف را برترین لحظه‌ها و بزرگترین عیدها دانسته و انسان را به بزرگداشت آن می‌خواند. راستی آیا لحظه‌ای زیباتر و شیرین‌تر از لحظه ورود در وادی نور و ارتباط با خالق زیباییها وجود دارد؟!

آن بزرگوار سنت نیکوی «جشن تکلیف» را بنیاد نهاد و این افتخار را در تاریخ اسلام به نام خود ثبت کرد. با همه گسترشی که این سنت گرانقدر در جامعه اسلامی ما یافته است،



ص: ۱۴

کتابی که ابعاد «جشن تکلیف» را بنمایاند و جایگاه والای آن را بازگوید و مریبان و اولیای فرزندان را با چگونگی آن آشنا کند و عزیزانی را که پا به عرصه تکلیف می‌گذارند در آشنایی به وظایفشان یاری رساند، نگاشته نشده است. امید آنکه، به لطف خداوند، این نوشتار به شکوفایی هر چه بیشتر استعدادهای انسانی نونهالان کشورهای اسلامی کمک کند و راه را برای نگارش کتابهای بهتر در این زمینه هموار سازد.

محمدی ری شهری

۱۳۷۳ / ۸ / ۲۱



ص: ۱۵

### معنای تکلیف

قبل از بحث درباره «جشن تکلیف» لازم است به چند سؤال پاسخ داده شود؛ اول اینکه تکلیف چیست؟ تکلیف در لغت به معنای واگذار کردن کاری دشوار به دیگری و در اصطلاح به معنای رسیدن پسر و دختر به سن بلوغ و رشد است. «§- کَلَّفَهُ الشَّيْءَ إِذَا أَمَرَهُ بِهَا يَشْقُ عَلَيْهِ» نهاییه، ابن اثیر § از نظر اسلام، وقتی پسر و دختر به سن بلوغ رسیدند، اگر سایر شرایط تکلیف «§- ر. ک. بخش ششم: شرایط تکلیف §» را دارا باشند، باید مقررات الهی را بدقت رعایت کنند. این مقررات شامل: واجبات (یعنی کارهایی که خداوند انجام آنها را از انسان خواسته) و محرمات (یعنی کارهایی که خداوند آنها را ممنوع کرده است)، می شود.

از آنجا که مقررات الهی برای انسان، محدودیت ایجاد می کند و اجرای آن، بخصوص در آغاز بلوغ، دشوار است، به مقررات الهی تکلیف گفته



ص: ۱۶

می شود، وقتی انسان به سنی رسید که رعایت این مقررات بر او لازم شد، می گویند: به تکلیف رسید و مکلف شد.

### فلسفه تکلیف

دومین سؤال این است که چرا خداوند برای زندگی انسان، مقررات وضع کرده و بدین وسیله انسان را محدود نموده است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بدانیم که انسان چگونه موجودی است؟ امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

خداوند در فرشته، عقل را بدون شهوت قرار داد و در حیوانات، شهوت را بدون عقل نهاد و در انسان، عقل و شهوت را ترکیب کرد. با این ترکیب، کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود، بهتر از فرشته است و کسی که شهوتش بر عقلش پیروز گردد، از حیوانات بدتر است. «§- علل الشرایع، ص ۴۴» تفسیر انسان به «ترکیبی از فرشته و حیوان و آمیخته‌ای از عقل و شهوت» تصویر روشنی است از حقیقت ناشناخته انسان.

بی تردید، جز آفریدگار انسان، کسی حقیقت این موجود پیچیده و شگفت را نمی شناسد و استعدادها و نیازهای واقعی او را نمی داند و در نتیجه، نمی تواند برای تکامل انسان، برنامه ریزی کند. «§- در این زمینه به کتاب فلسفه وحی از نویسنده رجوع کنید §» تکلیف، برنامه آفریدگار جهان برای تکامل انسان است.

عقل، انسان را در راه رسیدن به تکامل - که فلسفه آفرینش اوست - به



ص: ۱۷

باورهای درست، اخلاق و رفتار نیک می خواند؛ در مقابل، شهوت او را به باورهای نادرست، اخلاق و رفتار ناپسند می کشاند.

تکلیف، انسان را از چنگال هوسهای سرکش و نیازهای دروغین رها می کند و در راهی که عقل می پسندد، قرار می دهد.

امام علی علیه السلام در نصیحتهای خود به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود:

خداوند جز به نیکی، به تو فرمان نداده و جز از بدی، تو را باز نداشته است. «§- إِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنِ و لَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنِ قَبِيحٍ» نهج البلاغه، نامه §.۳۱ برنامه تکلیف، در واقع همان برنامه عقل برای تأمین سعادت و تکامل انسان است؛ واجبات، دعوت به نیکیها و محرمات، بازداشتن از بدیهاست.

امام علی علیه السلام فرمود:

اگر خداوند مردم را از محرمات خود نهی نمی کرد، بر انسان عاقل واجب بود که از آنها اجتناب کند. «§- لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ عَنِ مُحَارَمَةٍ لَوْجِبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ» غررالحکم، ج ۵، ص ۱۱۷، حدیث §.۷۵۹۵ فرمان قطعی عقل، برای انسان کافی است و خداوند متعال نیز جز کارهای زشت را ممنوع نکرده است. از این رو، امام معصوم می فرماید: حتی اگر خداوند کارهای ناپسند را ممنوع نساخته بود، افرادی که فرمان عقل را می پذیرند، مرتکب کارهای زشت نمی شدند.

امام علی علیه السلام این مسأله بسیار مهم را باصراحت بیشتر چنین توضیح می دهد:

«لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ» §- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳، مؤسسه آل البيت، به نقل از الدرجات الرفیعة، ص §۳۵۵



ص: ۱۸

به فرض اینکه در ما امید بهشت و ترس از آتش دوزخ نباشد و به ثواب و عقاب الهی عقیده نداشته باشیم، باز هم سزاوار است در پی ارزشهای اخلاقی باشیم، زیرا این کار، آدمی را به راه موفقیت و پیروزی هدایت می کند.

این نکته بسیار دقیق در زمینه فلسفه تکلیف، در حقیقت از آیه ۹۰ سوره نحل گرفته شده و دقت در آن پژوهشگران با انصاف را با صداقت پیامبر اسلام و عمق تعالیم آسمانی ایشان آشنا می کند.

عثمان بن مظعون از اصحاب پیامبر خداصلی الله علیه و آله، داستان آشنا شدن خود را با اسلام چنین تعریف می کند:

من در آغاز که مسلمان شدم، به دلیل اصرار فراوان پیامبرصلی الله علیه و آله بود، بدین گونه که حیا موجب پذیرفتن پیشنهاد پیامبرصلی الله علیه و آله شد. من در واقع، اسلام را باور نکرده بودم، تا اینکه یک روز خدمت آن حضرت بودم که حالت وحی به ایشان دست داد. دیدم مدّتی چشم به آسمان دوخت؛ گویا چیزی دریافت می کند. پس از زوال این حالت، حال آن حضرت را پرسیدم. فرمود: در حالی که با تو سخن می گفتم، ناگاه جبرئیل این آیه را برایم آورد:

بییقین، خدا به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از فحشا و ناپسند و ستم باز می دارد، شما را اندرز می دهد که پند پذیرید. «§- نحل، آیه ۹۰» وقتی پیامبرصلی الله علیه و آله این آیه را برایم خواند، اسلام در دلم استقرار یافت و در حقیقت، ایمان آوردم. بی درنگ نزد عموی پیامبرصلی الله علیه و آله آمدم و جریان را با او در میان گذاشتم.

ابوطالب با شنیدن سخنان من، به قبیله قریش چنین فرمود:



ص: ۱۹

ای خاندان قریش، از محمد پیروی کنید، زیرا او شما را به چیزی جز اخلاق ستوده دعوت نمی کند. «§- تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۸۰-۳۸۱، چاپ قدیم §» در اینجا ممکن است، این سؤال مطرح شود که اگر عقل بتهایی می تواند «حُسن» تکالیف خدا و «قبح» ترک آن را درک کند، پس چه نیازی به دین و برنامه های انبیاست؟

در پاسخ می توان گفت: عقل بتهایی نمی تواند جزئیات برنامه های تکامل انسان را بشناسد؛ آنچه را که عقل تأیید می کند،



اصول برنامه‌های دین است. اگر شرایط درک مصالح و مفاسد احکام، برای عقل فراهم شود، عقل در جزئیات برنامه‌ها نیز همان را می‌گوید که دین گفته است، ولی چون همیشه این شرایط فراهم نیست، وحی و نبوت باید به کمک عقل بیاید تا برنامه تکامل انسان، بخوبی تنظیم و تکمیل شود. «§- توضیح بیشتر در بخش ششم: دلیل عقیده به نبوت، خواهد آمد §»

## فلسفه جشن تکلیف

### اشاره

سومین سؤال این است که چرا برای تکلیف جشن بگیریم؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: فلسفه تکلیف- که شرح آن گذشت- فلسفه جشن تکلیف نیز هست. اما توضیح بیشتر: عید در لغت از ریشه «عَوْد» به معنای بازگشت است، روزهایی هم که نعمتهای از دست رفته به فرد یا جامعه بازمی‌گردد، عید نامیده می‌شود، ولی بتدریج این کلمه در هر روز فرخنده و مبارک به کار رفته است. «§- عید: الف- روز مبارکی که در آن مردم جشن گیرند و شادی کنند، روز جشن. ب- جشن عید گرفتن ج- آنچه که در نتیجه اعمال قلب تجلی می‌کند. فرهنگ معین §» روزی که



ص: ۲۰

نعمتی از جانب خداوند به انسان می‌رسد، آن روز عید است، چه نعمت مادی باشد و چه معنوی. هر چه نعمت الهی بزرگتر باشد، عید از فرخندگی و شکوه بیشتری برخوردار بوده و مایه شادمانی بیشتری است.

پس هر روزی که انسان کار ناشایسته‌ای انجام ندهد، برای او روز عید است. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

«كُلَّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ يَوْمَ عِيدٍ» «§- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰ §»

هر روزی که در آن خداوند نافرمانی نشود، روز عید است.

مهار کردن هوسها و دوری از گناه، نعمتی بزرگ و موفقیتی چشمگیر است. هر روزی که این موفقیت به دست آید و برای هر کس که این نعمت فراهم شود، فرخنده و مبارک است.

### الف- مائده آسمانی:

حضرت مسیح علیه السلام روز نزول مائده آسمانی را که به تقاضای یاران و به دعای آن حضرت نازل شد، «عید» و مائده آسمانی را «عیدی خدا» نامید:

عیسی گفت: خداوند! پروردگارا! مائده‌ای از آسمان بر ما فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از تو، و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی. «§- اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيداً لأولنا و آخرنا و آية منك و ارزقنا و أنت خير الرّازقين» مائده، آیه ۱۱۴ §» این مائده آسمانی سفره‌ای بود که قدری نان و ماهی، خوراک آن را تشکیل می‌داد!

تکلیف نیز مائده‌ای آسمانی و از جانب خداوند متعال است، ولی نه



مائده نان و ماهی! بلکه مائده روحانیت و معنویت، مائده عشق و محبت و مائده شکوفایی انسانیت.

آیا روز نزول مائده نان و ماهی عید است، ولی روز نزول مائده تکلیف الهی، عید نیست؟!  
آیا مائده‌ای که شکم را سیر می‌کند، جشن و سرور دارد، لیکن مائده‌ای که جان را به سوی پاکی پرواز می‌دهد، سزاوار شادی و مسرت نیست؟!

### ب- بزرگداشت یوم‌الله تکلیف:

یکی از نکته‌های برجسته تربیتی و سازنده‌ای که قرآن کریم بر آن تأکید دارد، یادآوری و بزرگداشت «ایام‌الله» است:

«وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» ﴿۵۵- ابراهیم، آیه ۵۵﴾

ایام‌الله را به آنها یادآور شو، که برآستی در این، نشانه‌های روشنی است برای هر کس که بسیار مقاوم و سپاسگزار است. ایام‌الله یعنی روزهای خدا. با توجه به اینکه تمام روزها، روزهای خداست، «ایام‌الله» به آن گفته نشده است، ایام‌الله روزهای خاصی است که در آن آیه‌ای از آیه‌های الهی که نشانه قدرت و تدبیر و حکمت اوست، به صورت «نعمت» و یا «نقمت» بر فرد یا جامعه نازل می‌شود.

یادآوری و بزرگداشت خاطره این روزها و بررسی عوامل موفقیتها و شکستها می‌تواند نقش سازنده‌ای در هشیاری انسان و جامعه‌های انسانی داشته باشد. و با الهام از همین پیام آسمانی است که ما خاطره روزهای مهم تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران را گرامی می‌داریم.



با توجه به این مقدمه، روز تکلیف یکی از مصداقهای روشن «ایام‌الله» است که قرآن کریم بر بزرگداشت خاطره‌اش تأکید دارد، در میان نعمتهای الهی، نعمتی بزرگتر و ارزنده‌تر از نعمت «اجازه رسمی ورود به محضر آفریدگار هستی و ارتباط و انس با خالق زیباییها» نیست! بزرگداشت روز نزول این نعمت، گام مؤثری در برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری بهتر و بیشتر از آن است.

### ج- بزرگداشت شعایر الهی:

یکی دیگر از عنوانهای منطبق با بزرگداشت جشن تکلیف، عنوان «تعظیم شعایر الهی» است که قرآن کریم بدان توصیه کرده و از آن به عنوان یکی از نشانه‌های تقوای دلها نام برده است:

«وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» ﴿۳۲- حج، آیه ۳۲﴾

همانا بزرگداشت شعایر الهی، نشانه پرهیزکاری دلهاست.

شعایر الهی، اموری است که بگونه‌ای انسان را متوجه خدا و فرمانهای او می‌کند. این امر می‌تواند زمان، مکان، نوشته و یا هر چیز دیگری باشد.

بنابراین، هر چیزی که خدا و فرمان او را به انسان و جامعه انسانی نشان دهد، از شعایر الهی محسوب شده، بزرگداشت آن،

بزرگداشت خدا و بی‌اعتنایی به آن، بی‌اعتنایی به پروردگار خواهد بود.

هر قدر شعایر الهی، بهتر و روشنتر خدا و فرمان او را نشان دهد، شایسته تعظیم بیشتری است.

قرآن کریم، «صفا و مروه» را یکی از شعایر الهی می‌داند ﴿س-۱۵۸﴾ «إِنَّ الصَّفاَ وَ المَروَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» بقره، آیه ۱۵۸. هر کس که



ص: ۲۳

حرکت عاشقانه زائران خانه خدا را میان این دو کوه ببیند، بی‌اختیار به یاد خدا می‌افتد.

قرآن، قربانی در سرزمین «منا» را نیز از شعایر الهی می‌داند. ﴿س-۳۶﴾ «وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» حج، آیه ۳۶. این اقدام، پیروی از سنت ابراهیم خلیل در اعلام آمادگی برای از دست دادن بهترین عزیزان در راه خداست، نشانه دیگری از عظمت خداست.

لحظه به تکلیف رسیدن انسان نیز از شعایر الهی و بلکه از بزرگترین آنهاست؛ البته برای کسانی که همچون سید بن طاووس، دیده بینا دارند.

مطالبی که درباره فلسفه جشن تکلیف گذشت، نشان می‌دهد که چرا سید بن طاووس، آن فقیه و عارف کم‌نظیر، روز تشریف به تکلیف را عید و بلکه از بزرگترین عیدها اعلام می‌کند، و این عید را اصل و اساس تمام عیدها می‌داند:

سزاوار چنین است که روز تشریف به شرف تکلیف را از بزرگترین عیدها قرار دهد، زیرا آن، اصل و اساس تمام عیدها است! هم در دنیا و هم در آخرت، و سایر عیدها فرع آن هستند ... ﴿س-۷﴾ «التَّشْرِيفُ بِتَعْرِيفِ وَقْتِ التَّكْلِيفِ، سَيد بن طاووس، ص ۷» آن بزرگوار، به کسانی که به عید تکلیف بها و اهمّیت نمی‌دهند، هشدار داده و با سخنان زیر، آنها را مورد نکوهش قرار می‌دهد:

چرا روز تشریف به تکلیف نزد آدمی زاده که بنده‌ای ناتوان است، تا این حدّ بی‌مقدار بوده که روزش مجهول و نامش در میان اهل تکلیف، متروک است؟!!

من تاکنون یاد ندارم، کسی را یافته باشم که برای این روز مهم، آماده شده باشد و به ادای حق بزرگ آن همّت گمارد و آنچه از تعظیم برای



ص: ۲۴

خداوند جل جلاله واجب است، مراعات کند و یا برای از دست دادن چنین نعمتی تأسف خورد؛ گویا روزی نیست که خداوند از آن سؤال کند؟!!

من خود و فرزندان و خاصان خود را توصیه می‌کنم که حق این روز بزرگ را ادا کنند، و با تعظیم و تجلیل با آن برخورد نمایند، و اعتراف کنند که آنچه بدان دست یافته‌اند از شرف عیدها و سعادت دنیا و آخرت، و آنچه بدان توان یافته‌اند از آسانی و خرسندی، از برکت تشریف به تکلیف است. همانا این روز، اصل ارزشمند همه آنهاست و دریچه وصول آنها به سعادت دنیا و آخرت است.

باید بدانند که حجّت بر من و آنها و هر کس که سخنم به او رسد، در رابطه با شرافت این روز و بزرگداشت حقیقت آن، تمام است ... ﴿س-۱۵-۱۶﴾ همان، ص ۱۵-۱۶

### اشاره

روشن شد که فلسفه همه شعایر الهی، از جمله جشن تکلیف، نقش تربیتی آن در اصلاح و رشد جامعه انسانی است. هر یک از شعایر الهی که قدرت بیشتری در ایجاد جاذبه معنوی و حرکت انسان به سوی خوبیها داشته باشد، از اهمیت افزونتری برخوردار بوده و بزرگداشت آن ضروریتراست.

بررسی آثار جشن تکلیف، نشان می‌دهد که در میان اقدامات تربیتی متناسب با لحظه بلوغ، هیچ کاری مانند آن مفید و سازنده نیست. جشن تکلیف در آغاز زندگی نوین فرزندان، می‌تواند آنها را دگرگون کند و نقش مهمی در حفظ نظام ارزشی و تربیتی جامعه دارد. این آثار عبارتند از:



ص: ۲۵

### الف - خاطره‌ای سازنده:

#### اشاره

نخستین اثر جشن تکلیف، ایجاد یک خاطره شیرین تربیتی و معنوی، در ذهن پسر و دختر است. خاطره‌ای که هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود و برای همیشه راهنمای انسان است. نونهالان مسلمان در لحظه تکلیف، سه دسته‌اند:

#### اول:

کسانی که نمی‌دانند لحظه تکالیف آنها چه موقعی است، یا خبر دارند، ولی به آن اهمیت نمی‌دهند. آنان خاطره‌ای از لحظه تکلیف خود ندارند.

#### دوم:

افرادی که تصویر مبهمی از سختیهای تکلیف به آنها داده می‌شود. مثلاً به آنها می‌گویند: از فردای تکلیف، نماز بر تو واجب می‌گردد، روزه ماه مبارک رمضان لازم می‌شود و ... خاطره چنین کسانی از لحظه تکلیف، آغاز محدودیتها و سختیهاست.

#### سوم:

اشخاصی که معنای روشنی از ارتباط انسان با خدا و نقش تکلیف در سعادت همیشگی انسان به آنها داده می‌شود؛ به آنان می‌گویند:

لحظه بلوغ، جشن تکلیف آنهاست، در این لحظه به فرمان‌پذیری آفریدگار مفتخر می‌گردند، و مائده آسمانی تکلیف برای

آنها نازل می‌شود، لحظه تکلیف زیباترین لحظه زندگی و سرفصل همه زیباییها در زندگی آنان است. خاطره آنان از لحظه تکلیف، خاطره شیرین پیوند با خدای مهربانی است که این همه لطف و محبت را به او ارزانی داشته است.

این خاطره شیرین و سازنده تا پایان زندگی، راهنمای انسان به نیکیها و زیباییها خواهد بود.

### ب- بهره‌گیری از بهترین فرصت تربیتی:

یکی از اصول مهم تربیتی، بهره‌گیری از فرصتهای مناسب برای



ص: ۲۶

شکوفاسازی و پرورش استعدادهاست. حضرت محمدصلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

در دوران زندگی شما فرصتهایی است که در آن نسیمهایی از جانب پروردگار شما- برای شکوفایی تان می‌وزد- مواظبت کنید که از آن بهره‌گیری، شاید نسیمی نصیب شما شود. در اینصورت، هرگز بدبخت نخواهید شد. «§- کنز العمال، حدیث شماره ۲۱۳۲۴§» روایات اسلامی به مسلمانان توصیه می‌کند که فرصت را غنیمت بشمرند و برای هر کاری از فرصت مناسب آن استفاده کنند. «§- به عنوان نمونه، حضرت علی علیه السلام در مورد اهمیت استفاده از فرصت فرمود: «الفرصة غنم» غررالحکم، حدیث ۱۹۴. «اضاعة الفرصة غصة» غررالحکم، حدیث ۱۰۸۳. «الفرصة سريعة الفوت و بطيئة العود» غررالحکم، حدیث ۲۰۱۹۷ و ..§» لحظه تکلیف، آغاز بهترین فرصتهای شکوفایی است و بزرگداشت این لحظه در واقع، قرار گرفتن در معرض این نسیم سازنده و پرورنده پروردگار است.

جشن تکلیف، فرصتی گرانبهاست که برای بهره‌برداری صحیح و کامل از آن، نوجوان باید حتماً یک دوره آموزشی متناسب را گذرانده باشد. در این زمینه مسؤولیت اولیای اطفال و مربیان تربیتی آموزش و پرورش، بسیار سنگین است. آنها باید در این دوره مقدماتی نوجوان را با تعلیم و تمرین مطالبی که مکلف باید بداند یا انجام دهد، آشنا کنند تا همزمان با جشن تکلیف، حرکت خود را به سوی وظایف انسانی آغاز نماید.

### ج- زمینه‌سازی اجتماعی- تربیتی:

زمینه‌سازی نیز یکی دیگر از اصول اساسی تربیت است. نقش جامعه



ص: ۲۷

سالم در پرورش انسانهای صالح و جامعه فاسد در پرورش انسانهای فاسد، قابل انکار نیست.

اسلام به سالم‌سازی محیط زندگی و ایجاد زمینه مناسب برای تربیت انسانهای شایسته اهمیت می‌دهد. کسی را که آشکارا مرتکب کارهای ناشایسته شده، مستحق مجازات می‌داند و در مواردی تا سرحد مرگ، مقررات وضع کرده است، تا از گسترش فساد جلوگیری کند و محیط زندگی را سالم سازد. اسلام توصیه اکید دارد که مسلمانان در صحنه عبادتهای جمعی، مانند نماز جمعه و جماعت و کنگره بزرگ حج و همه مراسمی که برای بزرگداشت یاد و نام خدا و ارتباط با خدا برگزار

می‌شود، حضور جدی داشته باشند.

حضور در صحنه شعایر الهی، جاذبه اجتماعی ایجاد می‌کند. این جاذبه در پرورش افراد جامعه، نقش اساسی دارد. جشن تکلیف، صحنه خاص تربیتی نوجوان، در حساس‌ترین مقطع زندگی اوست. بزرگداشت جشن تکلیف در واقع، بزرگداشت ارتباط با خداوند متعال است. اهمیت دادن به این جشن، ارتباط با خدا را برای همه بویژه نونهالان، جاذبه‌دار می‌کند. هر چه این جشن، با شکوه‌تر برگزار شود، رونق این ارتباط بیشتر می‌گردد و زمینه جذب نونهالان را به اسلام عزیز بیشتر می‌کند.

#### د- رشد هنر متعهد:

هنر متعهد، یکی دیگر از پایه‌های اساسی تعلیم و تربیت و شکوفایی استعدادهای انسانی است. از آنجا که ریشه‌های اصلی هنر و انگیزه هنرمند برای پدید آوردن آثار زیبا، نیازها و خواسته‌های جامعه است، یکی از بهترین ابزارهای رشد هنر متعهد، زمینه‌سازی تبلیغاتی برای نیازهای واقعی



ص: ۲۸

انسانهاست.

همچنانکه تبلیغات در مورد نیازهای کاذب، موجب رشد هنر غیر متعهد می‌شود. جشن تکلیف، زمینه‌سازی تبلیغاتی مناسبی است، برای توجه دادن همگان، بویژه هنرمندان به اصلی‌ترین نیاز انسان، یعنی ارتباط با خدا. هر چه این جشن در افکار عموم مردم اهمیت بیشتری داشته باشد، هنرمندان انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند تا هنر خود را در ابعاد نثر، نظم، نقاشی، فیلم‌سازی و ... شکوفا سازند و هنر متعهد را در خدمت تعلیم و تربیت انسانها قرار دهند.

#### ه- آفت‌زدایی زندگی:

چگونگی آغاز هر کاری، نقش مهمی در انجام و سرنوشت آن دارد.

آغاز خوب، زمینه پایان شایسته است، عکس آن نیز درست است:

خشت اول گر نهد معمار، کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

این سخن بدان معنا نیست که اگر کسی در آغاز تکلیف، راه نادرستی را انتخاب کرد، مجبور است مانند دیوار کج تا آخر ادامه دهد. دیوار کج اراده ندارد تا بتواند خود را راست کند، ولی انسان اراده دارد و هر وقت اراده کند، می‌تواند کژیهای خود را اصلاح نماید. ولی بازگشت او بطور طبیعی دشوار است و هر چه جلوتر رفته باشد، دشوارتر. از این رو، کسانی که از ابتدای زندگی مبتلا به انحراف اخلاقی بوده‌اند، کمتر موفق به توبه و بازگشت شده‌اند.

اسلام توصیه می‌کند مسلمان باید تلاش کند تا هر کاری را از ابتدا به‌صورت صحیح و شایسته انجام دهد. تأکید اسلام بر اینکه شروع هر کاری با نام خدا و یاد خدا باشد، از همین روست.

از حضرت‌صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:



کسی که آغاز روز خود را با نیکی شروع کند و پایان آن را نیز با نیکی خاتمه دهد، خداوند به فرشتگان خود گوید: گناहانی که در میان روز انجام داده را ثبت نکنند. «§- کنزالعمال، حدیث شماره ۴۳۰۱۸» مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله این نیست که آنان که ابتدا و انتهای روز را با کار خیر قرین می‌سازند، میان روز می‌توانند گناه کنند، بلکه مقصود یک دستورالعمل ارزنده اخلاقی برای خودسازی است.

این حدیث شیوه آفت‌زدایی روزهای زندگی را به انسان یاد می‌دهد، چرا که تلاش برای قرین ساختن آغاز و انجام روز با نیکی، سبب می‌شود تمام روزها خالی از آفات و همراه با خیرات باشد. نتیجه این مجاهدت و مراقبت آن است که اگر لغزشی از انسان سر بزند- همان‌طور که در حدیث ملاحظه شد- مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرد و فرشتگان الهی لغزش او را در پرونده عملش یادداشت نمی‌کنند.

لحظه تکلیف آغاز زندگی جدید انسان است، آغازی که انسان شایسته خطاب آفریدگار جهان می‌گردد. جشن تکلیف و مراسم ویژه آن در آغاز این روز، نقشی سرنوشت‌ساز در پایان مطلوب آن دارد. کسی که لحظه نخستین تکلیف خود را با یاد خدا و بزرگداشت شعایر الهی آغاز می‌کند، با این انتخاب، سرنوشت سعادت جاوید را برای خود رقم می‌زند، و به سوی آینده‌ای روشن و موفقیت‌آمیز حرکت می‌کند. پدران، مادران و مسؤولان امور تربیتی باید به آن اهمیت دهند و نو نهالان خود و آینده‌سازان جامعه اسلامی را از ثمرات این عید بزرگ معنوی محروم نسازند.



## بخش دوم مراسم جشن تکلیف

### اشاره

پس از اینکه معلوم شد لحظه تکلیف، برای اهل معرفت بزرگترین عید اسلامی است، این سؤال پیش می‌آید که برای بزرگداشت این عید چه باید کرد؟ و برای برگزاری مراسم جشن تکلیف چه اقداماتی مناسب است؟ در پاسخ باید گفت عیدهای اسلامی دو دسته‌اند:

دسته اول: عیدهایی که در احادیث اسلامی به عنوان عید مطرح شد و در بزرگداشت آنها به اعمال و عبادت‌های خاصی توصیه شده است، مانند عیدهای فطر، قربان، مبعث، غدیر و ...

دسته دوم عیدهایی که دلیل خاصی درباره آن به ما نرسیده است.

بزرگداشت این عیدها براساس تعلیمات کلی اسلام برای گرامیداشت شعائر مانند جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تأسیس جمهوری اسلامی، فتح خرمشهر و ...

جشن تکلیف از این قبیل است. بنابراین، برای بزرگداشت این جشن و تنظیم برنامه‌های آن باید از رهنمودهای کلی اسلام در زمینه تعظیم شعایر



اسلامی و سپاس نعمتهای بزرگ الهی بهره گرفت.

ملاحظه برنامه عیدهای اسلامی نشان می دهد که در مراسمی که به مناسبت این عیدها برپا می شود، چهار نکته اساسی باید مورد توجه باشد:

۱- تقویت پیوند انسان با خدا.

۲- رشد آگاهیهای مورد نیاز جامعه.

۳- کمک به نیازمندان.

۴- نمایش هماهنگی و همدلی و همسویی مسلمانان.

این نکات در برنامه عیدهای بزرگ اسلامی، مانند عید فطر و عید قربان قابل ملاحظه است.

نماز «عیدین»، علاوه بر تقویت رابطه انسان با خدا، نمایش وحدت و همسویی جامعه اسلامی و مانور بزرگ سیاسی-عبادی مسلمانان در برابر دشمنان اسلام است که هر سال دو بار (عید فطر و عید قربان) برگزار می شود.

خطبه های نماز عید، برای رشد آگاهیهای جامعه اسلامی است. زکات فطر، در عید فطر و قربانی، در عید قربان برای شاد کردن نیازمندان است.

این نکته ها در تمام عیدهای اسلامی از جمله «جشن تکلیف» قابل اجراست. برنامه مراسم جشن تکلیف را می توان اینگونه تنظیم کرد:

## برنامه های جشن تکلیف

### الف- مراسم خصوصی:

#### اشاره

این مراسم که بطور خصوصی توسط مکلف اجرا می شود، با الهام از روشی که مرحوم سید بن طاووس براساس رهنمودهای کلی اسلام در جشن تکلیف فرزند خود انتخاب کرده، از این قرار است:



ص: ۳۲

### ۱- سجده شکر

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: وقتی که انسان نعمتی از نعمتهای الهی را یادآور شد، برای اظهار سپاسگزاری از خداوند، لازم است صورت خود را بر خاک نهد و خداوند را بر نعمتش ستایش کند. «§- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۸§» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سفری، سوار بر شتر می رفت که ناگاه پیاده شد و پس از پنج بار صورت بر خاک نهادن و در برابر خدا سجده کردن، دوباره بر شتر سوار شد. همراهان درباره علت این کار از او سؤال کردند.

فرمود: جبرئیل مژده هایی از جانب خداوند برایم آورد و من برای هر مژده، سجده شکری به جای آوردم. «§- همان §» هشام



بن حکم می‌گوید: همراه امام کاظم علیه السلام در اطراف شهر مدینه می‌گشتیم. ناگاه امام از مرکب خود پایین آمد و به سجده افتاد؛ سجده‌ای بسیار طولانی. پس از مدتی سر برداشت و سوار شد. پرسیدم: فدایت شوم، علت این سجده طولانی چه بود؟ فرمود: نعمتی را که خداوند به من ارزانی داشت، به یاد آوردم، خواستم از پروردگارم تشکر کنم. «§- همان §» سجده شکر به هنگام یادآوری نعمت، یک سنت قطعی اسلام است.

نعمت تکلیف هم از بزرگترین نعمتهای آفریدگار جهان به انسان است. شایسته است که اولین برنامه خصوصی جشن تکلیف، سجده شکر باشد.

## ۲- کمک به نیازمندان

شکر زبانی در صورتی مفید است که شکر گزار، قدر دانی خود را در



ص: ۳۳

عمل ثابت کند.

امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

شکر مؤمن در عمل او ظاهر می‌شود و شکر منافق از زبان تجاوز نمی‌کند. «§- شکر المؤمن يظهر فی عمله و شکر المنافق لا يتجاوز لسانه» غررالحکم، حدیث ۵۶۶۱-۵۶۶۲ §» یکی از بهترین کارهایی که نشانه شکرگزاری انسان از نعمتهای الهی، بخصوص در عیدهاست، کمک به نیازمندان و شاد کردن دل مستمندان است.

سید بن طاووس در این باره می‌نویسد:

سزاوار چنین است که روز تشریف به شرف تکلیف را از بزرگترین عیدها قرار دهد، زیرا آن، اصل و اساس تمام عیدهاست، هم در دنیا و هم در آخرت، و سایر عیدها فرع آن هستند. پس باید تاریخ این روز را حفظ کرده و وقت و ساعت تشریف به تکلیف را ضبط کند که هر سال در چنین روزی به شکر واهب اعظم، و ثنای مالک ارحم الراحمین، و مدح بارگاه فراگیر او قیام کرده و به وظیفه عبودیت و بندگی پردازد، و به اهل حاجت و بینوایان صدقه دهد، چنان که شایسته ایام سرور و بشارتها و عیدهاست. «§- تشریف به تکلیف، ترجمه التشریف بتعریف وقت التکلیف، مترجم سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی، ص ۲۹۳-۲۹۴، چاپخانه سعدی، تهران، با اندکی تغییر §»

## ۳- سلام بر فرشتگان

دو فرشته همیشه همراه انسان‌اند و مأموریت دارند که همه اعمال انسان را ثبت کنند، و نیز در شرایط خاصی او را از خطرها و آفات، نجات دهند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: خداوند این فرشتگان را با انسان



ص: ۳۴

همراه ساخته تا وی بیشتر مواظب اطاعت فرمانهای الهی باشد و مرتکب گناه نگردد. چه بسا، انسان مؤمن وقتی که تصمیم به

انجام گناه می‌گیرد، با خود می‌گوید: پروردگارم مرا می‌بیند، فرشتگانِ محافظم که شاهد اینصحنه‌اند، در قیامت علیه من شهادت خواهند داد، در نتیجه از تصمیم خود برمی‌گردد.

علاوه بر این، خداوند از روی لطف و مهربانی، به این فرشتگان مأموریت داده تا انسان را از خطر شیطانها، جانوران زمین و بسیاری از آفتها که آدمی از آن بی‌خبر است - تا وقتی که خدا بخواهد - حفاظت کنند. «§- بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۹، داراحیاء التراث العربی، بیروت - میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۰۳ با عنوان: «الملائکه الحفظه» § از لحظه تکلیف، مأموریت این فرشتگان برای ثبت اعمال نیک و بد انسان آغاز می‌شود. بنابراین، مکلف اگر اهل مراقبت باشد، در این لحظه باید نسبت به این پاسداران بزرگوار که قرآن آنها را «کراماً کاتبین» می‌خواند، احترام کند و به پیروی از عارف گرانقدر، سید بن طاووس ضمن سلام به این همراهان عزیز، از آنها تقاضای همکاری و دعا کند.

راهنمایی و دعای این فرشته‌ها در حل مشکلات و رشد و کمالات انسان بسیار مؤثر است، چنان‌که نفرین آنها در صورتی که انسان با انجام کارهای ناشایسته موجب آزار و اذیت آنها شود، انحطاط او را افزایش خواهد داد.

#### ۴- استعاذه از شیطان

پس از آنکه شیطان از درگاه خدا رانده شد، سوگند یاد کرد که تا می‌تواند همه بندگان خدا را گمراه کند.



ص: ۳۵

یکی از مهمترین عواملی که انسان را از سلطه شیطان نگه می‌دارد، دعا و نیایش و خود را در پناه خدا قرار دادن است. استعاذه و پناه بردن به خدا، در واقع سنگر مبارزه با شیطان است و انسان زیرک و مراقب، باید لحظه‌ای که شیطان کار خود را آغاز می‌کند، در این سنگر پناه گرفته باشد.

#### ۵- استمداد از آفریدگار جهان

مکلف پس از به جا آوردن سجده شکر و سلام بر فرشتگان و پناه بردن به خدا از شر شیطان، آماده حرکت به سوی کمال انسانیت است.

مهمترین نکته‌ای که باید مورد توجه مکلف باشد، این است که تلاشهای او بدون توفیق خداوند متعال به ثمر نخواهد رسید. توجه به این نکته، علاوه بر اینکه انسان را از گرفتار شدن به خودپسندی مصون می‌دارد، او را از امدادهای غیبی الهی نیز برخوردار می‌سازد.

در حدیث قدسی خداوند متعال می‌فرماید: کسانی که اعمال نیک انجام می‌دهند، نباید برای رسیدن به مقصد، بر اعمال خود تکیه کنند. آنها اگر تمام عمر با همه توان در راه اطاعت من بکوشند، در مقابل آنچه از کرامت و نعمت من در بهشت می‌خواهند، کوتاهی کرده‌اند! و به حقیقت عبادت من نرسیده‌اند! با این حال، به فضل و رحمت من اطمینان داشته باشند. «§- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۱، حدیث ۵۳، داراحیاءالتراث العربی، بیروت §» در حدیث دیگری آمده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: بدانید که هیچ کس تنها با کار خود نجات نخواهد یافت.

اصحاب که از این سخن، به شگفت آمده بودند، برای اینکه بدانند این

سخن چه اندازه فراگیر است، پرسیدند: حتی خودِ شما هم؟!

فرمود: حتی خودِ من! مگر اینکه رحمت و فضل خداوند مرا فراگیرد. «§- کنز العمال، حدیث شماره ۵۳۱۶، ۵۳۹۶ و ۵۳۹۷، با توضیحاتی از نگارنده §» بنابراین، نیایش و استمداد از خداوند یکی از مهمترین شرایط موفقیتِ مکلف است و باید در برنامه‌های جشن تکلیف گنجانده شود.

## ب- مراسم عمومی:

### اشاره

برنامه‌های عمومی جشن تکلیف با توجه به شرایط خانوادگی مکلف، زمان و مکان و ذوق و سلیقه برگزار کنندگان می‌تواند متنوع باشد، ولی در هر حال رعایت نکته‌های زیر ضروری است:

### ۱- اهمیت دادن به جشن تکلیف

کمتر کسی است که در آغاز تکلیف، مانند سید بن طاووس اهمیت عید تکلیف را درک کند و بداند که لحظه تکلیف، بهترین لحظه‌ها و بزرگترین عیدهای زندگی اوست. از نظر مردم مهمترین جشنهای زندگی انسان، جشن ازدواج است. بزرگترین آرزوی مادر، روزی است که دخترش به خانه بخت می‌رود و بزرگترین آرزوی پدر، برگزار کردن جشن دامادی پسر است.

این، بدان جهت است که انسان با حقایق جهان آشنا نیست، اگر حقایق را آن‌گونه که هست ببیند، می‌داند که جشن ازدواج با همه اهمیت آن، قابل مقایسه با جشن تکلیف و نقش آن در زندگی انسان نیست.

وظیفه همه افراد و ارگانهایی که مسؤولیت هدایت و ارشاد و تربیت نسل نو را در نظام اسلامی به عهده دارند، بخصوص صدا و سیما در تبیین

این حقیقت و بهره‌برداری مناسب از این فرصت، بسیار سنگین است.

به امید روزی که مردم به جشن تکلیف فرزند خود، بیش از جشن ازدواج او اهمیت بدهند.

### ۲- رشد آگاهیهای اسلامی

گفتیم یکی از نکته‌های برجسته در برنامه عیدهایی که اسلام برای بزرگداشت آنها برنامه‌ریزی کرده، توجه به رشد آگاهیهای جامعه است.

برنامه‌های مراسم عمومی جشن تکلیف هم باید در راستای تأمین این هدف باشد، بخصوص مراسمی که توسط مدارس و

مؤسسه‌های فرهنگی در این زمینه برگزار می‌گردد، می‌تواند نقش بیشتری در بالا بردن سطح آگاهیهای مکلف، ایفا کند. بهترین برنامه‌های پیشنهادی در این باره عبارتند از:

ارائه مقاله توسط دانش آموزان در باره جشن تکلیف و اهدای جایزه به بهترین مقاله‌ها.

برگزاری مسابقه‌هایی که سؤالات آن درباره دانستیهای تکلیف باشد.

استفاده از سخنرانی دانشمندانی که با روان‌شناسی کودک آشنا کنید و می‌توانند ابعاد مختلف تکلیف را مطابق درک آنها تشریح کنند.

### ۳- رعایت ویژگیهای مکلف

برای اینکه برنامه‌های جشن تکلیف جاذبه بیشتری داشته باشد و آثار تربیتی آن عمیقتر و افزونتر شود، باید فضای روحی و فکری نونهالانی که پاستن تکلیف می‌گذارند، در تنظیم برنامه‌ها مراعات شود.



ص: ۳۸

### بخش سوم هدیه‌های جشن تکلیف

#### اشاره

رسم است که در جشن‌هایی که به مناسبت‌هایی مانند ازدواج، تولد و تکلیف، هدیه‌هایی از سوی شرکت‌کنندگان اهدا می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که در اینگونه جشنها که هدیه در آن مرسوم است- باید مورد توجه باشد، آشنایی با دیدگاه اسلام درباره هدیه و آداب آن است. جشن تکلیف خصوصیتی دارد که بدان اشاره خواهیم کرد.

#### هدیه در اسلام

هدیه که به آن کادو، تحفه، ارمان و پیشکش نیز گفته می‌شود، نه فقط در جشنها و مناسبت‌های مختلف، بلکه بطور مطلق، در اسلام مورد سفارش و تأکید است.

هدیه یکی از عوامل زدودن کینه و عداوت، ایجاد مهر و محبت و تحکیم پیوند برادری اسلامی است «§- پیامبر اسلام ص:» الهدیه تورث المودّة، و تجدد الاخوة، و تذهب الضغينة، تهادوا تحابوا» بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶، حدیث ۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت. §» و فضیلت آن بیش از فضیلت صدقه است.



ص: ۳۹

امام علی علیه السلام فرمود:

من دوست دارم آنچه را که برای برادر مسلمانم مفید است، بدو هدیه دهم تا صدقه. «§- لأن اهدی لأخی المسلم هدیه تنفعه احبّ الیّ من أن أتصدّق بمثلها» فروع الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴، حدیث ۱۲. §» هدیه از نظر انگیزه آورنده آن، انواعی دارد.

برخی از هدیه‌ها در اسلام سخت نکوهش شده و حتی در بعضی از موارد، آورنده آن مستوجب کیفر الهی است!

## انواع هدیه‌ها

### اشاره

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هدیه را با توجه به انگیزه آن به سه دسته تقسیم کرده و دسته اول را هدیه مکافات (مقابله)، دسته دوم را هدیه مصلحت و دسته سوم را هدیه برای خدا نامیده است: «§- الهدیه علی ثلاثه اوجه: هدیه مکافاه و هدیه مصلحت و هدیه لله» فروع الکافی، ج ۵، ص ۱۴۱، حدیث §.۱

### الف- هدیه مقابله:

هدیه مقابله، در مقابل هدیه‌ای دیگر داده می‌شود. مثل معروفی می‌گویید: «کاسه جایی رود که باز آرد قدح». «§- امثال و حکم، دهخدا، ج ۳، ص ۱۱۸۳» بسیاری از هدیه‌ها چنین است. این نوع هدیه در اسلام ممنوع نیست، ولی پسندیده هم نیست.

حضرت علی علیه السلام فرمود:



ص: ۴۰

برای کسی هدیه ببر که می‌دانی او برای تو هدیه نمی‌آورد. «§- أهد من لایهدی إلیک» من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰، حدیث §.۴۰۷۶

### ب- هدیه مصلحت:

مصلحت به معنای ظاهرسازی است هدیه مصلحت، آن است که آورنده آن انگیزه‌ای جز ظاهرسازی ندارد. این ظاهرسازی به دلیل رودرباستی، خودنمایی یا برای کارسازی است.

بدترین نوع هدیه مصلحت، آن است که انگیزه آن کارسازی است. این هدیه چیزی جز رشوه نیست. هدیه‌هایی که برای کارمندان دولت به منظور کارسازی می‌برند، از این قبیل است. این گونه هدایا در روایات اسلامی، رشوه، ربا و خیانت نام گرفته و بشدت نکوهش شده و حرام است. «§- ر. ک. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۳۷، باب هدایا العمال §»

### ج- هدیه برای خدا:

هدیه برای خدا آن است که آورنده آن نه مصلحت و ظاهرسازی می‌کند، نه مقابله، بلکه انگیزه‌ای جز رضای خدا از طریق خدمت و شاد کردن برادر و یا خواهر دینی خود ندارد و بدین جهت در انتخاب نوع کادو و کیفیت آن حتماً رضای خدا را رعایت می‌کند.

کسی که برای خدا هدیه می‌برد، هیچ‌گاه چیزی را که خداوند اجازه نداده، هدیه نمی‌برد. متأسفانه در برخی از جشنها حتی عده‌ای از علاقه‌مندان به اسلام و انقلاب اسلامی، کادوهایی می‌آورند که انگیزه الهی ندارد. برای مثال، طبقه‌های متعدد گل با

قیمتهای گزاف! و برای چند ساعت! آن هم در شرایط اقتصادی کنونی چگونه می تواند با انگیزه الهی توأم باشد؟! ↓

ص: ۴۱

یکی از نشانه‌های هدیه برای خدا این است که با تکلف و به زحمت افتادن همراه نیست، و هدیه آورنده مجبور نمی شود برای تهیه آن، خود را به سختی بیندازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

یکی از نشانه‌های بزرگداشت برادر مسلمان این است که هدیه او را بپذیرد و از آنچه دارد برای او هدیه ببرد و برای او خود را به سختی بیندازد. «§- من تکرمة الرجل لأخيه المسلم أن يقبل تحفته و يتحفه بما عنده ولا يتكلف له شيئاً» فروع الکافی، ج ۵، ص ۱۴۳، حدیث ۸. §

### بهترین هدیه

از نظر اسلام بهترین هدیه چیست؟ آیا اسلام در زمینه نوع هدیه‌هایی که مردم برای یکدیگر می‌برند نیز اظهار نظر کرده است؟! ↑

پاسخ: آری. اسلام در این زمینه دیدگاه جالب توجهی دارد. با اینکه به هدیه‌های مادی برای تأمین نیازهای زندگی و ایجاد الفت و محبت میان مردم توصیه دارد، ولی هدیه را تنها در کادوهای مادی منحصر نمی‌کند، بلکه بهترین و ارزنده‌ترین تحفه‌ها را، هدیه‌ای می‌داند که نیازی از نیازهای معنوی و روحی انسان را تأمین کند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

هیچ هدیه‌ای برای برادر مسلمان ارزنده‌تر از سخن حکیمانه‌ای که خداوند به وسیله آن هدایتش را افزون کند و مانع سقوط و هلاکتش گردد، نیست. «§- ما اهدى المرء المسلم على اخيه هدية افضل من كلمة يزيد الله بها هدى و يرده عن ردى» بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵، حدیث ۸۸. در این باره از روایات متعددی از پیامبر اسلام ص نقل شده است. ر. ک. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۴۳، عنوان افضل الهدیه. §

↓

ص: ۴۲

این سخن به معنای نفی ارزش هدیه‌های مادی نیست تا بهانه‌ای برای بخیلان شود و از این پس به جای زحمت تهیه کادو، موعظه و اندرز برای دیگران به ارمغان ببرند! بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواهد، جامعه اسلامی را به ارزش هدیه‌های معنوی که اغلب مردم به آن توجه ندارند، آگاه کند تا این سنت نیکو، در جامعه اسلامی جایگاه واقعی خود را در جهت سعادت و کمال انسان بیابد.

### آداب هدیه

با توجه به آنچه ذکر شد، آداب هدیه بطور خلاصه از این قرار است:

\* اخلاص. یعنی تهی شدن از انگیزه‌های غیر الهی.

\* مفید بودن. هدیه‌های تشریفاتی غیر اسلامی است.

\* در نظر گرفتن نیاز کسی که هدیه به او تقدیم می‌شود. نیازهای انسان در سنین مختلف و شرایط گوناگون زندگی، متفاوت است. برای اینکه هدیه هر چه بهتر و بیشتر مورد استفاده قرار گیرد، باید متناسب با نیازهای انسان باشد.

\* پیام فرهنگی. کاملترین هدیه، تحفه‌ای است که دربردارنده ارزش مادی و معنوی باشد، مانند کتابهای نفیس و آموزنده. گاهی با در نظر گرفتن نیازهای مادی طرف هدیه، کمکهای مادی ضروریتراست. در اینصورت، بهتر است پیامهای فرهنگی که بهترین هدیه در اسلام است، به آن ضمیمه گردد.



ص: ۴۳

\* تنوع. در مواردی که آورندگان هدیه متعدند، تنوع هدیه‌ها نیز از آداب هدیه محسوب می‌شود.

آنچه که ذکر شد، مربوط به «مطلق هدیه» است ولی در مورد جشن تکلیف که جشن آغاز رسمی پیوند انسان با خداست، رعایت تناسب هدیه و جشن، ایجاب می‌کند که هدیه‌ها هر چه بیشتر معنوی و دارای بیان فرهنگی باشد. تا چهره مقدس و نورانی این جشن معنوی، بهصورت سایر جشنهای مادی تحریف نشود.



ص: ۴۴

## بخش چهارم شرایط تکلیف

### اشاره

پرسش: در چه تاریخی انسان به تکلیف می‌رسد؟

پاسخ: هنگامی که توان جسمی، فکری، علمی و عملی او برای انجام تکلیف مهیا باشد. تکلیف چهار شرط اصلی دارد:

اول- بلوغ

دوم- عقل

سوم- علم

چهارم- قدرت

اینک توضیح مختصری درباره این شرایط: «§- در متون اسلامی، اموری به عنوان «موانع تکلیف» آمده است، مانند: کودکی، جنون، جهل، خطا، نسیان، عجز، حرج، ضرر، اکراه و اضطرار.

کودکی، نشانه فقدان شرط اول یعنی بلوغ است. جنون نشانگر فقدان شرط دوم یعنی عقل است. جهل، خطا و نسیان، حاکی از فقدان شرط سوم یعنی علم است. سایر موانع به فقدان شرط چهارم یعنی قدرت بازمی‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت: موانع تکلیف در واقع بیان دیگری از شرایط تکلیف است §»



ص: ۴۵

### بلوغ

بلوغ، یعنی رسیدن. رسیدن به توان جسمی لازم برای انجام تکلیفهای الهی، نخستین شرط تکلیف است.

### الف - علامتهای بلوغ:

علامتهایی که فقها برای بلوغ دختر و پسر ذکر کرده‌اند، عبارتند از:

۱- روئیدن موی درشت بر زهار. «§- زهار: اطراف آلت تناسلی مرد یا زن که موی از آن روید، شرمگاه فرهنگ معین. در اینجا مقصود موهای اطراف آلت تناسلی است که قبل از بلوغ ضعیف و نرم است و هنگام بلوغ درشت و خشن می‌شود» §۲- خروج منی در بیداری یا خواب.

۳- پایان پانزده سال «§- ملاک محاسبه، سال قمری است، نه سال شمسی» § پسر و نه سال دختر. «§- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، مسأله ۳» هر یک از علامتهای بالا نشان بالغ شدن انسان و رسیدن او به سن است، و از آن لحظه در صورتی که سایر شرایط تکلیف نیز فراهم باشد، انجام همه دستوره‌های الهی بر انسان واجب است.

### ب- تقدّم زن در تشرف به بلوغ:

نشانه اول و دوم بلوغ، میان زن و مرد مشترک است و براساس آن ممکن است دختر و پسر در یک زمان، گاه دختر زودتر از پسر و گاه پسر زودتر از دختر بالغ شود. ولی بطور معمول، بلوغ افراد از طریق نشانه سوم روشن می‌گردد و بر این اساس، دختر شش سال زودتر از پسر به تکلیف می‌رسد.



ص: ۴۶

دختر شش سال زودتر از پسر، آمادگی پیوند با خدا را پیدا می‌کند. در سن نه سالگی که پسر مشغول بازی است، خداوند متعال دختر را به عنوان یک زن شایسته به حضور می‌پذیرد و از او می‌خواهد که مثل دیگر انسانهای مکلف به سوی کمال انسانیت حرکت کند.

تقدم زن در تشرف به تکلیف، نشانه آمادگی بیشتر او برای دریافت سریع فضیلت‌های انسانی است و این معنا، مسؤولیت اولیای منزل و مدرسه را در تربیت دختران سنگین تر می‌کند.

### عقل

دومین شرط تکلیف، توان فکری مکلف است، یعنی عقل یا رشد عقلی ممکن است فردی از نظر جسمی، رشد کافی داشته باشد، لیکن از نظر فکری دارای توان لازم نباشد. چنین شخصی از نظر اسلام تکلیفی ندارد.

توان فکری انسان مبنای تکلیف و معیار محاسبه و مؤآخذ الهی است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

همانا خداوند در روز قیامت به اندازه عقلی که به بندگان خود داده، در حساب خرده‌گیری می‌کند. «§- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰، حدیث ۱» از رسول خداصلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: هنگام بلوغ، نوری در قلب انسان واقع می‌شود که



بر اثر آن، انسان می‌تواند کارهای واجب و نیک و بد را تشخیص دهد. سپس می‌فرماید: «عقل در دل، مانند چراغ در وسط خانه است.» ﴿بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۹، حدیث ۱۴﴾



ص: ۴۷

تا این چراغ در دل انسان روشن نشده و قدرت تشخیص حق و باطل، ایمان و کفر، واجب و حرام را ندارد، تکلیفی به عهده او نیست.

قرآن کریم کسی را که به بلوغ عقلی نرسیده، مستضعف می‌نامد ﴿نساء، آیه ۹۸-۹۹﴾. امام باقر علیه السلام درباره ویژگیهای مستضعف عقلی فرمود:

مستضعف کسی است که توان تشخیص کفر و ایمان را ندارد تا کفر ورزد یا ایمان آورد. آنان کودکان نورس هستند، هر مرد و زنی که در خرد مانند کودک باشد، قلم تکلیف بر او جاری نیست ﴿اصول الکافی، ج ۲، ص ۴۰۴، حدیث ۱﴾.

## علم

علاوه بر بلوغ جسمی و عقلی، شناخت احکام الهی نیز از شرایط قطعی تکلیف است. تا انسان، حکمی را نداند، نسبت به آن تکلیفی ندارد. این بدان معنا نیست که انسان می‌تواند به بهانه ندانستن مسأله، به تکلیف خود عمل نکند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

خداوند روز قیامت از کسی که به تکلیف خود عمل نکرده، می‌پرسد: آیا تکلیف خود را می‌دانستی؟ اگر بگوید: می‌دانستم، به او خطاب می‌شود: چرا به آن عمل نکردی، اگر بگوید: نمی‌دانستم، به او خطاب می‌شود: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ ﴿بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۹، حدیث ۱۰﴾ شرط بودن معرفت برای تکلیف، بدین معناست که اگر انسان به تکلیف خود توجه نداشته، یا شرایط زندگی او بگونه‌ای است که راهی برای دانستن او وجود ندارد، تکلیفش ساقط است.



ص: ۴۸

## قدرت

چهارمین شرط تکلیف، قدرت یعنی توانایی برای انجام کاری است که خداوند آن را از انسان خواسته است. توانایی، تنها شرطی است که قرآن کریم به عنوان شرط تکلیف، بر آن تأکید نموده و باصراحت اعلام کرده است:

«لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». ﴿بقره، آیه ۲۸۶. این معنا با اندکی تفاوت لفظی در آیات ۱۵۲، انعام- ۴۲، اعراف- ۶۲، مؤمنون و ۲۳۳، بقره ملاحظه می‌شود﴾

خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند.

در واقع، تکلیف یک شرط بیشتر ندارد و آن، توانایی مکلف برای انجام تکلیف است. این توانایی شامل: توان جسمی، عقلی، علمی و عملی است.

آنچه در روایات اسلامی درباره سایر شرایط تکلیف آمده، در حقیقت توضیح این شرط است.

امام حسین علیه السلام درباره این شرط فرمود:

خداوند طاقت کسی را نگرفت، مگر آنکه طاعت خود را از او برداشت، و قدرت کسی را سلب نکرد، مگر اینکه تکلیف خود را از او برداشت. «§- ما اخذ الله طاقة أحد إلا وضع عنه طاعته و لا أخذ قدرته إلا وضع عنه كلفته» تحف العقول، ص ۲۶۴ §»  
روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که بیانگر دقت پیشوایان اسلام در رعایت توان مکلف برای انجام تکلیفهای الهی است. آن بزرگوار فرمود:

نماز هنگامی بر مکلف واجب می شود که درک کند، روزه هنگامی بر مکلف واجب می گردد که طاقت داشته باشد. «§- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۸۵، حدیث ۴۳ §»



ص: ۴۹

## بخش پنجم ویژگیهای تکلیف

### اشاره

آشنایی با ویژگیهای تکلیف، بخصوص برای مسئولان امور تربیتی ضروری است. در این فصل سه ویژگی مهم تکلیف، بطور اجمال بررسی می شود. این سه ویژگی در یک جمله چنین خلاصه می شود: تکلیف، آسان، اندک و در عین حال پاسخگو به نیازهای انسان است. اینک توضیح مطلب:

### آسان بودن

قرآن بصراحت اعلام کرده که تکلیف، سخت نیست. به آیات زیر توجه کنید:  
خداوند نمی خواهد تکلیف سختی بر شما تحمیل کند. «§- ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» مائده، آیه ۶ §» خداوند در دین اسلام، تکلیف سختی بر شما تحمیل نکرده است. «§- ما جعل علیکم فی الدین من حرج» حج، آیه ۷۸ §»



ص: ۵۰

خداوند هیچ کسی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند. «§- لا یکلف الله نفساً إلماً وسعها» بقره، آیه ۲۸۶ §» خداوند آسانی را برای شما می خواهد و سختی و مشقت را برای شما نمی خواهد. «§- یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» بقره، آیه ۱۸۵ §» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ادامه این سخن که در تکلیفهای الهی، حق هر صاحب حقی رعایت شده، می فرماید:

خداوند اسلام را تشریح کرد و آن را سهل و آسان و گشاده قرار داد، و سخت و تنگ قرار نداد. «§- ان الله اعطی کل ذی حق حقه و ان الله فرض فرائض و سنن سنناً و حدّ حدوداً واحلاً حلالاً و حرماً حراماً و شرع الإسلام و جعله سهلاً و سمحاً واسعاً و لم یجعلهُ ضیقاً» مسند ابی یعلی، ج ۳، ص ۵۰، حدیث ۲۴۵۲ §» حدیث بالا اشاره به این است که رعایت حقوق مردم، ایجاب می کند که آنها در انجام تکلیفهای شرعی خود در تنگنا قرار نگیرند. این نکته در مقررات اسلامی مورد توجه بوده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مناسبتهای مختلف و مکرر با تأکید می فرمود که دین اسلام آسان است و دینداری مشکل

نیست، مبدا افراد نادان بر خود سخت بگیرند و مبدا متولیان امور دینی کاری انجام دهند که مردم تصور کنند، دینداری مشکل است و با سختگیریهایی بیجا مردم را از دین فراری دهند.

روزی پس از نماز، مردم اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته، از او مسأله می پرسیدند. چندین بار سؤال کردند که آیا فلان کار اشکال دارد؟ آن حضرت فرمود: «نه اشکال ندارد. ای مردم! دین خدا در آسانی است.» §- مسند، ابن حنبل، ج ۵، ص ۶۹» این سخن را

↑↓

ص: ۵۱

پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار تکرار کرد.

### اندک بودن

یکی دیگر از ویژگیهای تکلیف، اندک بودن آن است. نه تنها توان انسان بیش از تکلیف اوست، و نه فقط آنچه به انسان تکلیف شده، برایش آسان است، بلکه آنچه بدو تکلیف شده، اندک است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعایی که جبرئیل برای آن حضرت آورده، چنین می فرماید:

خداوندا! سپاس ویژه توست، بر احسان فراوان و نیکی بسیار و تکلیف آسان و دفع دشوار ... سپاس ویژه توست بر کمی تکلیف و زیادی تخفیف. §- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۱۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت § امام علی علیه السلام نیز در نامه‌ای به کارگزاران خراج (مالیات، جزیه و غیره) چنین آورده است:

بدانید که آنچه بدان مکلف شده‌اید، اندک و پاداش آن بسیار است. §- نهج البلاغه، نامه ۵۱» با توجه به اینکه واجبات و محرماتی که در بابهای مختلف فقه، بطور گسترده آمده کم نیستند، اندک بودن تکلیف را به دو معنا می توان تقسیم کرد:

۱- اندک بودن تکلیف در مقایسه با توان انسان.

۲- اندک بودن تکلیف در مقایسه با پاداش آن.

یک دانش آموز برای تحصیل دانش در مقطعه‌های مختلف تحصیل، چقدر تکلیف دارد؟ انسان برای تأمین زندگی موقت خود در این جهان چقدر

↑↓

ص: ۵۲

تلاش می کند؟ و با این قیاس، تکلیف او برای تأمین آسایش همیشگی خود چقدر باید باشد؟ و چقدر هست؟!

در واقع، آنچه خداوند در برابر انجام تکلیف، به انسان عنایت می کند، چیزی جز فضل و رحمت او نیست. علاوه بر این، آسایش انسان در این جهان نیز در سایه انجام تکلیف است.

### پاسخگو به نیاز انسان

مهمترین ویژگی و فلسفه تکلیف، پاسخگویی به نیازهای انسان است.

مقررات الهی بر مبنای نیازهای واقعی انسان وضع شده و زندگی خوب و با سعادت و عاقبت نیک جز با انجام این مقررات

میسر نیست. هر یک از این احکام، پاسخگو به نیازی از نیازهای انسان است و بطور کلی، در اسلام حکمی بدون حکمت و تکلیفی بدون مصلحت وجود ندارد.

امام صادق علیه السلام در سخنی که با یکی از یاران خود به نام جمیل بن دزاج درباره حلال و حرام داشت، به این اصل مهم اشاره کرده، چنین فرمود:

در اسلام، حکمی بدون حکمت وجود ندارد. «§- إِنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ شَيْءً إِلَّا لَشَيْءٍ» علل الشرائع، ص ۸، حدیث ۱.۱ § خداوند بدون در نظر گرفتن نیازها و مصالح انسان به او تکلیف نمی‌کند. چیزی را بر او حلال یا حرام نمی‌نماید؛ اگر چیزی را بر او حلال کرد، سود وی را در نظر داشته و اگر چیزی را برایش حرام کرد، مصلحت او را مورد توجه قرار داده است.

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: چرا خداوند شراب، مردار، خون و گوشت خوک را بر انسان حرام کرده است؟ امام در پاسخ این سؤال با اشاره به نیازهای انسان فرمود:



ص: ۵۳

حرام کردن این امور و حلال کردن سایر چیزها به دلیل تمایل خداوند به آنچه حلال کرده و بی‌میلی او نسبت به آنچه که تحریم نموده نیست، بلکه خداوند که انسان را آفرید، نیازهای آفریده خود را می‌داند و از این رو آنچه را که برای تأمین نیازهای او ضروری است، بر او حلال و مباح کرد و آنچه را برای وی زیان‌آور می‌داند، بر او حرام نمود. «§- من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۱۸، حدیث ۱۰۰۹، دارالصعب، دارالتعارف، بیروت §» درباره پاسخگویی تکالیف الهی به نیازهای انسان توجه به این نکته‌ها ضروری است:

۱- در بینش اسلام، انسان ترکیبی است از جسم و جان. از این رو، نیازهای او به نیازهای مادی منحصر نمی‌شود و زندگی وی منحصر به زندگی این جهان نیست. تکلیف‌های الهی بگونه‌ای تنظیم شده که نیازهای مادی و معنوی او را برای همیشه تأمین کند.

۲- در احادیث اسلامی به فلسفه بسیاری از احکام و مقررات الهی اشاره شده است. «§- ر. ک. علل الشرائع، شیخ صدوق §» بررسی‌های علمی نیز می‌تواند فلسفه بسیاری از احکام را کشف کند، ولی این بدان معنا نیست که جز آنچه در این روایات آمده یا عقل و علم بدان رسیده، فلسفه دیگری وجود ندارد.

نه عقل می‌تواند فلسفه دقیق و کامل همه احکام را کشف کند و نه پیشوایان اسلام بنا داشته‌اند، راز کامل همه قوانین الهی را اعلام کنند. تمام احکام بر اساس نیازهای واقعی انسان وضع شده و ندانستن فلسفه برخی از قوانین، دلیل فلسفه نداشتن آن نیست.



ص: ۵۴

۳- مشخص نبودن فلسفه برخی از احکام خداوند، خود فلسفه‌ای دارد که امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه بدان اشاره کرده است:

خداوند آفریده‌های خود را با برخی از تکلیف‌هایی که ریشه و فلسفه آن را نمی‌دانند، می‌آزماید تا نیک و بد را جدا سازد. «§- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲ §» فلسفه نهایی تکلیف، پرورش انسان کامل است. آنچه که بیش از هر چیز دیگر در تکامل انسان نقش دارد، اطاعت از خداوند متعال است، بدین جهت نیت، روح و باطن عمل است و اعمال‌الصالح بدون قصد قربت، اثری در

تکامل انسان ندارد.

وقتی معلوم می‌شود که انگیزه انسان در انجام تکلیف، اطاعت خداست که بدون توجه به فلسفه تکلیف و نیاز خود، آن را انجام دهد و این فقط در مورد تکلیف‌هایی که فلسفه آن مشخص نیست، بطور کامل قابل تحقق است.



ص: ۵۵

## بخش ششم دانستیهای تکلیف

### اشاره

دانستیهای تکلیف از مهمترین مسائل تربیتی کودک در زمینه آماده‌سازی او برای جشن تکلیف است. در لحظه بلوغ، هیچ چیز با اهمیت‌تر از این نیست که کودک با وظایف انسانی و الهی خود آشنا باشد و بداند که از آن لحظه به بعد چه باید بکند و چه نباید انجام دهد. وظیفه مسؤولان امور تربیتی، بویژه پدر و مادر در این رابطه بسیار سنگین است. مهمترین نکته‌هایی که دانستن آن برای لحظه تکلیف ضروری است، در این بخش مطرح می‌شود.

دانستیهای تکلیف به سه فصل تقسیم می‌شود:

۱- دانستیهای عقیدتی

۲- دانستیهای اخلاقی

۳- دانستیهای عملی



ص: ۵۶

### فصل اول

#### دانستیهای اعتقادی

باورهای درست و مطابق با واقع، نخستین مسأله‌ای است که اسلام بدان اهمیت داده است. اولین گام برای یافتن راه‌صحيح زندگي، عقايد و باورهاي درست و آشنائي دقيق با حقايق جهان هستي است.

بزرگ‌ترین حقیقت جهان هستی، حقیقت وجود آفریدگار جهان است.

کودک در لحظه تکلیف باید با این حقیقت بخوبی آشنا باشد. بداند که:

آفریدگار او و جهان کیست و دارای چه ویژگی‌هایی است؟

چه کسانی را برای راهنمایی و رهبری او فرستاده است؟

پیامبران الهی چه پیام‌هایی را از جانب پروردگار برای هدایت او آورده‌اند؟

سرانجام او چه خواهد شد و هنگامی که زندگی وی در این جهان پایان یافت، به کجا خواهد رفت؟

مکلف باید نسبت به اصول عقاید خود، یقین داشته باشد، یعنی پاسخ همه این سؤاها را بر اساس دلیل بداند، نه بر مبنای تقلید

کورکورانه از دیگران!

ممکن است بگویید: چگونه ممکن است کودک نه ساله یا پانزده ساله



ص: ۵۷

به درستی اصول عقاید اسلامی پی برد؟! آیا کودک دبستانی یا دبیرستانی قدرت استدلال دارد؟!!

پاسخ: قدرت استدلال، درجات مختلف دارد، مانند مراتب نور و روشنایی. نور شمع، نور است، نور خورشید هم نور است. هر چند این دو نور، قابل مقایسه با هم نیستند، ولی نور شمع مرتبه‌ای از مراتب روشنایی است، نور خورشید نیز مرتبه دیگری از مراتب روشنایی است.

انسان بدون دلیل نباید چیزی را باور کند، بخصوص در اصول عقاید.

دلیل باورهای انسان، به تناسب سن، هوش و تحصیلات وی متفاوت است.

مقصود از استدلال که مکلف در لحظه تکلیف، استدلال بر اساس دلیلهای پیچیده فلسفی نیست، بلکه مقصود استدلالی است بر مبنای دلیلهای ساده و روشن و متناسب با فهم و درک نونهال.

پیامبران الهی از جانب خداوند موظف بودند مطابق فهم و درک توده مردم با آنها سخن بگویند. در زمینه اصول عقاید بقدری روشن صحبت کرده و دلیلهای ساده‌ای آورده‌اند که نه تنها کودکان دبستانی و دبیرستانی، توان فهم و درک آن را دارند، بلکه افراد بی‌سواد نیز می‌توانند براساس آن در اصول عقاید، مجتهد شوند.

هر چند این کتاب، کتاب اصول عقاید نیست، ولی برای آشنایی نونهالان عزیز در آستانه تکلیف بطور مختصر به برخی دلیلهایی که در قرآن و احادیث اسلامی تبیین اصول عقاید اسلامی آمده، اشاره می‌شود:

## دلیل وجود خدا

قرآن کریم، سراسر جهان را دلیلهای و نشانه‌های روشن وجود خدا می‌داند؛ یعنی موجودات جهان از کوچکترین ذرات تا بزرگترین کرات، از اتم تا



ص: ۵۸

بزرگترین کهکشانها، از آفریده‌های محسوس تا نامحسوس، هر یک بگونه‌ای آفریده شده‌اند که دلیل روشن آینه آفریدگار خود هستند.

هیچ چیز در جهان هستی به اندازه وجود خدا، دلیل برای اثبات ندارد.

همه چیز دلیل وجود خداست؛ اگر دیده دل و عقل، باز باشد، انسان به هر چیز بنگرد، خدا را مشاهده می‌کند. در آینه زمین، کوه، صحرا، دریا، درختان، خورشید، ماه، ستارگان و کهکشانها دیده بینا خدا را می‌بیند.

برای کسانی که دیده عقل و دل آنها سالم است، همه آفریده‌ها تجلیگاه آفریدگار جهان هستند، آنها نمی‌توانند جهان را ببینند و خدا را نبینند!

برای آشنا شدن با آفریدگار جهان، نیازی به مطالعه کتاب بزرگ جهان هستی نیست، انسان اگر تنها به کتاب بظاهر کوچک وجودش مراجعه کند، به آسانی می‌تواند با خدای خود آشنا شود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

«من عرف نفسه عرف ربه» §- غررالحکم، حدیث شماره ۷۹۴۶۷§

کسی که خود را بشناسد، خدای خود را شناخته است.

آیا ساده‌تر از این می‌شود، درباره خدانشناسی سخن گفت؟! آشنایی با خود آشنایی با خداست، و کسی که خدا را نمی‌شناسد، معلوم می‌شود که خود را شناخته است!

مردی خدمت امام رضا علیه السلام رسید و از ایشان پرسید: با کدام دلیل می‌توان ثابت کرد که جهان پدیده است و نیاز به آفریدگار دارد؟

امام فرمود:

به این دلیل که تو نبودی و هستی یافتی، و خود می‌دانی که خویش را



ص: ۵۹

خود نیافریده‌ای و کسی هم که مانند توست، تو را به وجود نیاورده است. §- بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶، حدیث ۱۱۱§ خیلی ساده و روشن، می‌توان نیاز جهان را به آفریدگار اثبات کرد. هر کس از راه مطالعه چگونگی پیدایش خود، بسادگی می‌فهمد که قبل از ازدواج پدر و مادرش وجود نداشت و بعد به وجود آمد، و بروشنی می‌داند که امکان ندارد خودش خود را آفریده باشد.

همین دلیل برای اثبات نیاز جهان هستی به آفریدگار، کافی است، آنها نیز نه خود می‌توانند آفریننده خود باشند و نه چیزی مثل خودشان می‌تواند آفریننده آنها باشد. بنابراین، نیازمند آفریدگاری دانا و توانا هستند.

### دلیل یکتایی پروردگار

نخستین نکته‌ای که قرآن کریم در زمینه توحید و یکتایی خداوند راهنمایی کرده این است که ادعای تعدد خدایان، ادعایی است بدون دلیل. در قرآن می‌خوانیم:

«و من یدع مع الله الهاً آخر لا برهان له به» §- مؤمنون، آیه ۱۱۷§

کسی که با خدای یکتا خدای دیگری را بخواند، دلیلی برای این ادعا ندارد.

یکی از پیروان مکتب ثنویه (دوگانه پرستی) خدمت امام رضا علیه السلام رسید و گفت: من معتقدم که آفریدگار جهان دوتاست، شما به چه دلیل می‌گویید یکی است؟



ص: ۶۰

امام در پاسخ فرمود:

همین که تو می‌گویی دوتاست، دلیل این است که او یکی است! زیرا وقتی تو مدعی وجود خدای دوم می‌شوی، معلوم می‌شود که خدای واحد را پذیرفته‌ای. بنابراین، یکی مورد توافق است و بیشتر از آن مورد اختلاف. §- بحارالانوار، ج ۳، ص

۲۲۸، حدیث ۱۸§ در این گفتگو امام رضا علیه السلام برای رد ادعای دوگانه پرستان از همان بیان ساده و روشن قرآن الهام گرفته که آنها و همه مشرکان برای اثبات خدایی دیگر، دلیلی ندارند. و ادعای آنها پوچ و بی‌اساس است.

علاوه بر اینکه هیچ دلیلی برای اثبات همتا برای خداوند وجود ندارد، دلایلی بسیاری ثابت می‌کند، وجود همتا برای آفریدگار جهان، ممکن نیست.

ساده‌ترین دلیل، در سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام آمده است: پسر! مطمئن باش که اگر پروردگارت شریک و همتایی داشت، بی‌گمان پیمبرانش به سراغت می‌آمدند و نشانه‌های حکومت و قدرت او را می‌دید، و به کردار و صفاتش پی می‌برد. اما او خدای یکتاست، چنان‌که خود خویشتن را وصف کرده است، هیچ کس با حاکمیت او در ستیز نیست. «§- واعلم یا بنی أنه لو كان لربك شريك لأتتك رسلة، و لرأيت آثار ملكه و سلطانه و لعرفت افعاله و صفاته و لكنه إله واحد كما وصف نفسه لا يضافه في ملكه أحد» نهج البلاغه، نامه §.۳۱

## دلیل عدالت خدا

اساس هر نوع ستمی جهالت یا سودجویی یا ترس است. کسی ظلم



ص: ۶۱

می‌کند که مفسد آن را نمی‌داند و یا اگر می‌داند، سودجویی وی باعث انجام این عمل زشت شده است و یا ترس از دست دادن آنچه دارد، او را به ظلم وامی‌دارد.

هر ظلمی از نیاز ظالم ریشه می‌گیرد، جهالت و سودجویی و ترس نیز نوعی نیاز است. جهل، نیاز به علم، سودجویی نیاز به تمایلات درونی و ترس نیاز به قدرت است.

خداوند متعال به دلیل اینکه نیازمند نیست، ظلم می‌کند.

آنچه در باره دلیل عدالت خداوند گفته شد، در یک جمله کوتاه از امام سجاد علیه السلام آمده است:

خداوند! می‌دانم که بطور قطع در آنچه بدان فرمان داده‌ای ظلم نیست، و در کيفرت شتاب وجود ندارد، کسی شتاب می‌کند که بترسد تبه‌کار بگریزد، و کسی نیازمند ظلم است که ناتوان باشد و تو از چنین نسبتی ناروا بسی والایی! «§- و قد علمت أنه ليس في حكمك ظلم و لافي نقيمتك عجله، و إنما يعجل من يخاف الفوت و انما يحتاج الى الظلم الضعيف و قد تعاليت يا الهی عن ذلك علواً كبيراً» صحیفه سجادیه، دعای §.۴۸

## مرز خداشناسی

از آنجا که بحث گسترده درباره خداشناسی و صفات خداوند از موضوع این کتاب خارج است، برای اینکه عزیزانی که به تکلیف می‌رسند با حداقل چیزی که در زمین صفات خدا باید بدانند، آشنا شوند به ذکر دو روایت زیر بسنده می‌کنیم:

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: کمترین حد خداشناسی که کمتر از آن



ص: ۶۲

در زمینه شناخت آفریدگار کافی نیست، چیست؟

امام فرمود:



«لیس کمثلہ شیء ولا یشبہہ شیء، لم یزل عالماً سمیعاً بصیراً» §- اصول الکافی، ج ۱، ص ۸۶، حدیث ۲۲»

بداند که مانند خدا چیزی نیست، و چیزی به او شباهت ندارد، همیشه دانا، بینا و شنوا بوده است.

طاهر بن حاتم می گوید: من به امام کاظم علیه السلام چنین نوشتم: آنچه کمتر از آن در شناسایی آفریدگار کافی نیست، چیست؟

امام در پاسخ نوشت:

«لیس کمثلہ شیء و لم یزل سمیعاً و علیماً و بصیراً و هو الفاعل لما یرید» §- توحید، شیخ صدوق، ص ۲۸۴، حدیث ۴- اصول الکافی، ج ۱، ص ۸۶، حدیث ۲۲»

چیزی مانند او نیست، همیشه شنوا و دانا و بینا بوده، و او هر چه بخواهد، انجام می دهد.

### دلیل عقیده به نبوت

دومین دانستنیهای عقیدتی تکلیف، آشنایی با فرستادگان و پیامبران خداست. باور داشتن این که آفریدگار جهان هرگز انسان را بدون راهنمایی از جانب خود، رها نکرده است، بلکه در دورانهای مختلف زندگی بشر آنچه را که دانستن آن برای رسیدن انسان به کمال اخلاقی و زندگی همراه با آسایش لازم است، به وسیله پیامبران برای او فرستاده است.

خداوند حکیم و مهربان ممکن نیست، انسان را بدون راهنما در



ص: ۶۳

راههای پر پیچ و خم زندگی رها کند!

همین دلیل ساده و کوتاه برای نونهالان عزیز، کافی است. اما برای آنان که حال و حوصله تحقیق بیشتر را دارند، لازم است کمی توضیح دهیم.

برای توضیح بیشتر، توجه شما را به دو روایت دقیق و جالب در این باره جلب می کنیم:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: دلیل نبوت و لزوم عقیده به آن چیست؟ امام فرمود: برای اثبات نبوت توجه به چند مطلب لازم است:

۱- انسان آفریدگاری دارد که برتر از انسان و همه آفریده هاست.

۲- آفریدگار جهان حکیم است و کار بیهوده انجام نمی دهد.

۳- تمام مردم امکان تماس با خداوند را ندارد.

بنابراین، باید آفریدگار حکیم در میان آفریده های خود پیامبرانی داشته باشد که مردم را به آنچه برای آنها سودمند است و برنامه هایی که اجرای آن موجب بقای جامعه و عدم اجرای آن موجب تباهی مردم است، راهنمایی کند. §- بحار الانوار، ج

۱۱، ص ۲۹، حدیث ۲۰، نقل به معنا §» راهی جز این نیست که خداوند باید میان خود و مردم پیامبری داشته باشد و آن پیامبر

نیز از خطا مصون باشد تا بتواند پیامهای الهی را همان گونه که به او وحی شده، به مردم برساند و مردم را به انجام آنچه برایشان سودمند است و ترک آنچه برای آنها زیانبار است، راهنمایی کند.

به روایت ابوذر غفاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تعداد پیامبران ۱۲۴۰۰۰ نفر



ص: ۶۴

است، «§- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۲، حدیث §۲۴» دلیل قاطع دیگری نیز وجود ندارد که شماره پیغمبران را مشخص کند. آنچه قطعی و اعتقاد به آن لازم است اینکه خداوند متعال پیامبران بسیاری را برای راهنمایی انسان فرستاده که اول آنها حضرت آدم علیه السلام و آخر آنها خاتم پیامبران محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

### پیامبران اولوالعزم

قرآن کریم گروهی از پیامبران الهی را با عنوان «اولوالعزم» معرفی کرده است. «§- فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل» احقاف، آیه §.۳۵ پیامبران اولوالعزم پنج نفر بوده‌اند: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد «ص». «§- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳-۳۵» اینان برترین انبیای الهی هستند. علت این نامگذاری آن است که اینان صاحب کتاب و شریعت بوده‌اند و پیامبران معاصر یا بعد از آنها مؤظف بوده‌اند که از آنان پیروی نمایند تا آنکه یکی دیگر از پیامبران اولوالعزم ظهور کند. «§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۷، حدیث ۲- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۴-۳۵»

### دلیل نبوت پیامبر اسلام

آخرین پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. پدرش عبدالله، و مادرش آمنه نام داشت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درس نخوانده و نوشتن یاد نگرفته بود، ولی قبل از



ص: ۶۵

بعثت به عقل و ادب و امانت معروف بود. در سنّ چهل سالگی هنگامی که در غار «حراء» «§- غاری در نزدیکی مکه که محل عبادت و تفکر پیامبر اسلام ص قبل از بعثت بوده است §» با خدا خلوت کرده بود، به نبوت برگزیده شد و مأموریت یافت که مردم را به خدای یگانه اسلام دعوت کند.

بهترین و روشن‌ترین دلیل نبوت آن حضرت، قرآن کریم است.

وی با اینکه درس نخوانده بود، کتابی آورد که بزرگترین دانشمندان و قویترین مؤسسات علمی و فرهنگی از تدوین کتابی مانند آن ناتوانند.

قرآن از نظر لفظ و معنا هم‌تا ندارد و بیش از چهارده قرن است که همواره باصراحت چنین اعلام می‌کند:

من سند زنده نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستم، کسانی که در این واقعیت شک دارند، آزمایش کنند و کتابی مانند من تألیف کنند!

اگر همه عاقلان جهان- از جن و انس- جمع شوند، نمی‌توانند کتابی مانند قرآن بنویسند.

دشمنان سرسخت اسلام که در گذشته و حال، از هر گونه امکانات برخوردار بوده و هستند و از هیچ تلاشی برای ضربه‌زدن به این آیین الهی دریغ نکرده‌اند، اگر می‌توانستند تاکنون این مبارزه‌طلبی را پاسخ داده بودند.

سومین دانستیهای اعتقادی، آشنایی با امامت، یعنی ادامه دهندگان راه انبیا و رهبرانی است که رهبری آنها از طریق پیامبران به تأیید خداوند متعال رسیده است.

امامت بدین معناست که پیامبران الهی هیچ گاه مردم را پس از خود



ص: ۶۶

بلا تکلیف و سرگردان رها نمی کردند، بلکه ادامه دهندگان راه خود را به آنها معرفی می کردند، زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نبوده و نخواهد بود. «§- دلیل عقیده به امامت و نیاز به امام منحصر به این مختصر نیست، برای تحقیق بیشتر، به کتاب «رهبری در اسلام» از نویسنده مراجعه کنید» امامت، ادامه راه نبوت است و بدون آن، همه تلاشهای انبیای الهی برای سعادت و تکامل انسان ناتمام می ماند.

امامت، رمز وحدت جامعه است و بدون آن، اختلافات سیاسی و عقیدتی، پیروان مکتب پیامبران را از پای درمی آورد.

## پیشوایان اسلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جانب خداوند موظف بود که مسأله امامت و رهبری جامعه اسلامی پس از خود را برای مردم بیان کند.

به دلیل اهمیت موضوع، آن حضرت از سالهای نخستین بعثت تا هنگام وفات، در هر مناسبتی، مسأله تداوم رهبری در اسلام و نام و مشخصات رهبر بعد از خود را مطرح می ساخت تا اینکه در سال دهم هجری و در آستانه وفات خود، پس از برگشت از آخرین حج در مکانی بین راه مکه و مدینه به نام «غدیر خم» در جمع همه مسلمانهایی که از نقاط مختلف از سفر حج بازمی گشتند، به دستور خداوند و بطور رسمی امیر مؤمنان علی علیه السلام را به عنوان جانشین و امام بعد از خود به مردم معرفی کرد. آن سخنان به «حدیث غدیر» معروف است.

متأسفانه به دلایلی سیاسی، با همه سخنان و رهنمودهای صریح و روشن پیامبر که در کتابهای شیعه و سنی موجود است، مخالفت شد و بدین



ص: ۶۷

ترتیب، جهان اسلام به مشکلاتی دچار گشت که هنوز ادامه دارد.

ما پیروان اهل بیت علیهم السلام معتقدیم که به موجب فرمایش قطعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از وفات آن حضرت پیشوایان اسلام دوازده نفرند و نامهای مقدس آنها بدین ترتیب است:

امام اول- حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام

امام دوم- حضرت حسن بن علی علیه السلام

امام سوم- حضرت حسین بن علی علیه السلام

امام چهارم- حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام

امام پنجم - حضرت محمد بن علی الباقر علیه السلام  
امام ششم - حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام  
امام هفتم - حضرت موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام  
امام هشتم - حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام  
امام نهم - حضرت محمد بن علی التقی علیه السلام  
امام دهم - حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام  
امام یازدهم - حضرت حسن بن علی العسکری علیه السلام  
امام دوازدهم - حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه

### امام عصر (عج)

### اشاره

حضرت مهدی موعود (عج) فرزند امام یازدهم، همام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و جانشین دوازدهم آن حضرت و امام عصر ماست.

امام عصر علیه السلام در سال ۲۵۶ یا ۲۵۵ هجری قمری در سامراء متولد شد.  
پس از شهادت پدر پزرگوارش در سال ۲۶۰ ه. ق. امامت به آن حضرت رسید.  
امام زمان (عج) ذخیره الهی برای نجات مستضعفان و نابودی



ص: ۶۸

مستکبران جهان است. موعودی که حکومت جهانی اسلام را تشکیل خواهد داد، و بدین جهت تا زمینه جهانی شدن اسلام فراهم نشود، از دیده‌ها غایب خواهد بود.  
غیبت امام عصر (عج) به دو بخش تقسیم می‌شود:

### الف - غیبت صغری

این غیبت از سال ۲۶۰ هجری قمری تا سال ۳۲۹ بود. در این فاصله نمایندگان خاص او به نمایندگی از آن حضرت، هدایت و رهبری مردم را به عهده داشتند. اسامی آنان به ترتیب عبارت است از:

۱- عثمان بن سعید عمری

۲- محمد بن عثمان

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سمری

چند روز به مرگ چهارمین نایب خاص امام عصر مانده بوده که از جانب آن حضرت به وی ابلاغ شد که تا شش روز دیگر

زندگی را بدرود خواهد گفت و پس از وی هیچ کس نیابت خاصه نخواهد داشت.  
بدین ترتیب، غیبت کبری آغاز شد و تا روزی که خداوند متعال به آن حضرت اجازه ظهور دهد، ادامه خواهد یافت. «§- ر. ک. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱»

## ب- غیبت کبری

این غیبت از سال ۳۲۹ هجری قمری، پس از درگذشت آخرین نایب



ص: ۶۹

خاص امام عصر آغاز شد و تاکنون ادامه دارد، و تا وقتی که زمینه جهانی شدن اسلام فراهم نشود، ادامه خواهد یافت.  
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مهدی از فرزندان من ظهور کرده و دنیا را از عدل و داد پر کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد. «§- مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۹۹- روضه الواعظین، ص ۲۸۶»

## نایبان عام امام عصر (عج)

از آنجا که امامت و رهبری جهان اسلام، ادامه نبوت است و بدون آن مسلمانان نمی‌توانند به وظایف الهی خود عمل کنند، در زمان غیبت کبری، فقهای واجد شرایط فتوا و رهبری، نیابت عام آن بزرگوار را به عهده دارند و مسؤول هدایت و رهبری جهان اسلام‌اند و موظفند نیازهای عقیدتی، فقهی، اخلاقی و سیاسی جامعه اسلامی را- تا حدّ توان- تأمین کنند و با تشکیل حکومتی که مقدمه اجرای مقررات الهی از یکسو و هسته‌های مقاومت برای رهایی مستضعفان و جهانی شدن اسلام از سوی دیگر است، زمینه حکومت جهانی امام عصر علیه السلام را فراهم سازند.

## عقیده به معاد

چهارمین دانستیهای عقیدتی، آشنایی با جهان پس از مرگ است.

اعتقاد به معاد، یعنی ایمان به زندگی پس از مرگ برای رسیدگی به اعمال نیک و بد انسان و پاداش آن.



ص: ۷۰

از نظر اسلام، انسان با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شود. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

گمان مبرید که با مردن نابود می‌شوید، بلکه از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌گردید. «§- ما خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ، بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، و انما تنتقلون من دار إلى دار» بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۹، حدیث ۸۷، مؤسسه الوفاء، بیروت. §»

## عالم برزخ

فاصله میان مرگ تا قیامت، عالم برزخ یا عالم قبر نامیده می‌شود. روح انسان پس از مرگ به عالم برزخ منتقل می‌شود و پس از یک بازجویی کوتاه، اگر از نیکان باشد زندگی شیرین و گوارا، و اگر از بدان باشد، زندگی تلخ و ناگواری را آغاز می‌کند، یا در کنار پاکان و مقربان درگاه خدا در نعمت و یا در کنار شیطانها و پیشوایان گمراهی در رنج و زحمت خواهد بود، و این زندگی تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.

## روز قیامت

روز قیامت، همه مردم برای رسیدگی نهایی به اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، زنده خواهند شد. این روز به اندازه پنجاه هزار سال «§- بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۲۳§» طول خواهد کشید! و به همه اعمال انسان بطور دقیق رسیدگی خواهد شد. اگر نتیجه رسیدگی، خوب باشد، به بهشت جاوید راه خواهد یافت و در آنجا برای همیشه از بالاترین لذتها و شادیهایی که قابل تصور نیست، برخوردار خواهد بود و اگر نتیجه رسیدگی، بد باشد، در زندانی به نام جهنم، محبوس خواهد شد و در



ص: ۷۱

آنجا برای همیشه در سخت‌ترین عذابها و رنجهای قرار خواهد گرفت.

## دلیل عقیده به معاد

### اشاره

اعتقاد به معاد، از راههای مختلفی قابل اثبات است. برای آنان که پا به سن تکلیف می‌گذارند، به چند راه ساده آن اشاره می‌کنیم:

### الف- وعده خدا:

ساده‌ترین دلیل اثبات معاد، وعده خداوند است. اگر ثابت شود که خداوند، زندگی پس از مرگ را وعده داده، عقیده به معاد برای عقل قابل قبول است.

همه انبیای الهی، این وعده خداوند متعال را تکرار کرده‌اند. بیش از ۱۴ قرآن کریم درباره معاد است. در هر صفحه‌ای از این کتاب آسمانی این وعده الهی بگونه‌ای مطرح شده است.

بنابراین، کسی که توحید و نبوت را پذیرفته است، نمی‌تواند به معاد اعتقاد نداشته باشد.

### ب- برهان حکمت:

اگر جهان پس از مرگ، وجود نداشته باشد و حساب و کتابی در کار نبوده و زندگی آدمی با مردن به پایان برسد، آفرینش انسان بی‌هدف و بیهوده خواهد بود، در حالی که خداوند حکیم، کار بی‌هدف و بیهوده انجام نمی‌دهد. «§- أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً و أنکم إلینا لاترجعون» مؤمنون، آیه ۱۱۵ آیا پنداشته‌اید که ما شما را بیهوده آفریدیم و شما را به سوی ما باز

نمی گردانند؟ §»



ص: ۷۲

### ج- برهان عدالت:

در صورتی که جهان پس از مرگ وجود نداشته باشد، نیکوکاران و بدکاران با مرگ به یک نقطه مساوی می‌رسند و این خلاف عدالت است و خداوند عادل، کاری را که خلاف عدل است، انجام نمی‌دهد.



ص: ۷۳

### فصل دوم

#### دانستنیهای اخلاقی

#### اشاره

پس از دانستنیهای عقیدتی مهمترین چیزی که آشنایی با آن برای نوجوان ضرورت دارد، دانستنیهای اخلاقی است. شرح همه دانستنیهای اخلاقی، از حوصله این کتاب خارج است، در این فصل تلاش می‌کنیم تا ضروری‌ترین مسائل اخلاقی مورد نیاز جوانان را در سه قسمت به ترتیب زیر مطرح کنیم:

۱- اخلاق جنسی

۲- رذیلت‌های اخلاقی

۳- فضیلت‌های اخلاقی

#### مبحث اول اخلاق جنسی

#### اشاره

اخلاق جنسی، مهمترین قسمت دانستنیهای اخلاقی تکلیف است و به همین دلیل جدا از فضیلتها و رذیلت‌های اخلاقی و پیش از آنها مطرح می‌شود.

مقصود از اخلاق جنسی، صفات، عاداتها، حالتها و روشهایی است که با گزینه جنسی ارتباط دارند. مانند: عفت و پاکدامنی،

حیا، حجاب، حرمت روابط



ص: ۷۴

نامشروع، خودارضایی و ...

بیدار شدن غریزه جنسی، مهمترین مسأله آغاز تکلیف، بخصوص برای نوجوانان پسر است. همراه با بیداری این غریزه، طوفانی در درون نوجوان ایجاد می‌شود که اگر درست و بموقع مهار نگردد، انواع انحرافات را به دنبال خواهد آورد.

## راههای پیشگیری از انحرافات جنسی

### اشاره

اسلام برای هدایت غریزه جنسی و پیشگیری از انحراف آن دو رهنمود اساسی ارائه کرده است، یکی برای کسانی که توانایی ازدواج دارند، ولی به بهانه‌های واهی زیربار تشکیل خانواده نمی‌روند و دیگری برای کسانی که قدرت ازدواج ندارند. رهنمود اول، تأکید بر ازدواج و نکوهش ترک آن در مورد کسانی است که قدرت ازدواج دارند و رهنمود دوم تقویت نیروی پاکدامنی در مورد کسانی است که قدرت ازدواج ندارند. اینک شرح این دو رهنمود:

### ۱- تأکید بر ازدواج:

#### اشاره

با تسریع در ازدواج فرزندان که به بلوغ جنسی رسیده‌اند، می‌توان از اغلب انحرافات جنسی پیشگیری کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

هر جوانی که در آغاز سالهای جوانی ازدواج کند، شیطانی که مأمور گمراهی اوست، فریاد می‌کشد: «وای از او! وای از او! که ۲۳ دینش را از دسترس من حفظ کرد.» بنابراین، چنین کسی پس از ازدواج باید تقوای الهی را در حفظ ۱۳ باقیمانده مراعات کند. «§- میزان الحکمه، ج ۴، حدیث شماره ۷۸۰۶»



ص: ۷۵

و در زمینه نقش تجرد در آلودگی و تباهی جوان و تأکید بر تسریع در ازدواج فرمود:

«شراکم عزابکم، رکعتان من متأهل خیر من سبعین رکعه من غیر متأهل» «§- کنز العمال، حدیث شماره ۴۴۴۴۸»

بدان شما افراد مجرد هستند! دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است.

امام رضا علیه السلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

دوشیزگان همانند میوه بر درختند که وقتی رسید، به منظور پیشگیری از فاسد شدن باید آن را چید و گرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد و دگرگون می‌کند. دوشیزگان نیز وقتی به بلوغ جنسی رسیدند، برای حفظ آنها راهی جز ازدواج وجود ندارد. در غیر اینصورت، فتنه آنها را تهدید می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این پیام، دستور داد که مردم جمع شوند. سپس بر فراز منبر، پیام الهی را به آنان ابلاغ کرد. «§- ر. ک. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸» طبق این احادیث، تجرد، منشأ بیشتر انحرافات و مفسد اجتماعی است و این



انحرافات، با ازدواج دختر و پسر در آغاز بلوغ جنسی، قابل پیشگیری است.

## عذرهای ناموجه

### اشاره

وقتی سخن از ضرورت ازدواج نوجوان به میان می‌آید، بطور معمول



ص: ۷۶

عذرهایی به عنوان مانع مطرح می‌شود که بسیاری از آنها، برای کسانی که به مبانی اسلام معتقدند، پذیرفتنی نیست.

### ناداری:

آنچه بیش از هر چیز دیگر در نظر مردم، مانع ازدواج نوجوان محسوب شود، آماده نبودن امکانات مادی است. این بهانه از نظر قرآن کریم مردود است. خداوند در این کتاب آسمانی، ضمن تشویق مردم به فراهم کردن مقدمات ازدواج افراد مجرد، می‌فرماید نیازمندی نباید مانع ازدواج باشد و وعده می‌دهد که خداوند نیازمندیهای آنان را تأمین خواهد کرد. «§- نور، آیه ۳۲» طبق وعده الهی، امام‌صادق علیه السلام فرمود: کسی که به بهانه ناداری ازدواج نکند، به خداوند بدگمان است، زیرا او می‌فرماید: «اگر نیازمند باشند، خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند.» «§- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۹۷، حدیث ۱۴۱»

### مسائل موهوم:

یکی دیگر از چیزهایی که موجب تأخیر ازدواج می‌شود، اهمیت دادن به امتیازات خیالی است؛ چه بسا افرادی در انتظار همسری اسم و رسم‌دار یا پولدار، سالها نمی‌توانند برای انتخاب همسر تصمیم بگیرند. اسلام، ملاک شایستگی فرد برای همسری را دینداری می‌داند، نه مال و جمال، و موقعیت اجتماعی و خانوادگی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:



ص: ۷۷

«تنكح المرأة علی اربع خلال: علی مالها و علی دینها و علی جمالها و علی حسبها و نسبها فعليک بذات الدین» «§- کنز العمال، حدیث شماره ۴۴۶۰۲» ازدواج گاه به انگیزه ثروت او، گاه به انگیزه دین او، گاه به انگیزه زیبایی او و گاه به دلیل موقعیت اجتماعی و خانوادگی اوست، توصیه من این است که با زن دین‌دار ازدواج کنی.

اگر مردم مسلمان به توصیه اسلام، به ناداری و شؤون موهوم اهمیت ندهند، بسیاری از جوانان می‌توانند ساده و دور از هرگونه تشریفات، زندگی شیرین و سالمی داشته باشند و بطور قطع، خداوند طبق وعده خود، مشکلات زندگی آنان را بتدریج حل می‌کند و نیازهای آنان را تأمین می‌نماید.

### اشاره

در مواردی که به دلایل واقعی و غیرقابل انکار- نه به بهانه‌های واهی- شرایط ازدواج برای نوجوان میسر نیست، رهنمود اسلام برای پیشگیری از انحرافات جنسی، تقویت نیروی عفت است.

قرآن کریم پس از اینکه در آیه ۳۲ از سوره نور، توصیه می‌کند که مقدمات ازدواج افراد مجرد را فراهم کنند و یادآور می‌شود که مبدا بهانه فقر و ناداری، مانع اجرای این سنت گردد، در آیه بعد خطاب به کسانی که براساس دلایل واقعی قادر به ازدواج نیستند، می‌فرماید:

«وليستعفف الذين لا يجدون نكاحاً حتى يغنيهم الله من فضله»

آنان که مقدمات ازدواج برایشان فراهم نیست، باید «عفت» پیشه کنند تا خداوند از فضلش آنها را بی‌نیاز سازد.



ص: ۷۸

عفت، یعنی مقاومت در برابر شهوت. «§- الصبر عن الشهوة عفة» غرر الحکم، حدیث شماره ۱۹۲۷. § عقیف کسی است که در برابر خواسته‌های نفسانی و کششهای جنسی مقاومت کرده و خود را حفظ کند.

هرچند افراد مجرد نیاز بیشتری به تحصیل و تقویت نیروی عفت دارند، ولی همسر داران نیز از پرورش این ویژگی مهم اخلاقی بی‌نیاز نیستند، چه بسا افرادی که به دلیل عدم مقاومت در برابر کششهای جنسی، با وجود همسر به انحرافات اخلاقی مبتلا شده‌اند. تمام مردم به تحصیل عفت، دعوت شده‌اند، و تحصیل آن به عنوان بالاترین عبادت مورد تأکید قرار گرفته است. «§-

ر. ک. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۱، باب عفة البطن والفرج §» امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«ما عبد الله بشيءٍ افضل من عفة بطن وفرج» §- اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۹، حدیث §۱

هیچ عبادتی با ارزشتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست.

### الف: آفات عفت

### اشاره

عفت، مقاومت در برابر شهوت است، هرچه شهوت را تحریک و تقویت کند، آفت عفت است و پرهیز از آن به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی بخصوص در مورد نوجوانانی که قدرت ازدواج ندارند، واجب و لازم است. در اینجا مهمترین آفات عفت را بطور اختصار توضیح می‌دهیم.

### ۱- چشم چرانی:

### اشاره

نگاه آلوده، آغاز انحرافات جنسی است و تا دیده چیزی نبیند، دل آن را آرزو نمی‌کند. به قول معروف:



ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد  
 امام علی علیه السلام دیده را به عنوان «پلیس مخفی دل» توصیف کرده است:  
 «العین جاسوس القلب» §- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱، حدیث §۵۲  
 چشم، جاسوس دل است.  
 شیطان از طریق این مأمور مخفی، انسان را در دام خطرناک انحرافات جنسی گرفتار می‌کند.  
 رسول خداصلی الله علیه و آله نگاه را به تیر زهر آگین شیطان تشبیه کرده است:  
 «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس» §- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، حدیث §۳۴  
 نگاه، تیر زهر آگینی از تیرهای شیطان است.

### دامِ عشقِ ناپاک

شیطان با نگاهِ آلوده، نوجوان را به دامِ عشقِ ناپاک و انحرافات جنسی ناشی از آن می‌کشد و آینده او را تیره و تبا می‌سازد.  
 حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:  
 «رَبِّصَابَةٌ غُرْسَتْ مِنْ لِحْظَةٍ» §- غرر الحکم، حدیث شماره §۵۳۱۴  
 چه بسا عشقی که با یک نگاه بدرافشانی می‌شود.  
 یکی از شاگردان امام‌صادق علیه السلام درباره عشق ناپاک از او توضیح خواست. امام در پاسخ فرمود:  
 «قلوب خلت عن ذکر الله فأذاقها الله حبَّ غيره» §- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۸، حدیث §۱



دل‌هایی که از یاد خدا تهی می‌شود، خدا محبت غیر خود را به آنها می‌چشاند.  
 آری، دلی که در نتیجه کارهای ناشایسته به تسخیر شیطان درآمده و خدا را فراموش کند، و به جای دل بستن به زیبایی مطلق  
 و جلوه‌های او، در دام عشق ناپاک گرفتار می‌شود.

### عفت چشم

ملاحظه آثار خطرناک چشم‌چرانی، به روشنی نشان می‌دهد که عفت چشم برای پیشگیری از انحرافات جنسی تا چه حد  
 اهمیت دارد و چرا قرآن کریم، مرد و زن مسلمان را پیش از دعوت به عفت جنسی، به عفت چشم دعوت می‌کند؟  
 «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم إنَّ الله خبیر بما یصنعون» § نور ایه §۳۰  
 به مردان با ایمان بگو عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند، این اقدام به پاکی آنان می‌افزاید، بدون شک خداوند به  
 آنچه می‌کنند، آگاه است.

«وقل للمؤمنات یغضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن» § نور ایه §۳۲

و به زنان با ایمان بگو عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند.

حضرت علی علیه السلام در سخنی فرمود:

«نعم صارف الشّهوات غصّ الأبصار» §- غرر الحکم، حدیث شماره ۹۹۲۴ §



ص: ۸۱

عفت چشم، مانع خوبی برای پیشگیری از شهواتهاست.

عفت چشم، نه تنها از انحرافات جنسی پیشگیری می کند، بلکه در سازندگی روانی انسان، اثر دارد. امام علی علیه السلام فرمود:

«من عفت اطرافه حسنت اوصافه» §- همان §

کسی که نگاه‌های او عقیف باشد، اوصافش نیکو خواهد بود.

در روایات اسلامی برای تشویق به عفت چشم و برخورداری از آثار سازنده آن، سه پاداش ارزنده مزده داده شده است:

۱- چشیدن شیرینی ایمان

۲- احساس شیرینی عبادت

۳- ازدواج با حورالعین

\* از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت است: خداوند فرمود: نگاه آلوده، تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است. کسی که آن را از بیم من ترک کند، (به جای لذت زودگذر آن) ایمانی به او می دهد که شیرینی آن را در جان خود احساس کند. §- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۸، حدیث شماره ۱۹۹۸۵ §\* رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر مسلمانی که بی اختیار چشمش به زیباییهای زنی بیفتد و چشم فرو نهد، خداوند به او توفیق عبادتی می دهد که شیرینی آن را احساس می کند. §- همان، حدیث شماره ۱۹۹۸۶ §

### موجبات عفت چشم



ص: ۸۲

چگونه می توان عفت چشم را تحصیل کرد؟ نوجوانان گرفتار کششهای جنسی و چشم چرانی، از چه راهی می توانند چشم خود را از نگاههای آلوده حفظ کنند؟

شخصی از امام علی علیه السلام پرسید: از کدام وسیله برای چشم پوشی از نگاههای حرام می توان کمک گرفت؟ امام فرمود:

«بالخمود تحت سلطان المطمع علی سترک» §- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۱، حدیث ۵۲ §

با این احساس که زیر نظر خدای قدرتمندی هستی که بر اسرار نهان تو آگاه است.

تقویت ایمان و احساس حضور خداوند توانا و دانایی که از رازهای درونی انسان آگاه است، بهترین وسیله برای مبارزه با چشم چرانی و هرزگی چشم است. کسی که باور دارد که خدا نگاههای خیانت آمیز او را می بیند. §- «یعلم خائنة الأعین و ما تخفی الصدور» غافر، آیه ۱۹ § و فرشتگان او نگاه ناپاکی را به عنوان گناه در نامه عملش ثبت می کنند و روزی به حساب آن رسیدگی خواهد شد، بدون شک از گناه دیده فرو خواهد بست.

### قانون حجاب

حجاب برای بانوان، زمینه طبیعی عفت چشم را فراهم می‌سازد. قرآن کریم پس از اینکه مردان و زنان با ایمان را به عفت چشم و عفت جنسی توصیه می‌کند، قانون حجاب اسلامی را مطرح می‌فرماید:

«ولایبیدن زینتهنَّ إِلَّا ماظهر منها ولیضربنَّ یُخْمِرِهِنَّ علی جیوبهنَّ» (س- نور، آیه ۳۲)»

بانوان نباید زیور خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار کنند و باید روسریهای خود را بر سینه‌های خود افکنند.



ص: ۸۳

علما فتوا داده‌اند: «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت و دستها از میچ به پایین واجب نیست.»

## ۲- منظره‌های جنسی:

خطرناکترین آفت عفت و قویترین ابزار انحرافات جنسی، تماشای منظره‌های شهوت‌انگیز و انواع منظره‌های جنسی اعم از عکس، مجله، فیلم و ... می‌شود. این آفت در جامعه امروز بیش از هر خطر دیگری نسل نو را تهدید می‌کند. تهیه و تولید انبوه عکس‌ها، مجله‌ها و فیلمهای مستهجن جنسی و توزیع آن در میان نوجوانان به روشهای مختلف و به کار گرفتن ماهواره برای اشاعه آن، بیانگر یک توطئه فرهنگی حساب شده برای نابود کردن عفت عمومی و فراهم ساختن زمینه سلطه قدرتهای استکباری بر کشورها بویژه کشورهای اسلامی است.

تماشا کنندگان این منظره‌های عفت سوز آینده خویش و جامعه خود را تباه می‌کنند و اگر توبه نکنند، این بی‌عفتی در قیامت به صورت آتشی گدازنده، دیده‌های آنان را فراخواهد گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

«من ملأ عینه من حرام ملأ الله عینه یوم القیامه من النار إِلَّا أن یتوب ویرجع» (س- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۳۴)»

کسی که دیده خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشمش را از آتش پر می‌کند، مگر آنکه توبه کرده و بازگردد.



ص: ۸۴

## ۳- موسیقی مُطرب:

«موسیقی مُطرب» که در زبان روایات اسلامی به آن «غنا» گفته می‌شود، یکی دیگر از آفات بزرگ «عفت» است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره نقش «غنا» در انحراف جنسی فرمود:

«الغنا، رقیة الزّنا» (س- همان، ج ۷۹، ص ۲۴۷، حدیث ۲۶)»

غنا، افسون زناست.

این تشبیه زیبا، رساترین تعبیر درباره نقش خطرناک و جادوگرانه موسیقی مطرب در آلودگیهای جنسی است.

## ۴- خلوت کردن با نامحرم:

یکی دیگر از آفاتی که عفت را تهدید می‌کند، خلوت کردن مرد با زن نامحرم است. نوجوان وقتی با دختر یا زنی نامحرم خلوت کند، در معرض وسوسه‌های شیطان قرار می‌گیرد.

خلوت کردن با نامحرم حتی برای افرادی که در مراتب والایی از علم و تقوا هستند خطرناک است و هیچ کس نمی‌تواند با تکیه بر قدرت بازوی تقوا خود را در معرض این آفت قرار دهد.

## ۵- بیکاری:

بسیاری از بزهکاریها و انحرافات جنسی جوانان در اثر بیکاری و بی‌برنامگی برای اوقات فراغت است. بیکاری آفت عفت است و کار، یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بوده و نقش بارز آن در پیشگیری از مفسد و



ص: ۸۵

انحرافات اخلاقی و اجتماعی روشن است.

در روایات اسلامی بیکاری بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«إن الله يبغض الصحيح الفارغ لافى شغل الدنيا ولا فى شغل الآخرة» §- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۴۶ §  
خداوند شخص سالم و بیکاری را که نه در راه انجام کار دنیا و نه در راه انجام کار آخرت است، دشمن می‌دارد.

و کار چه برای تأمین زندگی دنیوی باشد و چه برای تأمین زندگی اخروی، از آن مفسد پیشگیری می‌کند.

آن حضرت درباره ضرورت برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت فرموده:

«إن كان الشغل مجهداً فالفرغ مفسد» §- تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۶۰ §

اگرچه کار خسته کننده است، ولی بیکاری فساد می‌آفریند.

در سخنی منسوب به امام علی علیه السلام آمده است:

«القلب الفارغ يبحث عن السوء واليد الفارغة تنازع الى الإثم» §- ر. ک. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۳،  
حدیث §۴۷۳

دل بیکار، دنبال کار زشت است و دست بیکار به سوی گناه دراز می‌شود.

قرآن کریم توصیه می‌کند که انسان باید برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کند تا هیچ وقت بیکار نباشد:

«فإذا فرغت فانصب» §- انشراح، آیه §۷

هنگامی که از کاری فارغ شدی، به کاری دیگر پرداز.



ص: ۸۶

طبق این رهنمود، افراد با ایمان در واقع، اوقات فراغت ندارند. امام علی علیه السلام در توصیف مؤمن چنین می‌فرماید:

«مشغولٌ وقته» §- نهج البلاغه، کلمات قصار، کلام §۳۳۳

اوقات مؤمن، مشغول است.

این بدان معنا نیست که اهل ایمان، تفریح و استراحت ندارند، بلکه شخص مسلمان هیچ وقت بیکار نیست و برای تمام اوقات خود برنامه دارد.

یکی از برنامه‌هایی که روایات اسلامی تأکید کرده که در برنامه‌ریزی اوقات گنجانیده شود، استراحت و تفریح است. امام علی

علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَاقْسِمَهَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَرَاحَتِكَ» §- غرر الحکم، حدیث شماره ۳۶۴۱» فرصت تو در شب و روز کمتر از آن است که هرچه بخواهی در آن انجام دهی، بنابراین باید اوقات خود را میان کار و استراحت تقسیم کنی.

نیازهای انسان، نامحدود و فرصت او محدود است، بدون استراحت و با تلاش شبانه‌روزی، انسان نمی‌تواند همه خواسته‌های خود را تأمین کند، تنها با برنامه‌ریزی صحیح و تقسیم اوقات، میان کار و استراحت، می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

اسلام مخالف استراحت، تفریحات سالم و بهره‌گیری از لذت‌های مشروع نیست، بلکه برای ارائه کار بهتر، به آن توصیه نیز نموده است؛ §- ر. ک. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۷۱، حدیث §۱» شخص مسلمان باید برای اوقات خود بگونه‌ای برنامه‌ریزی کند که وقت خالی نداشته باشد، نظام اسلامی نیز باید برای اوقات فراغت جامعه و بخصوص



ص: ۸۷

نوجوانان برنامه‌ریزی کند. از نظر اسلام، تفریحات سالم و بهره‌برداری از لذت‌های مشروع با هدف و انگیزه الهی، نه تنها کار محسوب می‌شود، بلکه عبادت است و خداوند به آن پاداش نیز عنایت می‌کند.

## ب: عوامل عفت

### اشاره

ایستادگی در برابر شهوت و کشش‌های انحرافی درونی، تنها با تکیه بر ایمان و قدرت اراده، امکان‌پذیر است؛ هرچه ایمان و اراده قویتر باشد، مقاومت او در برابر جاذبه‌های جنسی بیشتر و عفت او افزوده می‌گردد.

تمام اموری که بگونه‌ای در تقویت این دو عنصر اصلی عفت مؤثرند واز آلودگی‌های جنسی پیشگیری می‌کنند، عوامل عفت‌اند. مهمترین عوامل عفت از این قرار است:

### ۱- ایمان:

ایمان به خدا و زندگی پس از مرگ، قویترین عوامل عفت است.

شخص با ایمان، خداوند متعال را همه‌جا حاضر و ناظر می‌داند و باور دارد که همه کارهای او به وسیله فرشتگان الهی در پرونده‌ای ثبت می‌شود. و روزی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و عاقبت، بهشت، سرنوشت نیکوکاران و دوزخ، کیفر تبه‌کاران است.

این اعتقاد، بهترین مانع فسادهای اخلاقی و اجتماعی است و بدون آن، هیچ عاملی نمی‌تواند شهوترانی انسان را کنترل کند. هر قدر ایمان تقویت شود، بر عفت افزوده می‌گردد و بیشتر می‌تواند در برابر شهوت خود مقاومت کند تا آنجا که به گفته امام علی علیه السلام کسی که شایسته نام مقدس «مؤمن» است، هرگز به آلودگی‌های جنسی مبتلا نمی‌شود.



ص: ۸۸

«ما کذب عاقل ولا زنی مؤمن» §- غرر الحکم، حدیث شماره ۹۵۳۱ §

عاقل دروغ نمی گوید و مؤمن زنا نمی کند.

هر قدر ایمان ضعیفتر شود، عفت و مقاومت در برابر شهوت کاهش می یابد تا آنجا که بی عفتی، موجب سلب روح ایمان می گردد.

## ۲- حیا:

یکی از اصلی ترین موانع انحراف جنسی، احساس شرم از کارهای زشت است. به فرموده امام علی علیه السلام حیا سبب عفت، و عفت ثمره حیاست:

«سبب العفة الحياء» §- غرر الحکم، حدیث شماره ۵۵۲۷ §

سبب عفت، شرم است.

«الحياء ثمرة العفة» §- همان، حدیث شماره ۴۶۱۲ §

حیا میوه عفت است.

هر قدر، احساس شرم از زشتیها در انسان تقویت شود، بر عفت او افزوده می گردد:

«أعفکم احیاءکم» §- همان، حدیث شماره ۲۸۳۷ §

باعفت ترین شما، باحیا ترین شماست.

احساس شرم و حیا برای همه زیباست، ولی به گفته حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای بانوان زیباتر است:



ص: ۸۹

«الحياء حسن ولكن في النساء أحسن» §- کنز العمال، حدیث شماره ۴۳۵۴۲ §

حیا زیباست، ولی در زنان زیباتر است.

حیا عفت جنسی را در انسان تقویت می کند، و موجب تقویت مطلق عفت (عفت شکم، چشم، زبان، دست و ...) است و در پیشگیری از انواع انحرافات مؤثر است. امام علی علیه السلام فرمود:

«الحياء يصد عن الفعل القبيح» §- غرر الحکم، حدیث شماره ۱۳۹۳ §

شرم، مانع کار زشت است.

به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله:

از مثلای پیامبران در میان مردم جز این باقی نمانده که: «اگر حیا نداری، هر چه می خواهی بکن!» §- «لم يبق من امثال الأنبياء الا قول الناس إذا لم تستح فاعمل ما شئت» امالی الصدوق، ص ۴۱۲، حدیث ۱.۱ § حیا با پیشگیری از مفاسد، جان آدمی را برای آراسته شدن به انواع کمالات و زیباییها آماده می کند. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

حیا، وسیله ای است به سوی همه زیباییها. §- «الحياء سبب إلى كل جميل» تحف العقول، ص ۸۴ § حیا، کلید تمام نیکیهاست. §- «الحياء مفتاح كل خير» غرر الحکم، حدیث شماره ۳۴۰ § حیا در سازندگی انسان تا آنجا مؤثر است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

من به نجات منافق تا آنجا که شرم را از دست نداده، امیدوارم. §- «ارجو للمنافق مادام يستحي» الفردوس، ج ۱، ص ۴۲۴،





حیا در روایات اسلامی به عنوان نور ایمان، «§- الایمان شجره اصلها یقین و فرعها التقی و نورها الحیاء» غررالحکم، حدیث شماره ۱۷۸۶ §، لباس ایمان، «§- الایمان عریان ولباسه الحیاء» روضه الواعظین، ص ۵۰۴ §، نظام ایمان، «§- الحیاء نظام الایمان» المجازات النبویة، ص ۱۰۵ §، قرین ایمان، «§- الحیاء والایمان مقرونان لایفترقان» تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۹۵ §، اخلاق اسلام «§- إن لكل دین خلقاً و إن خلق الإسلام الحیاء» سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۹۹، حدیث ۴۱۸۲ §، زیباترین زیورهای دین، «§- أحسن ملابس الدین الحیاء» غررالحکم، حدیث شماره ۲۹۹۷ §، ارزنده ترین صفات انسان و از ویژگیهای همه پیامبران «§- خمس من سنن المرسلین: الحیاء، والحلم والحجامة والسواک والتعطر» نهج الفصاحه، حدیث شماره ۱۴۶۳ §، تعریف شده است.

از نظر اسلام، مطلق شرم، پسندیده نیست، بلکه در روایات اسلامی شرم به دو نوع تقسیم می شود:

۱- شرم پسندیده

۲- شرم نکوهیده

شرم پسندیده، شرمی است که انسان را از کارهای زشت بازمی دارد.

این شرم نشانه عقل و قدرت ایمان و روان است. آنچه در فضیلت حیا و شرم ذکر شد، این نوع از شرم است.

شرم نکوهیده، شرمی است که انسان را از کارهای نیک بازمی دارد.

اسلام این شرم را نشانه حماقت و نادانی و ناتوانی دانسته است. «§- الحیاء حیاءان حیاء عقل و حیاء حمق، فحیاء العقل هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل» اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶، حدیث ۶ §، اینک روایاتی از امام علی علیه السلام درباره شرم نکوهیده:

۱- کسی که از گفتن حق، شرم می کند احمق است. «§- من استحیی من قول الحق فهو احمق» غررالحکم، حدیث ۱۱، شماره ۸۶۵۰ §



۲- بدون تردید هیچ کس نباید از یاد گرفتن چیزی که نمی داند، حیا کند. «§- لایستحیین احد إذا لم یعلم الشئ أن یتعلمه» نهج البلاغه، حکمت ۸۲ §، ۳- وقتی از کسی چیزی می پرسند که نمی داند، بی شک نباید از گفتن «نمی دانم» شرم کند. «§- لایستحیین احد منکم اذا سئل عما لایعلم أن یقول لا اعلم» نهج البلاغه، حکمت ۸۲ §

### ۳- غیرت:

تعصّب ناموسی غیرت نامیده می شود. «غیور» کسی است که اجازه نمی دهد، حرمت ناموس او شکسته شود. کسی که برای ناموس خود احترام می گذارد، به خود اجازه نمی دهد که به ناموس دیگران بی حرمتی کند. می داند که اگر به ناموس دیگری تجاوز کرد، ناموس او مورد تجاوز قرار خواهد گرفت.

غیرتش به او اجازه بی عفتی نمی دهد. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

«مازنی غیور قَطُّ» §- نهج البلاغه، حکمت ۳۰۵»

شخص با غیرت هیچ گاه زنا نمی کند.

هرقدر غیرت انسان تقویت شود، عَفَّتْ او افزوده می گردد و انحرافات جنسی و آلودگیهای اخلاقی کمتر می شود. امام علی علیه السلام فرمود:

«قدر الرّجل علی قدر همّته ... و عفته علی قدر غیرته» §- نهج البلاغه، حکمت ۴۷»

شخصیت هر کس به اندازه همت او ... و عَفَّتْش به اندازه غیرت اوست.

یکی از راههای پیشگیری از انحرافات جنسی جوانان و تقویت عفت



ص: ۹۲

اجتماعی، پرورش تعصب ناموسی در جامعه است.

#### ۴- روزه:

یکی از آثار مهم روزه، عَفَّتْ جنسی است. در روایات اسلامی، به جوانهایی که قادر به ازدواج نیستند، توصیه شده روزه بگیرند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا معشر الشباب علیکم بالباه فإن لم تستطیعوه فعلیکم بالصیام فإنه و جاؤه» §- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۰، موسسه آل البیت، بیروت §»

جوانها! ازدواج کنید، اگر نمی توانید، حتماً روزه بگیرید که روزه غریزه جنسی را کنترل می کند.

عثمان بن مظعون یکی از یاران بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. او برای کنترل غریزه جنسی خود، تصمیم گرفت خود را اخته کند! تصمیم خود را با آن حضرت در میان گذاشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از این کار نادرست نهی کرد و به جای آن توصیه نمود که روزه بگیرد و فرمود:

«إنّ اختصاء امتی الصّیام» §- همان §»

کنترل غریزه جنسی امت من روزه است.

روزه، بطور طبیعی غریزه جنسی را کاهش می دهد و کنترل می کند، تمرین قدرت اراده نیز محسوب می شود. با افزایش قدرت اراده، انسان در برابر هوسهای حرام مقاوم می گردد، و عفت چیزی جز مقاومت در برابر شهوت نیست.

#### ۵- استمداد از خدا:

مقاومت در برابر شهوت، برای همه بخصوص برای جوان کاری دشوار است و بدون کمک گرفتن از خداوند میسر نیست. پیشوایان اسلام به ما یاد



ص: ۹۳

داده اند که در کنار به کارگیری همه توان برای مقاومت در برابر هوسهای حرام، از خداوند نیز استمداد کنیم. در قسمتی از نیایش امام زین العابدین علیه السلام، در این باره چنین می خوانیم:

«الهی خلقت لی جسماً و جعلت فیہ آلائت اطیعک بها و اعصیک و اغضبک و ارضیک و جعلت لی من نفسی داعیة الی الشهوات و اسکتی داراً قد ملئت من الآفات ثم قلت لی إنجز فیک أنجز و بک اعتصم و بک استجیر و بک احترز و استوفکک لما یرضیک» §- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۰۷ §

خدایا! برای من جسمی آفریدی و در آن ابزاری قرار دادی که می توانم با آن از تو اطاعت کنم و یا با تو مخالفت نمایم، تو را خشمگین کنم و یا خشنود سازم. در درونم آنچه که مرا به شهوتها دعوت می کند نهادی، و مرا در خانه ای سکونت دادی که پر از آفات است. سپس به من فرمودی: بایست! به کمک تو بازمی ایستم، به تو چنگ می زنم، به تو پناه می برم، و به کمک تو از آنچه دوست نداری پرهیز می کنم و از تو توفیق انجام آنچه را دوست داری، می خواهم.

اگر تلاش برای پیشگیری از آلودگیها با کمک خواستن از خداوند همراه شود، انسان بر وسوسه های نفس و شیطان، پیروز می گردد که خداوند خود وعده قطعی پیروزی داده است.

«والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و إن الله مع المحسنین» §- عنکبوت، آیه ۶۹ §

آنان که در راه ما همه توان خود را به کار گرفتند، بدون شک ما آنها را به راههای خود رهنمون می شویم که خدا با نیکوکاران است.



ص: ۹۴

## مبحث دوم رذیلتهای اخلاقی

### اشاره

تمام صفات زشتی که خداوند، ادراک زشتی آن را همچون زیبایصفات پسندیده به همه انسانها الهام کرده «§- و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها» شمس، آیه ۷-۸ § رذیلتهای اخلاقی نامیده می شود.

پیامبران الهی پس از عقاید، بیشترین تلاششان برای پاکسازی جامعه از رذیلتهای اخلاقی بود، زیرا آلودگیهای اخلاقی، ریشه همه مفاسد فردی و اجتماعی است و تا این ریشه خشک نشود، امیدی به اصلاح جامعه نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه با نفس و رذیلتهای اخلاقی را «جهاد اکبر» می نامید و مسلمانان را پس از موفقیت در «جهاد اصغر» که مبارزه با دشمنان خارجی است، به تلاش برای کسب موفقیت در جهاد بزرگتر و مبارزه با دشمنان درونی، دعوت می کرد.

صفات ناپسند، دشمنان داخلی انسانیت و جامعه انسانی هستند؛ تا انسان در مبارزه با این دشمن پیروز نشود، پیروزی اش در مبارزه با دشمنان خارجی، کوتاه مدت و کم اثر است.

### زشت ترین رذیلتها

### اشاره

معیار ارزیابی رذیلت‌های اخلاقی، نقش مؤثر آن در انحطاط انسان و جامعه است. برخی از صفات زشت در شرایط خاصی به دلیل نقش مؤثرتر آن، زشت‌تر است.

اینک شرح کوتاهی در مورد برخی از زشت‌ترین رذیلت‌های اخلاقی از زبان پیشوایان بزرگ اسلام:



ص: ۹۵

### الف - ظلم:

ظلم، در مقابل عدل، یعنی رعایت نکردن جایگاه امور و تجاوز به حقوق خود یا دیگران.

امام علی علیه السلام این خصلت را چنین توصیف می‌کند:

ظلم، مادر همه رذیلت‌هاست. «§- الظلم امّ الرذائل» غرر الحکم، حدیث شماره ۸۰۴ § جور، خطرناک‌ترین اخلاق جانهاست. «§- شر اخلاق النفوس الجور» غرر الحکم، حدیث شماره ۵۷۵۳ § در روایات اسلامی، ظلم بزرگ‌ترین گناه «§- ایاک والظلم فإنه اکبر المعاصی» غرر الحکم، حدیث شماره ۲۶۶۵ § و موجب خرابی دل، «§- ایاکم والظلم فإنه یخرب قلوبکم» بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۱۵، حدیث ۳۴ § زوال نعمت «§- بالظلم تزول النعمة» غرر الحکم، حدیث شماره ۴۲۳۰ §، کوتاهی عمر «§- من جار قصم عمره» غرر الحکم، حدیث شماره ۱۷۷۵ § و تاریکی قیامت شمرده شده است «§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۳۲، حدیث ۱۰ § و خطرناک‌ترین شکل آن، ستم بر کسی است که یاوری جز خداوند متعال ندارد. «§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱ §»

### ب - بداخلاقی:

کج خلقی و بد برخورد کردن با دیگران یکی از بدترین صفات ناپسند است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: هر گناهی توبه دارد، مگر بداخلاقی، زیرا شخص بداخلاق از هر گناهی توبه کند، به گناه دیگری آلوده می‌شود. «§- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۵، حدیث ۵۷۶۲ §»



ص: ۹۶

در حدیث دیگری فرمود:

بداخلاقی گناهی است که آمرزیده نمی‌شود. «§- سوء الخلق ذنب لا یغفر» المحجّة البیضاء، ج ۵، ص ۹۳ §. بنا بر این، شخص بداخلاق قبل از توبه باید اخلاق زشت خود را خوب کند، و گرنه توبه برای او سودی ندارد. بداخلاقی موجب فساد و تباهی اعمال نیک است. امام‌صادق علیه السلام در این زمینه فرمود: اخلاق بد، کارهای خوب را فاسد می‌کند، همان‌گونه که سرکه غسل را فاسد می‌نماید. «§- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۹۶ §» به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دادند خانمی روزها روزه است و شبها را تا صبح به عبادت می‌گذراند، ولی بداخلاق است و با زبان موجب آزار و اذیت همسایه‌ها می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خیری در او نیست، او اهل دوزخ است! «§- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴، حدیث ۶۳ §» بداخلاقی گناه موجب می‌شود شخص بداخلاق را در پایین‌ترین «درکات دوزخ» قرار گیرد. سخن پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره چنین است:

انسان از بد اخلاقی به پایین ترین درکات جهنم می رسد. «§- إن العبد لیبلغ من سوء خلقه اسفل درک جهنم» محجة البیضاء، ج ۵، ص ۹۳. کج خلقی، موجب سخت ترین گرفتاریهای انسان در جهان پس از مرگ است، زندگی دنیای او را نیز تباہ می کند. امام علی علیه السلام فرمود:

بد اخلاقی موجب سختی زندگی و عذاب جان است. «§- سوء الخلق نکد العیش و عذاب النفس» غرر الحکم، حدیث شماره §.۵۶۳۹



ص: ۹۷

بد خلقی موجب وحشت نزدیک و رمیدن دور است. «§- سوء الخلق یوحش القریب و ینفر البعید» غرر الحکم، حدیث شماره §.۵۵۹۳ لقمان حکیم به فرزندش چنین می فرمود:

پسر! از اظهار ملالت، کج خلقی و بی تابی پرهیز، که با این صفات زشت هیچ کس رغبت به ادامه همنشینی با تو نخواهد داشت. سعی کن در همه کارها آرامش را از دست ندهی، زحمت برادران دینی را تحمل کن و با تمام مردم خوش اخلاق باش. «§- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۹، حدیث §۱۴»

### ج- خودپسندی:

یکی دیگر از صفات زشت، خودپسندی است. امام علی علیه السلام فرمود:

بدترین چیزها این است که انسان از خود راضی باشد. «§- شر الأمور الرضا عن النفس» غرر الحکم، حدیث شماره §.۵۷۲۳ همچنین در نصیحتهای آن حضرت به مالک اشتر آمده است:

از خودپسندی بطور جدی پرهیز کن، مواظب باش به آنچه نقطه قوت خود می دانی، اعتماد نکنی، و علاقه به ستایش دیگران نداشته باشی که اینها همه از مطمئن ترین فرصت‌های شیطان است تا نیکی نیکوکاران را نابود سازد. «§- ایاک و الإعجاب بنفسک و الثقة بما یعجبک منها و حبّ الاطراء فإن ذلک من اوثق فرص الشیطان فی نفسه لیمحق ما یکون من احسان المحسنین» نهج البلاغه، نامه §.۵۳ خودپسندی سبب می شود انسان نتواند عیبها و ضعفهای اخلاقی و عملی خود را ببیند؛ در روایات اسلامی خودپسندی آفت عقل «§- الاعجاب ضد الصواب و آفة الألباب» بحار الانوار، ج ۷۷، ص §.۲۰۴، نشانه



ص: ۹۸

حماقت «§ ۱» و زیانبارترین نادانیها «§ ۲» شمرده شده است.

شخص خودپسند به دلیل اعتماد بی اندازه به اندیشه خود بطور معمول در انتخاب راه صحیح اشتباه می کند. و در هیچ کاری پیشرفت چشمگیری ندارد. رشد اینصفت زشت در انسان موجب هلاک ابدی او می شود. «§ ۳»

### د- تکبر:

از آثار زشت خودپسندی، تکبر است. انسان متکبر دیگران را کوچک و خود را بزرگ می پندارد و این پندار در رفتار اجتماعی او بخوبی دیده می شود.

امام علی علیه السلام این بیماری را چنین توصیف می کند:

تکبر، زشت‌ترین اخلاق است. «§۴.۴» کبر، بدترین آفات عقل است. «§۵» از تکبر بپرهیز که بزرگترین گناهان و پست‌ترین عیبهاست، و زیور شیطان است. «§۶» خود بزرگ‌بینی آثار زیانبار فراوانی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد که به بخشی از آن که در روایات اسلامی آمده، اشاره می‌شود:

۱- محرومیت از رشد علمی «§۷» ۲- محرومیت از دوست واقعی «§۸»



ص: ۹۹

۳- محرومیت از ستایش دیگران «§ لا- یطمئن ذو الکبر فی الثنا الحسن بحارالانوار ج ۷۳ ص ۲۳۳ §۳۲» ۴- کوچک بودن در نظر مردم «§ من تکبر قصمه الله و قال احسنا فهو فی اعین الناس صغیر و فی نفس کبیر الترغیب و الترهیب ج ۳ ص ۵۶۰ §۵» ۵- بدگویی مردم «§ ثمر الکبر مسبه غرر الحکم حدیث §۴۶۱۴» ۶- آمادگی روانی برای آلودگی به بسیاری از گناهان «§ الحساد یفرح بالشور و یغنم ولسرور غرور الحکم حدیث §۱۴۷۴»

#### ه- حسد:

حسد، نوعی بیماری روانی است که در نتیجه آن انسان از نعمت ورفاه و خوشی دیگران رنج می‌برد و از مصیبت و زحمت آنان شاد می‌گردد. «§ الحساد الذی یتمنی زوال الغمه عن صاحبها وان لم یردها لنفسه جامع الاخبار ص ۱۵۶ §» از این رو، حسود همیشه آرزو دارد که نعمت‌ها از مردم گرفته شود، هرچند به او چیزی نرسد! «§- الحاسد الذی یتمنی زوال النعمه عن صاحبها و إن لم یردها لنفسه» جامع الاخبار، ص ۱۵۶ § حسد، دشمنی است بی‌رحم که بدن را بیمار «§- العجب لغفلة الحساد عن سلامة الأجساد» نهج البلاغه، حکمت ۲۲۵ § روح را گرفتار «§- الحسد حبس الروح» غرر الحکم، حدیث شماره ۳۷۲ §، راحتی را زایل «§- لاراحة لحسود» غرر الحکم، حدیث شماره ۱۰۴۳۵ §، اندوه را بسیار «§- الحسد حزن لازم و عقل هائم» شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷، حدیث ۹۷ §، زندگی را تلخ «§- أسوء الناس عیشاً الحسود» غرر الحکم، حدیث شماره ۲۹۳۱ §، ایمان را تباه «§- الحسد یفسد الايمان كما یفسد الصبر العسل» الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۸۹، حدیث ۳۸۱۹ § و حسنات را نابود «§- الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب» سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۰۸، حدیث ۴۲۱۰ §



ص: ۱۰۰

می‌نماید، و در یک جمله انسان را در دنیا و آخرت بدبخت می‌کند. «§- ثمره الحسد شقاء الدنيا والآخرة» غرر الحکم، حدیث شماره ۴۶۳۲ § بدین جهت، امام علی علیه السلام حسد را خطرناک‌ترین بیماری‌های روانی «§- الحسد شرّ الأمراض» غرر الحکم، حدیث شماره ۳۳۲ § و بدترین رذیلت‌های اخلاقی «§- رأس الرذایل الحسد» غرر الحکم، حدیث شماره ۵۲۴۲ § توصیف کرده است.

#### و- بخل:

بخل یکی دیگر از بدترین صفات است. بخل، ضد سخاوت، به معنای خرج نکردن مال در مواردی است که مصرف کردن آن شایسته است.

امام علی علیه السلام بخل را زمینه‌ساز انواع ضعفهای اخلاقی و عملی دانسته، در این باره فرمود:  
بُخل دربردارنده همه عیبهاست و افساری است که انسان را به سوی هر بدی می‌کشاند. «§- البخل جامع لمساوی العیوب و هو زمام یقاد به الی کلّ سوء» نهج البلاغه، حکمت ۳۷۸. §» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شخص بخیل را چنین توصیف کرده است:

شخص بخیل از خدا و مردم و بهشت دور بوده و به آتش دوزخ نزدیک است. «§- البخیل بعید من الله، بعید من الناس، قریب من النار» سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۴۲، حدیث ۱۹۶۱. §»

## مبحث سوم فضیلت‌های اخلاقی

### اشاره



ص: ۱۰۱

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله آراستن به فضیلت‌های اخلاقی را فلسفه بعثت خود دانسته و در این باره فرمود:

«بعثت لاتمم مکارم الأخلاق» §- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۱- کثر العمال، حدیث شماره ۳۶۹۱۹ §»

من برای آراستن جامعه انسانی به اخلاق نیکو مبعوث شدم.

آنچه به عنوان فلسفه بعثت انبیا در قرآن و احادیث آمده، مقدمه فلسفه بعثت یعنی شکوفا ساختن انسان و آراستن او به فضیلت‌های اخلاقی است.

فضیلت‌های اخلاقی و به تعبیر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «مکارم اخلاق» شامل همه زیباییهای اخلاقی است که خداوند متعال ادراک آن را به تمام انسانها الهام کرده است. «§- فألهمها فجورها وتقواها» شمس، آیه ۸. §» آنچه در روایات اسلامی به عنوان تبیین مکارم اخلاق آمده، تفسیر همین ادراک است. برای نمونه به دو روایت زیر توجه کنید:

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام عبدالله بن بکیر از آن حضرت این گونه نقل می‌کند:

خداوند پیامبران را با مکارم اخلاق، برجسته کرد، هر کس از این ویژگی برخوردار است، خدا را بر این نعمت ستایش کند و گرنه، از خداوند بخواهد که برخوردار شود.

عبدالله بن بکیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مکارم اخلاق چیست؟

فرمود: پرهیزکاری، قناعت، شکیبایی، شکر، بردباری، حیا، سخاوت، شجاعت، غیرت، نیکی به دیگران، راستگویی و امانتداری. «§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۵۶، حدیث ۳ §»



ص: ۱۰۲

در روایتی دیگر امام علیه السلام برای عبدالله بن مسکان، مکارم اخلاق را این طور تفسیر می‌کند:

یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروت. «§- همان، حدیث ۲ §» و در روایت دیگری

در تفسیر مکارم اخلاق می‌فرماید:

صادقانه جنگیدن، صادقانه سخن گفتن، ادای امانت، صلح رحم، مهمان‌نوازی، غذا دادن به فقیر، پاداش دادن به نیکبها، حفظ حرمت همسایه، حفظ حرمت همصحبت و بالاتر از همه مکارم اخلاقی حیاست. «§- همان §»

## برترین فضیلتها

### اشاره

معیار ارزیابی فضیلت‌های اخلاقی، نقش آن در تکامل انسان و جامعه است. برخی از خصلت‌های اخلاقی در سازندگی و نیز ارزشیابی خصوصیات افرادی که باید به آن آراسته باشند، بیشتر بارز و روشن است.

روایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

عدل زیباست، ولی در زمامداران زیباتر است، سخاوت زیباست، ولی در ثروتمندان زیباتر است، پرهیزکاری زیباست، ولی در دانشمندان زیباتر است، شکیبایی زیباست، ولی در نیازمندان زیباتر است، توبه زیباست، ولی در جوانان زیباتر است، حیا زیباست، ولی در زنان زیباتر است. «§- کنز العمال، حدیث شماره ۴۳۵۴۲ §»



ص: ۱۰۳

بخشی از برترین ارزش‌های اخلاقی اینهاست:

### الف- انصاف:

انصاف یعنی به عدالت رفتار کردن با دیگران. قرآن کریم می‌فرماید:

خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. «§- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» نحل، آیه ۹۰ §» امام علی علیه السلام در توضیح این آیه فرمود: مقصود از عدل، انصاف و مقصود از احسان، نیکی کردن به دیگران است. آن حضرت در سخنی دیگر، از انصاف به عنوان بالاترین فضیلت انسانی یاد کرده است:

انصاف، برترین فضیلت اخلاقی است. «§- الانصاف افضل الفضائل» غررالحکم، حدیث شماره ۸۰۵ §» انسان در لحظه رسیدن به تکلیف باید تصمیم بگیرد با همه توان برای کسب فضیلت عدل و انصاف تلاش کند و این خصلت را در خود تقویت کند. امام علی علیه السلام در توصیف بالاترین مراتب عدالت می‌فرماید:

عادلترین مردم کسی است که با آن کسی که به او ظلم کرده، با انصاف رفتار کند «§- اعدل الناس من انصف من ظلمه» غررالحکم، حدیث شماره ۳۱۸۶ §».

اگر کسی به این مرتبه از عدل و انصاف رسید، از دیدگاه امام علی علیه السلام شایسته نام «مؤمن» است. سخن آن حضرت چنین است:

مؤمن کسی است که پاسخ بی‌انصافی را، با انصاف می‌دهد. «§- المؤمن ينصف من لا ينصفه» غررالحکم، حدیث شماره ۱۴۱۰ §» رعایت انصاف، کاری بس دشوار است، معیار افزایش پاداش الهی، دشواری کاری است که انسان برای خدا انجام می‌دهد. افزون بودن ثواب انصاف بر ثواب همه نیکبها، نشان می‌دهد که کاری دشوارتر از انصاف نیست.



امام علی علیه السلام خود به این واقعیت تصریح کرده است:



ص: ۱۰۴

میدان جانبداری از حق و انصاف در گفتار، از هر موضوعی وسیعتر و در کردار، از هر چیز تنگتر است. «§- الحق اوسع الأشياء فی التواصف واضيقها فی التناصف» نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶. §

### ب- ایثار:

از بهترین فضیلت‌های انسانی، ایثار است. یعنی انسان در تأمین نیازها، دیگران را بر خود مقدم بدارد.

امام علی علیه السلام درباره این فضیلت فرمود:

ایثار، بالاترین فضیلتهاست. «§- غررالحکم، حدیث شماره ۹۸۶» شقیق بلخی از امام‌صادق علیه السلام پرسید: کرامت و بزرگواری چیست؟

امام فرمود: نظر تو در این باره چیست؟

شقیق پاسخ داد: بزرگواری این است که اگر به ما عطا شد، شکر می‌گوییم و اگر نشد، صبر می‌کنیم.

ایشان فرمود:- اینکه مهم نیست- سگهایی که در مدینه نزد ما هستند نیز این گونه‌اند! شقیق که از صراحت امام، سخت جا خورده بود، عرض کرد:

شما بزرگواری را تفسیر کنید.

امام فرمود: بزرگواری آن است که اگر به ما عطا شد، ایثار می‌کنیم و دیگران را بر خود مقدم می‌داریم و اگر نشد، شکر

می‌کنیم. «§- احقاق الحق، قاضی سید نورالله حسینی مرعشی، ج ۱۲، ص ۲۳۵» خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در

این فضیلت انسانی همانند سایر فضیلتها الگو بودند. مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از گرسنگی شکایت کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را به منزل فرستاد که اگر در خانه غذایی یافت شد، برای او



ص: ۱۰۵

بیاورد.

آن مرد با دست خالی بازگشت و عرض کرد: در منزل شما چیزی جز آب یافت نمی‌شد!

آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود: کدام یک از شما امشب می‌تواند این مرد را مهمان کند؟

امام علی علیه السلام که در آن جمع بود، عرض کرد: ای رسول خدا، من.

امام آن مرد گرسنه را همراه خود به منزل برد. وقتی وارد خانه شدند، امیر مؤمنان از همسرش حضرت فاطمه علیها السلام

پرسید: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله چه داری؟

حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: شام بیش از اندازه خودمان نداریم، ولی ایثار کرده و مهمان را بر خود مقدم می‌داریم.

سپس به پیشنهاد امام، برای اینکه مهمان گرسنه نفهمد که میزبان، غذای خود را برای او آورده، حضرت فاطمه علیها السلام

فرزندانش را خواباند و سفره را آماده کرد.

حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام هر دو روزه بودند، دو قرص نان هم بیشتر نداشتند و می‌خواستند افطار

کنند، اگر چراغ روشن بود، شاید مهمان گرسنه خجالت می کشید. از این رو، امام سراغ چراغ رفت، گویا می خواهد نقص آن را برطرف کند، ولی بعمد آن را خاموش کرد و خود سر سفره نشست و دست به سوی غذا دراز نمود. حضرت علی علیه السلام چنان وانمود کرد که با مهمان غذا می خورد، ولی تا آخر چیزی نخورد. وقتی مهمان سیر شد، چراغ روشن گشت. او تصور می کرد که میزبان هم مانند او سیر شد، لیکن خبر نداشت که علی علیه السلام و همسرش آن شب را گرسنه به سر بردند.

فردا بخاطر قدردانی از این ایثار، آیه نه از سوره حشر بر پیامبر



ص: ۱۰۶

اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد: «§- ر. ک. امالی الطوسی، ج ۱، ص ۱۸۸- احقاق الحق، ج ۹، ص ۱۴۴، با توضیحاتی از نگارنده §» دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند سخت نیازمند باشند. «§- یثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه» حشر، آیه ۹ §»

### ج- نیکی در پاداش بدی:

یکی دیگر از برترین فضیلت‌های اخلاقی، نیکی کردن درباره کسی است که به انسان بدی کرده است. امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

نیکی کردن در مقابل بدی دیگران، از زیباترین فضیلت‌های اخلاقی است. «§- إن مقابله الإساءة بالإحسان و ... لمن أحسن الفضائل» غررالحکم، حدیث شماره ۳۴۹۲ §» روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سخنرانی به اصحاب خود فرمود:

نمی خواهید شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی کنم؟

بهترین فضیلت‌های اخلاقی، عفو کردن کسی است که به تو ظلم کرده، پیوند کردن با کسی است که از تو بریده، نیکی کردن به کسی است که به تو بدی کرده، بخشیدن به کسی است که تو را محروم کرده است. «§- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۹ §»

### د- صبر:

یکی از برترین فضیلت‌های اخلاقی، فضیلت صبر است. یعنی شکیبایی و مقاومت در برابر سختیها. امام علی علیه السلام درباره آن فرمود:

صبر، زیباترین زیورهای ایمان و شریفترین صفات انسان است. «§- الصبر احسن حلال الإیمان و اشرف خلائق الإنسان» غررالحکم، حدیث شماره ۱۸۹۳ §»



ص: ۱۰۷

صبر، رمز موفقیت و وسیله رسیدن به آرمان‌های بلند و کمالات انسانی است. امام علی علیه السلام فرمود:

به وسیله صبر دست رسی به آرمان‌های بلند میسر است. «§- بالصبر تدرك معالی الأمور» غررالحکم، حدیث شماره ۴۲۷۶ §» افرادی که از صبر برخوردار نیستند، هیچ گاه و در هیچ کاری نمی توانند موفق باشند.

اصلی ترین نکته در پرورش اخلاقی نوجوان، آشنا ساختن او با «کیمیای محبت» است؛ کیمیای عشق به خداوند مهربان، خالق زیباییها!

محبت خداوند متعال، رمز اصلی پرورش اخلاقی و خودسازی است.

در این باره، در مناجات شعبانیه می خوانیم:

«الهی لم یکن لی حول فأنقل به عن معصیتک إلا فی وقت أیقظتني لمحبتک و کما اردت أن أکون کنت»

خداوندا! مرا توان آن نیست که نافرمانی تو را ترک کنم، مگر آن گاه که به نیروی محبت خود مرا بیدار کنی و آن گاه چنان شوم که تو خواهی.

کیمیای محبت خدا زشتیهای اخلاقی را علاج می کند و کلید تمام زیباییهای اخلاقی را یکجا به انسان هدیه می نماید.

انسان در آغاز تکلیف، بیش از هر وقت دیگر آمادگی یافتن این کیمیا را دارد. مریبان اخلاقی مکلف باید از این فرصت، بهترین و بیشترین بهره برداری را داشته باشند. او این لطف و عنایت بزرگ را هیچ گاه فراموش نخواهد کرد.



ص: ۱۰۸

روح پدرم شاد که می گفت به استاد فرزند مرا هیچ بجز عشق نیاموز

اگر انسان کیمیای عشق خدا را آموخت، همه چیز آموخته و اگر نیاموخت، هیچ چیز نیاموخته است، هر چند از بزرگترین دانشمندان باشد.

سالار شهیدان در مقام نیایش فرمود:

خداوندا! تو همانی که جز خود را از دلهای دوستان زدودی تا جز تو را دوست ندارند ... چه چیز یافت آن که تو را نیافت؟! و چه چیز نیافت آن که تو را یافت؟! §- «أنت الذی أزلت الأغیار عن قلوب احبائک حتی لم یحبوا سواک ... ماذا وجد من فقدک؟! و ما الذی فقد من وجدک؟!» بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۶، قسمتی از دعای امام حسین علیه السلام در عرفات. §

نقش محبت در پرورش اخلاقی و سازندگی دینی تا آنجاست که امام باقر علیه السلام دین را به محبت، تفسیر کرده و می فرماید:

«الدین هو الحبّ و الحبّ هو الدین» §- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۸۵ §

دین همان محبت است و محبت همان دین.



ص: ۱۰۹

## فصل سوم

### دانستیهای عملی

در کنار دانستیهای عقیدتی و اخلاقی، آشنایی با دانستیهای عملی برای کسانی که به لحظه تکلیف نزدیک می‌شوند، لازم است. انسان از آغاز تکلیف باید بداند که خداوند چه وظایفی برای او معین کرده است، چه باید بکند و چه باید نکند؟ و در یک کلام، تکلیف الهی او چیست؟

عقیده و اخلاق، مقدمه عمل است. با توجه به تأثیر متقابل اعمال در اعتقادات و اخلاقیات، وظیفه مسؤولان تربیتی کودکان در این زمینه بسیار سنگین است.

اینک دانستیهای عملی تکلیف، در چهار محور مطرح می‌شود:

### ۱- تقلید

توضیح دادیم که اسلام در زمینه دانستیهای عقیدتی، تقلید را ممنوع کرده و همه مسلمانان را موظف کرده که در اصول اعتقادات، عقاید خود را براساس استدلال بنا کنند؛ اما در زمینه دانستیهای عملی و آشنایی با واجبات و محرمات الهی، تنها به اندازه‌ای که نیاز جامعه اسلامی تأمین شود، بر افرادی که آمادگی لازم را دارند، واجب است در این رشته تحصیل کنند.



ص: ۱۱۰

بنابراین، کسانی که مجتهد نیستند و خود نمی‌توانند، احکام الهی را استنباط کنند، برای انجام واجبات و ترک محرمات الهی دو راه در پیش دارند.

راه اول: احتیاط، یعنی بگونه‌ای عمل کنند که یقین داشته باشند به تکلیف الهی خود عمل کرده‌اند. برای مثال، اگر نمی‌دانند که در رکعت سوم نماز، تسبیحات اربعه، سه بار واجب است یا یک بار، از روی احتیاط سه بار بگویند، یا اگر احتمال می‌دهند برای پاک شدن چیزی که نجس شده، سه بار شستن لازم است، از روی احتیاط سه بار بشویند و ... انتخاب این راه برای کسانی که در آغاز تکلیف هستند، در عمل ممکن نیست، بلکه تنها کسانی می‌توانند این راه را انتخاب کنند که بهره‌ای از اجتهاد داشته باشند.

راه دوم: تقلید، یعنی رجوع به متخصص احکام الهی. این تنها راه آشنایی با دانستیهای عملی برای کسانی است که توان پیمودن راه اجتهاد و احتیاط را ندارند.

نخستین چیزی که مکلف، در زمینه دانستیهای عملی، پیش از لحظه تکلیف باید بداند، مسأله تقلید و آشنایی با فقهی است که بتواند طبق نظر او به تکلیف الهی خود عمل کند.

شناخت مجتهد جامع شرایط تقلید یکی از مهمترین مسائل سرنوشت‌ساز مکلف در آغاز تکلیف می‌باشد. برای کسانی که تازه به تکلیف مشرف می‌شوند، توجه به این روایت معروف امام‌صادق علیه السلام لازم است:

هریک از فقیهان که نگهبان خود، نگاهدار دین خود، مخالف هوای نفس خویش، فرمانبر مولای خود باشد، شایستگی مرجعیت تقلید برای عموم مردم را دارد و آنان نیستند، مگر برخی از فقیهان شیعه نه همه آنها. «§» - فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون إلا - بعض فقهاء الشيعة لاجمعيهم» احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۳، منشورات النعمان، نجف. §



نکته‌ای که در پایان این روایت آمده، بسیار مهم است. این نکته نشان می‌دهد که مکلف برای شناخت فقیه دارای شرایط تقلید، باید نهایت تلاش خود را به کار گیرد.

## ۲- واجبات

### اشاره

شرح همه واجبات الهی خارج از موضوع این کتاب است و در این زمینه، مراجعه به رساله عملیه مرجع تقلید، ضروری است، لیکن آنچه دانستن آن برای کسانی که پا به عرصه تکلیف می‌گذارند، فوری است، آشنایی با اصول واجبات عملی است، که «فروع دین» نامیده می‌شوند، یعنی: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولّ و تبرّاً. و خوب برخی از اینها شرایطی دارد که اغلب کسانی که به سن تکلیف می‌رسند، فاقد آن هستند. به همین خاطر، در این مختصر به شرح کوتاهی از زبان پیشوایان اسلام درباره سایر موارد بسنده می‌کنیم.

### الف- نماز:

طبق احادیث، نماز بهترین عمل، «§- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹، حدیث ۲۰» برنامه انبیا، «§- همان، ص ۲۳۱، حدیث ۵۶» ستون دین، «§- همان، ص ۲۲۲، حدیث ۴۵- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹، باب ۲۲۷۰» شستشو دهنده جان، «§-» کنهر جار علی باب احد کم» بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰، حدیث ۴۱.۴۱» معراج عارفان و در یک جمله «راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت» است. در اسلام هیچ چیز به اندازه نماز مورد توصیه و تأکید قرار



نگرفته است.

امام‌مصدق علیه السلام فرمود: من پس از شناخت- اصول دین- هیچ عملی را با ارزشتر از نماز نمی‌دانم. «§- الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴، حدیث ۱» امام خمینی قدس سره در وصیتنامه اخلاقی خود به فرزندش پس از برحذر داشتن از انکار مقام اهل معرفت، و توصیه به اجتناب از خودخواهی و خودبینی و تأکید بر جهاد با نفس درباره راه رسیدن به کمال انسانیت چنین می‌نویسد:

پسرم ... نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو بقدر طاقت خویش، شمه‌ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دورنمایی از صلاه معراج سید انبیا و عرفاء علیه و علی آله الصلاه والسلام را مشاهده کردیم، که خداوند مَنان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد. «§- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۷۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» یکی از مهمترین رازهای نماز که در قرآن کریم آمده، پیشگیری از مفاسد اجتماعی است. «§- اقم الصلوة، ان الصلوة تنهی

عن الفحشاء و المنکر» عنبکوت، آیه ۴۵ §) اگر نماز فلسفه‌ای جز جلوگیری از فساد نداشت، تنها همین یک راز برای اثبات بهترین عمل «§- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹، حدیث ۲۰ §) بودن آن کافی بود. کشوری که قانون اساسی آن قرآن است، باید بیشترین بودجه فرهنگی خود را به طرح اقامه نماز اختصاص دهد.



ص: ۱۱۳

نماز آثار عمیق و گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از این رو، روز قیامت که وی برای رسیدگی به پرونده اعمالش در محضر خدا مورد بازجویی قرار می‌گیرد، ابتدا درباره نماز از او سؤال می‌کنند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره چنین فرمود:

نماز ستون دین بوده و نخستین عملی است که در قیامت مورد بررسی قرار می‌گیرد، اگر درست انجام گرفته باشد، سایر اعمال نیز بررسی خواهد شد، و اگر درست انجام نشده باشد، سایر اعمال بدون بررسی رد خواهد شد! «§- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷، حدیث ۵۴ §) نخستین برنامه برای کسانی که به تکلیف نایل می‌شوند، این است که از لحظه تکلیف به نماز اهمیت دهند و تلاش کنند که این فریضه مهم الهی همیشه در اول وقت و با حضور قلب انجام شود.

## ب- روزه:

یکی دیگر از فروع دین، روزه است. بر هر مرد و زن مسلمان- پس از رسیدن به تکلیف- روزه ماه مبارک رمضان واجب است. «§- برای آشنا شدن به شرایط روزه به رساله عملیه مراجعه کنید §) روزه، تمرین مبارزه با خواسته‌های دل و بهترین وسیله تقویت اراده و خودسازی است. بدین جهت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ماه مبارک رمضان را ماه مهمانی خدا می‌داند «§- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، حدیث ۲۵ §) و امام سجاد علیه السلام این ماه را به عنوان عید اولیای خدا «§- الصحیفة السجادیة، دعای ۴۵ §) معرفی می‌کند. آری جان اولیای خدا در ماه مبارک رمضان، مهمان خداست و



ص: ۱۱۴

سراسر این ماه برای آنها عید است، عید ترک حیوانیت، عید عروج به عالم انسانیت و کمال روحی.

## ج- امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از واجبات بسیار مهمی که در جامعه‌های اسلامی تقریباً فراموش شده، امر به معروف و نهی از منکر است.

امام باقر علیه السلام درباره اهمیت این واجب فرمود:

امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیا، برنامه‌های حان و واجب بزرگی است که سایر واجبات الهی به وسیله آن اقامه می‌شود ... «§- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵، داراحیاء التراث العربی، بیروت §).

امر به معروف یعنی وادار کردن دیگران به کارهای نیک و نهی از منکر یعنی بازداشتن دیگران از کارهای زشت.

لحظه‌ای که پسر یا دختر به سن تکلیف رسید، همان طور که نماز و روزه بر او واجب می‌شود، وادار کردن دیگران به کارهای

نیک و بازداشتن آنها از کارهای بد نیز بر او واجب می‌گردد.

مسلمان نه تنها باید خود به وظایف دینی‌اش عمل کند، بلکه باید تا آنجا که می‌تواند، دیگران را نیز به انجام وظایف الهی خود وادار کند، بدین معنا که او نه تنها خود باید نماز بخواند و روزه بگیرد، بلکه دیگران را نیز باید به نماز خواندن و روزه گرفتن وادار کند، نه تنها خود باید همه واجبات را انجام دهد و از حرامها پرهیز کند، بلکه تا آنجا که قدرت دارد، باید دیگران را نیز به انجام واجبات و ترک محرمات وادار کند.

اسلام این تکلیف را امر به معروف و نهی از منکر نامیده است. این



ص: ۱۱۵

نامگذاری نشان می‌دهد که اسلام بر اقامه نیکیها و مبارزه با بدیها استوار است.

### د- دوستی و دشمنی برای خدا:

دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا تولی و تبری، دو واجب بسیار مهم، ولی ناشناخته در جامعه‌های اسلامی است. می‌توان گفت:

این واجب حتی از امر به معروف و نهی از منکر در میان مسلمانان ناشناخته‌تر است!

یکی از چیزهایی که در سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت او نقش تعیین کننده دارد، دوستیها و دشمنیهاست. چه بسا افرادی که در نتیجه معاشرت با دوست و همشین خوب، سعادت‌مند شدند و چه بسا افرادی که در نتیجه معاشرت با دوست و همشین بد، به انحراف و فساد کشیده شوند.

بدین جهت، اسلام اجازه نمی‌دهد، انسان هر کسی را دوست بدارد و با هر کسی دشمنی کند، معیار دوستی‌ها و دشمنی‌ها در اسلام، خداست.

خداوند زیبای است. هر چه خوبی و زیبایی در جهان هستی وجود دارد، جلوه زیبایی اوست. دوستان خدا با زیباییهای عقیدتی، اخلاقی و عملی پیوند دارند. بنابراین، دوستی با دوستان خدا به معنای پیوند با خوبیها و زیباییهاست؛ برعکس، دشمنان خدا مظهر انواع آلودگیهای عقیدتی، اخلاقی و عملی هستند، و دشمنی با دشمنان خدا به معنای بیزاری از انواع زشتیها و آلودگیهاست.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

دوستی برای خدا واجب است، دشمنی برای خدا واجب است. «§- الحب فی الله فریضة، البغض فی الله فریضة» کنز العمال،

حدیث شماره ۲۴۶۸۸. §



ص: ۱۱۶

فضیل بن یسار گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟

امام در پاسخ فرمود:

آیا ایمان چیزی جز دوستی و دشمنی است؟!

پس آیه هفت از سوره حجرات را تلاوت کرد:

خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌های شما زینت بخشیده، و کفر و فسق و گناه را مبعوض شما قرار داده است، آنها که چنین‌اند، راه یافتگانند. «§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، حدیث §۵» در روایت دیگری امام‌صادق علیه السلام فرمود:

هر کس دوستی و دشمنی‌اش بر مبنای دین نباشد، دین ندارد. «§- کل من لم یحب علی الدین و لم یبغض علی الدین فلا دین له» اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۷، حدیث §.۱۶» مسلمان کسی است که براساس معیارهای اسلام، دوست انتخاب کند و براساس موازین دینی دشمنی نماید. کسانی که اسلام را معیار دوستی و دشمنی خود قرار نداده‌اند، در واقع، مسلمان نیستند، هر چند مدعی اسلام باشند.

دوستی ما با مسلمانان جهان بویژه آنها که برای احیای اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در جامعه خود به پا خاسته‌اند و نیز دشمنی ما با مستکبران و آمریکا، تنها یک شعار سیاسی نیست، بلکه انجام واجب شرعی و ادای تکلیف الهی است. از طرف دیگر دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان خدا از



ص: ۱۱۷

گناهان بسیار بزرگ و نشانه کفر و نفاق محسوب می‌شود.

مسلمان نمی‌تواند دشمن خدا را دوست داشته باشد، هر چند از اقوام و وابستگان بسیار نزدیک نسبی یا سببی او باشد. قرآن می‌فرماید:

نمی‌یابی مردمی را که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشند و با این حال، با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران، یا خویشاوندان آنها باشند. «§- لا تجد قوماً یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادّ الله و رسوله ولو كانوا آباءهم أو ابنائهم أو إخوانهم أو عشیرتهم» مجادله، آیه §.۲۲» امام باقر علیه السلام فرمود: اگر می‌خواهی بدانی که در وجود تو خیری هست یا نه، خود را این‌گونه آزمایش کن: به دلت نگاه کن، اگر دیدی اهل طاعت خدا را دوست دارد و اهل گناه را دشمن، بدان که آدم خوبی هستی و خدا تو را دوست دارد، و اگر اهل طاعتش را دشمن دارد و به اهل معصیت علاقه‌مند است، بدان که خیری در وجود تو نیست و خدا تو را دشمن دارد، انسان همیشه با کسی است که او را دوست دارد.

«§- اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۶، حدیث §۱۱»

### ۳- محرمات

#### اشاره

در لحظه تکلیف، انسان باید علاوه بر واجبات الهی با محرمات الهی نیز آشنا باشد تا مبتلا به ارتکاب آن نگردد. محرمات الهی به دو بخش است: گناهان بزرگ، گناهان کوچک.

#### الف- گناهان بزرگ:



امام خمینی قدس سره در کتاب تحریرالوسیله ۴۲ گناه را در زمره گناهان بزرگ شمرده‌اند:



ص: ۱۱۸

۱- ناامیدی از رحمت خدا

۲- آسوده خاطر بودن از مکر خداوند

۳- دروغ بستن به خدا یا پیامبر (ص) و یا اوصیای او

۴- کشتن کسی که خونش محترم است

۵- عقوق پدر و مادر

۶- خوردن مال یتیم به ناحق

۷- نسبت دادن زنا به زن با عفت

۸- فرار از جبهه جنگ

۹- گسستن پیوند دوستی با ارحام

۱۰- جادو

۱۱- زنا

۱۲- لواط

۱۳- دزدی

۱۴- سوگند دروغ

۱۵- کتمان شهادت

۱۶- گواهی به دروغ

۱۷- پیمان شکنی

۱۸- ظلم در وصیت

۱۹- میگساری

۲۰- رباخواری

۲۱- خوردن مال حرام

۲۲- قماربازی

۲۳- خوردن مردار



ص: ۱۱۹

۲۴- خوردن خون

۲۵- خوردن گوشت خوک

۲۶- خوردن گوشت حیوانی که با نام غیرخدا ذبح شده، بدون ضرورت

۲۷- کم فروشی

۲۸- تعزب بعد از هجرت «§»- یعنی هجرت از مکانی که می‌تواند دین خود را حفظ کند، به مکانی که دین او مورد تهدید

قرار می‌گیرد «§» ۲۹- کمک به ظالم

۳۰- اتکا و اعتماد به ستمگر

۳۱- حبس حقوق دیگران بدون عذر

۳۲- دروغگویی

۳۳- تکبر

۳۴- اسرافکاری

۳۵- خیانت

۳۶- غیبت

۳۷- سخن چینی

۳۸- سرگرمی به امور لهو

۳۹- سبک شمردن حج

۴۰- ترک نماز

۴۱- پرداخت نکردن زکات

۴۲- اصرار «§»- مقصود، تکرار گناهان کوچک است که در این صورت از گناهان بزرگ محسوب می‌شود «§» بر گناهان

کوچک «§»- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۷۴ «§»

↑↓

ص: ۱۲۰

اینها فقط بخشی از گناهان بزرگ است. بررسی پیرامون همه گناهان بزرگ، خارج از موضوع این کتاب است، با این حال، لازم است تعدادی از گناهان بزرگ که آشنایی با آنها برای نونهالان مکلف، اهمیت بیشتری دارد، با شرح کوتاهی از زبان پیشوایان اسلام مطرح شود.

## ۱- آزار پدر و مادر

در اسلام، احترام و نیکی به پدر و مادر واجب است و آزار و نافرمانی آنها از گناهان بزرگ محسوب شده است. اهمیت این تکلیف تا آنجاست که خداوند در قرآن، فرمان انجام آن را در ردیف فرمان توحیدصادر کرده است:

پروردگارت فرمان داد که جز او کسی را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، اگر یکی از آن دو و یا هر دو نزد تو به پیری رسند، کمترین اهانتی بر آنها مکن، و فریاد بر آنها مزن، و با آنها شایسته سخن بگویی.

و از سر مهربانی بالهای فروتنی برای ایشان فرو آر، و بگو پروردگارا آنها را رحمت کن، همان گونه که مرا در کوچکی پرورش دادند. «§۱ §» عبدالله بن مسعود گوید: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام کار نزد خداوند محبوبتر

است؟

فرمود: نماز در وقت آن.

گفتم: پس از نماز کدام عمل؟

فرمود: نیکی به پدر و مادر. «§- الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۳۱۴، حدیث §۱»



ص: ۱۲۱

ابوامامه گوید: مردی از آن حضرت پرسید: پدر و مادر چه حقی بر فرزند خود دارند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همین قدر بدان که آنها بهشت و دوزخ تو هستند! «§- هما جنتک و نارک» همان، ص

۳۱۶، حدیث §.۱۰ امام علی علیه السلام درباره اهمیت نیکی به پدر و مادر فرمود:

نیکی به پدر و مادر، بزرگترین واجب است. «§- بر الوالدین اکبر فریضة» غررالحکم، حدیث شماره §.۴۴۲۳ در فرهنگ

دینی به آزار و نافرمانی پدر و مادر «عقوق» و به فرزندگی که مرتکب این گناه گردیده، «عاق» گفته می‌شود. این گناه بقدری

بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن فرمود:

به «عاق» گفته می‌شود: هر چه می‌خواهی بکن، که من تو را نمی‌آمرزم! «§- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰، حدیث §۸۲» یعنی

رضایت پدر و مادر از فرزند، نقش اساسی در رضایت خداوند دارد.

کسی که پدر و مادر از او راضی نیست، نباید انتظار داشته باشد که خدا از او راضی باشد.

احترام و نیکی به پدر و مادر، حتی در صورتی که کافر و فاجر باشند، لازم است و نباید به آنها اهانت شود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

سه چیز است که خداوند به هیچ کس اجازه تخلف نداده است: ادای امانت به خوب و بد، وفای به عهد برای خوب و بد و

نیکی به پدر و مادر چه خوب باشند و چه بد. «§- ثلاث لم يجعل الله عزوجل لأحد فيهنّ رخصة، أداء الأمانة الى البرّ و

الفاجر، و الوفاء بالعهد للبرّ و الفاجر، و برّ الوالدین برّین کانا او فاجرین» بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۵۶، حدیث §.۱۵



ص: ۱۲۲

آزار پدر و مادر از گناهانی است که کیفر آن از همین جهان آغاز می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

سه گناه است که گنهکار، کیفرش را در همین جهان می‌بیند، قبل از جهان پس از مرگ: عقوق پدر و مادر، ستم بر مردم و

ناسپاسی نسبت به احسان و نیکی دیگران. «§- ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها و لا تؤخر الى الآخرة: عقوق الوالدین و البغی

على الناس و كفر الإحسان» بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۳، حدیث §.۷ تجربه نیز نشان داده، کسانی که پدر و مادر از آنها

راضی نیستند، در زندگی دچار انواع مشکلات و گرفتاریها هستند. رهنمود امام عسکری علیه السلام برای اینکه انسان به این

گناه مبتلا نشود، رعایت احترام به پدر و مادر و اجتناب از هرگونه گستاخی نسبت به آنها از دوران کودکی است.

فرمایش امام این گونه است:

جرأت و جسارت فرزند بر پدر در کودکی، او را در بزرگی به گناه عقوق مبتلا می‌سازد. «§- جرأة الولد على والده في

صغره تدعو الى العقوق في كبره» تحف العقول، ص ۴۸۹ §

## ۲- دروغگویی

دروغگویی یکی از بزرگترین گناهان، زشت‌ترین صفات، «§- اقبیح الخلائق الکذب» غررالحکم، حدیث شماره ۲۸۵۵ §، پست‌ترین اخلاق «§- تحفظوا من الکذب فإنه من ادنی الأخلاق قدراً» بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶۴، حدیث ۱۵۷ § است و زیاد دروغ گفتن شکوه انسان را نابود می‌سازد. «§- کثرة الکذب یذهب بالبهاء» بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۹، حدیث ۲۲ § شخصی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسید: کاری که انسان را به بهشت



ص: ۱۲۳

رهنمون می‌گردد، چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: راستگویی. انسان صادق نیکوکار است و نیکی سبب می‌شود که نیکوکار به وادی ایمان راه یابد، و ایمان نیز انسان را به بهشت هدایت می‌کند.

آن مرد پرسید: کاری که انسان را دچار دوزخ می‌کند، کدام است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دروغگویی. انسان دروغگو مرتکب کارهای زشت می‌شود، تبهکاری، او را به کفر وامی‌دارد و کفر موجب ورود به آتش دوزخ است. «§- الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۵۹۲، حدیث ۱۳ §»

## ۳- سوگند دروغ

سوگند دروغ، گناه دروغگو را دو چندان می‌کند. این گناه بزرگ، علاوه بر کیفر اخروی، موجب فقر و تنگدستی در دنیا است. «§- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹، حدیث ۱۹ §» امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که دانسته قسم دروغ می‌خورد، در واقع به مبارزه و جنگ با خدا می‌رود! «§- من حلف علی یمین و هو یعلم انه کاذب فقد بارز الله عزوجل» همان، حدیث ۱۵ §»

## ۴- گواهی دروغ

گناه گواهی دروغ از سوگند دروغ سنگین‌تر است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره کیفر شاهد دروغگو می‌فرمود:

شاهد دروغگو روز قیامت در حالی برانگیخته می‌شود که زبانش از



ص: ۱۲۴

دهان خارج شده و در آتش می‌سوزد! «§- بیعت شاهد الزور یوم القیامة مدلعا لسانه فی النار» نهاییه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۳۰ §»

## ۵- دروغ بستن به خدا و پیامبر (ص)

زشت‌ترین دروغ، دروغ بستن به خدا و رهبران الهی است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

دروغ بستن به خدا و رسولش از گناهان بزرگ است. ﴿الكذب على الله ورسوله من الكبائر﴾ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۹، حدیث ۴۵. ﴿از دیدگاه قرآن کریم کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، ظالمترین مردمند﴾ ﴿فمن اظلم ممن افترى على الله كذباً...﴾ انعام، آیه ۱۴۴. و این گناه مانع قطعی رستگاری ﴿ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون﴾ نحل، آیه ۱۱۶. و موجب سیاه‌رویی در قیامت است. ﴿و يوم القيامة ترى الذين كذبوا على الله وجوههم مسودة﴾ زمر، آیه ۶۰. ﴿

## ۶- غیبت

غیبت یعنی بدگویی از مسلمان. غیبت از گناهان بزرگ است.

ابوذر گوید: از رسول خداصلی الله علیه و آله پرسیدم: غیبت چیست؟

پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: غیبت این است که برادر دینی خود را به چیزی یاد کنی که راضی نیست.

گفتم: هر چند آنچه درباره او گفته می‌شود، درست باشد؟

فرمود: آری، اگر آنچه درباره او گفته‌ای درست باشد، غیبت است و اگر نادرست باشد، به او تهمت زده‌ای! ﴿بحارالانوار،

ج ۷۷، ص ۸۹، حدیث ۳



ص: ۱۲۵

از نظر روایات اسلامی، غیبت بدترین دروغ، ﴿الغیبة شرّ الإفک﴾ غررالاحکم حدیث شماره ۴۸۴. نشانه نفاق و دورویی،

﴿الغیبة آیه المنافق﴾ غررالاحکم، حدیث شماره ۸۹۹. گناه آن سنگین‌تر از گناه زنا، ﴿الغیبة اشدّ من الزنا﴾ الترغیب و

الترهیب، ج ۳، ص ۵۱۱، حدیث ۲۴، دارالفکر. ﴿و غذای سگهای دوزخ است!﴾ ﴿الغیبة قوت کلاب النار﴾ غررالاحکم،

حدیث شماره ۱۱۴۴. شخصی که مرتکب این گناه می‌شود، نه فقط از رحمت خدا دور است ﴿ملعون من اغتاب اخاه﴾

بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲. بلکه منفورترین مردم نزد خداست ﴿ابغض الخلائق الى الله المغتاب﴾ غررالاحکم، حدیث

شماره ۳۱۲۸. و هر بار که از مسلمانی بدگویی کند تا چهل شبانه روز، نماز و روزه او نزد خداوند متعال پذیرفته نیست،

مگر اینکه شخصی که از او بدگویی کرده، وی را ببخشد! ﴿من اغتاب مسلماً او مسلمة لم يقبل الله صلاته و لا صيامه

اربعین يوماً و ليلة إلا أن يغفر له صاحبه﴾ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۸، حدیث ۵۳. ﴿

## ۷- سخن چینی

سخن چینی یا «سعایت و نّامی»، این است که انسان از کسی چیزی برای دیگری نقل کند که موجب کدورت و دشمنی میان

آنها گردد. به این عمل «دو به هم زنی» نیز گفته می‌شود.

در روایات اسلامی سخن چینی و ایجاد دشمنی میان مسلمانان گناهی بزرگ و موجب عذاب قبر ﴿النمیمة توجب عذاب

القبر﴾ بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۷، حدیث ۶. است.

امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

از سخن چینی پرهیز، که این عمل، تخم کینه می‌کارد و انسان را از



خدا و مردم دور می کند. ﴿غررالحکم، حدیث شماره ۲۶۶۳﴾

## ۸- مسخره کردن

مسخره یا استهزاء که به فارسی ریشخند گفته می شود، از گناهان بزرگی است که قرآن کریم، مسلمانان را از آن نهی کرده است.

در سوره حجرات، آیه ۱۱ چنین می خوانیم:

هان ای اهل ایمان! نباید دسته ای، دسته دیگر را مسخره کنند، باشد که آنان از ایشان بهتر باشند، و نه دسته ای از زنان دسته ای دیگر را، ممکن است آنها از اینها بهتر باشند. به یکدیگر طعنه مزیند و با القاب زشت همدیگر را یاد نکنید، چه بد است نام زشت نهادن پس از ایمان، و هرکس توبه نکند، آنان از ستمکارانند.

شخصی به نام ثابت بن قیس از اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گوشه‌هایش سنگین بود. هنگامی که وی وارد مسجد می شد، کنار دست پیامبر صلی الله علیه و آله جایی باز می کردند تا سخن آن حضرت را بشنود. روزی بعد از نماز صبح، وارد مسجد شد؛ نماز تمام شده و هرکس در جای خود نشسته بود. او از بالای سر مردم، جمعیت را می شکافت و می گفت: جا باز کنید. جا باز کنید. وی همچنان جلو رفت تا به یکی از مسلمانان رسید. او گفت: همین جا مناسب است، بنشین.

ثابت بن قیس که طبق معمول می خواست خودش را به پیامبر صلی الله علیه و آله برساند و کنار آن حضرت بنشیند، از گفته او عصبانی شد، ولی چیزی نگفت و همان جا پشت سر آن مرد نشست. پس از روشن شدن هوا، ثابت دریافت که شخص مزبور که مانع جلو



رفتن او شده، کسی است که مادرش در دوران جاهلیت سابقه خوبی نداشته و او به خاطر داشتن چنین مادری مورد نکوهش قرار می گرفته است. از این رو، به منظور انتقامجویی او راصدا زد و گفت: این کیست؟ آن مرد در پاسخ، نام خود را گفت.

ثابت بن قیس با تمسخر گفت: پسرِ فلان زن!

آن مرد از شرم سرش را زیر انداخت و چیزی نگفت. پس از آن، آیه نازل شد و مسلمانان را از این عمل ناپسند نهی کرد.

﴿س- ر. ک. تفسیر مجمع البیان، ج ۹- ۱۰، ص ۲۰۲، دارالمعرفه، بیروت﴾

## ۹- اسراف

اسراف به معنای بیرون رفتن از حد اعتدال در هر کاری است. در قرآن کریم، کسی که در مصرف خوردنیها و آشامیدنیها زیاده روی می کند، ﴿س- کلووا واشربوا ولا تسرفوا انه لایحب المسرفین﴾ اعراف، آیه ۳۱ ﴿س﴾ و نیز کسی که مرتکب کارهای ناشایسته می شود، ﴿س- قل یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً﴾ زمر، آیه ۵۳ ﴿س﴾ و همچنین زمامدار ستمگر «مُسرف» نامیده شده است ﴿س- و ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین﴾ یونس، آیه ۸۳ ﴿س﴾، زیرا اولی در ارتباط با حقوق جسم خود، دومی در ارتباط با حقوق جان خود و سومی در ارتباط با حقوق جامعه،

از مرز اعتدال خارج شده است.

اسراف از گناهان بزرگ شمرده شده است و قرآن کریم باصراحت اعلام کرده که اسرافکاران اهل دوزخند. «§- ... وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» غافر، آیه ۴۳ § گناه کسی که در مصرف غذا و آب اسراف می‌کند، با گناه زمامدار



ص: ۱۲۸

ستمگری که به حقوق مردم تجاوز می‌کند، یکسان نیست، ولی اسرافکاریهای کوچک، بتدریج انسان را به اسرافکاریهای بزرگ می‌کشاند؛ بدین جهت اسلام، اجتناب از مطلق اسراف را لازم قرار داده است.

شخصی به نام سلیمان بنصالح: از امامصادق علیه السلام پرسید: کمترین درجه اسراف چیست؟

امام پاسخ داد: اینکه لباس مخصوص حفظ آبروی خود را در مواقع غیر ضروری بپوشی و کهنه‌اش کنی، و باقیمانده آبی را که مصرف کرده‌ای، دور بریزی و هسته‌های خرمایی را که مصرف کرده‌ای، به این طرف و آن طرف بیندازی. «§- فروع الکافی، ج ۴، ص ۵۶، حدیث ۱۰ §» در حدیث دیگری از آن حضرت چنین می‌خوانیم اعتدال در هر کار، چیزی است که خداوند آن را دوست دارد و خدا اسراف را در هر موردی دشمن می‌دارد، حتی دور انداختن هسته‌های خرما که قابل استفاده است، و نیز دور ریختن آب! «§- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۶، حدیث ۱۰ §» شاید شنیده باشید که امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه اگر قدری از آبی که نوشیده بود، در ظرف می‌ماند، آن را دور نمی‌ریخت، بلکه چیزی روی آن می‌گذاشت تا آلوده نشود و سپس از آن استفاده می‌کرد.

## ۱۰- میگساری

از نظر اسلام استفاده از مشروبات مست‌کننده ممنوع است «§- رسول اکرم ص: «کل مسکر حرام» وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۵۹، حدیث ۱ §».



ص: ۱۲۹

روایات اسلامی میگساری بزرگترین گناهان، مادر همه کارهای زشت «§- رسول اکرم ص: «الخمیر أم الفواحش و اکبر الکبائر» کنز العمال، حدیث شماره ۱۳۱۸۲ §» و کلید انواع شرارتها «§- رسول اکرم ص: «شراب الخمر مفتاح کل شر» بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۴۰، حدیث ۴۸ §»، شناخته شده است.

امامصادق علیه السلام درباره تحریم شرابخواری فرمود:

خداوند شراب را به دلیل مفسد آن تحریم کرده است. کسی که معتاد به مشروبات الکلی است، به ارتعاش مبتلا می‌گردد، نورانیت و جوانمردی از او سلب می‌شود.

شرابخواری، انسان را به گناهان دیگر مانند خونریزی و زنا وادار می‌سازد.

میگساری موجب افزایش انواع شرور برای شرابخوار است. «§- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۳، حدیث ۲۱. به موجب آماری که دانشمندی به نام «هوگر» به مناسبت بیستمین سالگرد مجله علوم ابراز کرد، ۶۰ درصد قتل‌های عمدی، ۷۵ درصد زد و خوردها، ۳۰ درصد جرایم ضد اخلاقی از جمله زنا با محارم و ۲۰ درصد جرایم سرقت، مربوط به الکل و مشروبات الکلی بوده است. ۴۰ درصد از اطفال مجرم نیز دارای سابقه اثر الکلیک هستند. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۷۵، به نقل از سمپوزیوم الکل، ص

§.۶۶ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل خطرناک بودن معاشرت با اشخاص مشروبخوار و به جهت منزوی کردن مبتلایان به این گناه، فرمود:

سخن مشروبخوار را باور نکنید، اگر خواستگاری کرد، به او زن ندهید، وقتی مریض شد عیادتش نروید، وقتی مرد برای تشییع وی حاضر نشوید و امانت بدو نسپارید. «§- بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۲۷، حدیث §۷» کسانی که به میگساری معتاد شده‌اند، اگر توبه نکنند و با همان حال بمیرند، تشنه از دنیا می‌روند، تشنه محشور می‌شوند و تشنه وارد دوزخ

↑↓

ص: ۱۳۰

می‌گردند! «§- امام صادق علیه السلام: «إِنَّ أَهْلَ الزَّيْرِ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمَسْكِرِ يَمُوتُونَ عَطَاشِي وَ يَحْشَرُونَ عَطَاشِي وَ يَدْخُلُونَ النَّارَ عَطَاشِي» بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۹، حدیث §.۴۳» روز قیامت در حالی که بر پیشانی آنها نوشته شده: «از رحمت خدا نومید است» «§- پیامبر اسلام ص: «يُخْرَجُ الْخَمَارُ مِنْ قَبْرِهِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» كنز العمال، حدیث شماره §.۴۳۹۵۸» با چهره‌ای سیاه، سر از قبر برمی‌دارند و از شدت تشنگی سر بر زمین کوبیده و «واعطشا» می‌گویند!! «§- پیامبر اسلام ص: «إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْوُودًا وَجْهَهُ يَضْرِبُ بِرَأْسِهِ الْأَرْضَ وَ يِنَادِي وَ اعْطِشَا» تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۵.» §.

## ۱۱- استعمال مواد مخدر

از نظر اسلام هر چیزی که عقل را زایل کند و موجب مستی، تخدیر و خماری گردد، حرام است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

آگاه باشید که استعمال هر چیز مست کننده و هر مخدری حرام است، و آنچه که استعمال آن به مقدار زیاد موجب مستی شود، استعمال اندک آن نیز حرام است، و بطور کلی استعمال هر چه عقل را بپوشاند، حرام است. «§- أَلَا وَ إِنَّ كُلَّ مَسْكِرٍ حَرَامٌ، وَ كُلِّ مَخْدَرٍ حَرَامٌ وَ مَا أَسْكِرَ كَثِيرَةً، حَرَامٌ قَلِيلَةً، وَ مَا خَمَّرَ الْعَقْلَ فَهُوَ حَرَامٌ» كنز العمال، حدیث شماره §.۱۳۲۷۳» امّ السلمه همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گوید: آن حضرت استعمال موادی را که موجب مستی و سستی شود، نهی کرد. «§- نهی رسول الله ص عن كل مسكر و مفر» مسند، ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۰۹» در روایات از میان انواع مواد مخدر از «بنگ» «§- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۵، حدیث ۲۰۸۱۵، آل البيت، بیروت» نام برده شده و از اینجا

↑↓

ص: ۱۳۱

معلوم می‌شود که استعمال آن در آن عصر رایج بوده است. این گناه از نظر اسلام، گناه بزرگی محسوب می‌شود، بگونه‌ای که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود:

کسی که گناه استعمال بنگ را کوچک بشمرد، کافر است. «§- من احتقر ذنب البنج فقد كفر» همان، ص ۸۶ حدیث §.۲۰۸۱۵» بنگی نسبت به مشروبخوار، رباخوار، زناکار و سخن چین از رحمت خدا دورتر است. «§- همان» «بنگ» خصوصیتی ندارد و هر چه موجب تخدیر شود، حرام است، بخصوص موادی که تخدیر آنها بیشتر است.

با اینکه یکی از سنتهای مهم اسلام، سلام کردن است. و بر افشای سلام و به همه سلام کردن تأکید شده است، ولی به منظور پیشگیری از اعتیاد و منزوی کردن افراد معتاد، از سلام کردن به آنها نهی شده است:

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:



«سَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ لَا تَسَلِّمُوا عَلَى أَكْلِ الْبَنَجِ» ﴿§- همان §﴾

به یهود و نصارا سلام کنید، ولی به معتاد به بنگ، سلام نکنید!

## ۱۲- قماربازی

قماربازی و میگساری دو گناه رایج در عصر جاهلیت بود. از این رو، اسلام تحریم این دو را با تدبیر و بتدریج اعلام کرد. قرآن کریم درباره فلسفه تحریم این دو می‌فرماید:



ص: ۱۳۲

جز این نیست که شیطان می‌خواهد در شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه‌توزی بیفکند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد، با این وصف آیا شما دست بردار هستید؟!

این آیه نشان می‌دهد که در عصر نزول قرآن، ترک این دو گناه بزرگ برای مسلمانان بسیار مشکل بوده و بسادگی نمی‌توانستند، میگساری و قماربازی را رها کنند. اما با روشی که اسلام در مبارزه با این عادت زشت در پیش گرفت، پس از اعلام تحریم قطعی شراب و قمار، بساط میگساری و قماربازی در جامعه اسلامی آن روز بتدریج برچیده شد و این بلای خانمان‌سوز از بین مسلمانان رخت بریست. ﴿§- به موجب یک آمارگیری در زمینه جرایم قماربازان، ۹۰ درصد جیب‌بری، ۵۰ درصد جرایم جنسی، ۱۰ درصد فساد اخلاق، ۳۰ درصد طلاق، ۴۰ درصد ضرب و جرح و ۵ درصد خودکشی به خاطر قمار صورت گرفته است. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۷۵-۷۶، به نقل از نشریه مرکز مطالعه پیشرفتهای ایران. §﴾

## ۱۳- دزدی

دزدی از «گناهان کبیره» ﴿§- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۳﴾ است و دزد در ردیف بت‌پرستان شمرده ﴿§- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۸۷، حدیث ۲۲﴾ شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز است که به هر خانه‌ای راه یابد، آن را ویران می‌نماید و برکت به آن خانه راه پیدا نمی‌کند: خیانت، دزدی، میگساری و زنا. ﴿§- همان §﴾ مالی که از راه دزدی به دست آید، حرام است. مجازات دزد در اسلام با شرایطی که در فقه گفته شده، قطع کردن چهار انگشت دست راست است.

کارهای دیگری همچون «زنا»، «لواط»، «استمنا» از گناهان بزرگ



ص: ۱۳۳

است و عقوبت شدید دارد که از توضیح بیشتر چشم می‌پوشیم.

## ب- گناهان کوچک:

هر چند گناهان در مقایسه با یکدیگر به «کوچک و بزرگ» تقسیم می‌شوند، ولی چون گناه بطور کلی، مخالفت با فرمان خداوند است، انسان حق ندارد هیچ گناهی را کوچک بشمرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به حضرت عزیر چنین وحی کرد:

به کوچکی گناه نگرید، به کسی که جرأت مخالفت با او کرده‌اید، نگاه کنید! ﴿§﴾ «لاتنظروا الی صغر الذنب ولكن انظروا الی من اجترأتم» بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۸، حدیث ۶.۶ ﴿§﴾ کوچک بودن گناه یک مسأله است و کوچک شمردن آن مسأله‌ای دیگر. تردیدی نیست که به عنوان مثال، نگاه شهوت‌انگیز به نامحرم، در مقایسه با تجاوز به نامحرم، کوچک است، لیکن کوچک شمردن این گناه سبب می‌شود که انسان بتدریج به گناهان بزرگ مبتلا گردد.

امام رضا علیه السلام در این زمینه فرمود:

گناهان کوچک، راههای گناهان بزرگ است. کسی که در گناه اندک از خدا بیم ندارد، در گناه بسیار نیز بیم نخواهد داشت. ﴿§﴾ «الصغائر من الذنوب طرق الی الكبائر، و من لم یخف الله فی القلیل لم یخفه فی الكثير» بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۳، حدیث ۵۵.۵ ﴿§﴾ روایات اسلامی با اینکه گناهان را به دو بخش بزرگ و کوچک تقسیم کرده‌اند، نسبت به کوچک شمردن گناهان کوچک، بشدت هشدار داده‌اند.

پیامبر اسلام به عبدالله بن مسعود توصیه کرد:

هیچ گناهی را کوچک مشمار که انسان وقتی در روز قیامت به گناهان



ص: ۱۳۴

خود می‌نگرد، دیدگانش چرک و خون می‌گیرد! ﴿§﴾ «یا بن مسعود لاتحقرن ذنباً و لاتصغرنه واجتنب الكبائر فإن العبد إذا نظر یوم القيامة الی ذنوبه دمعت عیناه قیحاً و دماً» بحارالانوار، ج ۷۷.۷ ﴿§﴾ امام‌صادق علیه السلام فرمود:

خداوند دوست دارد که بنده در گناه بزرگ از او طلب عفو کند و دشمن دارد که بنده، گناه اندک را کوچک شمارد. ﴿§﴾ «إن الله یحب العبد أن یطلب الیه فی الجرم العظیم و یبغض العبد أن یتخف بالجرم الیسیر» بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۹، حدیث ۸۰.۸ ﴿§﴾

#### ۴- توبه

اکنون که به پایان فصل دانستیهای عملی تکلیف رسیدیم، بجاست نکته بسیار مهمی را که توجه به آن برای همه بخصوص نوجوانان عزیز لازم است، بیان کنیم و آن مسأله «توبه» است.

ممکن است انسان ندانسته گناه کند یا واجبی را ترک کند یا حرامی را انجام دهد؛ در اینصورت بر او واجب است هر چه زودتر توبه کند.

امام علی علیه السلام فرمود:

اگر مرتکب گناه شدی، در پاکسازی آن به وسیله توبه عجله کن. ﴿§﴾ «إن قارفت سیئته فاعجل محوها بالتوبة» بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۰۸.۲ ﴿§﴾ توبه، گنهکار را از آلودگی پاک می‌سازد، ﴿§﴾ رسول اکرم ص: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۲.۱ ﴿§﴾ و ترک آن و ادامه گناه آدمی را به هلاکت ابدی گرفتار می‌سازد.

امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود:

اگر مردم هنگامی که گناه کردند، توبه کنند و استغفار نمایند، گرفتار



عذاب الهی نمی‌شوند و هلاک نمی‌گردند. «§- لو أنّ النَّاسَ حِينَ عَصَوْا أَنَابُوا وَاسْتَغْفَرُوا لَمْ يَعْدُبُوا وَ لَمْ يَهْلِكُوا» غررالحکم، حدیث شماره ۷۵۸۳ §. گنهکار هرگز نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد، «§- قل یا عبادِ اللَّهِ اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمةِ اللَّهِ إنَّ اللَّهَ یغفر الذنوبَ جمیعاً» زمر، آیه ۵۳ §. زیرا نومی‌دی از رحمت خدا یکی از گناهان بزرگ است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بدون شک، شادمانی خداوند برای توبه بنده گنهکار، بیش از شادی عقیمی است که صاحب فرزند می‌شود و گمشده‌ای که به مقصد می‌رسد، و تشنه‌ای که به آب دست می‌یابد. «§- لله أفرح بتوبة عبده من العقیم الوالد و من الضال الوالد و من الظَّمان الوارد» الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۹۷، حدیث ۷۱۹۳ §. قرآن کریم می‌گوید: خداوند کسانی را که از گناه توبه کنند، دوست دارد. «§- إنَّ اللَّهَ یحبُّ التَّوَّابین» بقره، آیه ۲۲۲ §. رسول خدا صلی الله علیه و آله توبه کننده را به عنوان «دوست خدا» معرفی کرده است، «§۵- التائب حبيب الله» المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۸۷ §. بخصوص اگر نوجوان باشد. متن سخن آن حضرت چنین است:

هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از جوان توبه کننده نیست. «§- ما من شیء احب الی الله من الشاب التائب» کنز العمال، حدیث شماره ۱۰۲۳۳ §. توبه به معنای بازگشت به خداوند متعال است؛ کسی که مرتکب گناه می‌شود، از راه خدا و مسیر تکامل انسان و راه بهشت فاصله می‌گیرد و توبه، بازگشت به این راه و آشتی کردن با خداست. امام علی علیه السلام چگونگی این بازگشت را چنین توضیح می‌دهد:



توبه دارای چهار ستون است: پشیمانی دل، طلب آمرزش با زبان، انجام فرمان خداوند با اعضای بدن و تصمیم به تکرار نکردن گناه. «§- التوبة علی اربع دعائم: ندم بالقلب و استغفار باللسان و عمل بالجوارح و عزم علی أن لا یعود» بحار الانوار، ص ۸۱ حدیث ۷۴ §. «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مَنَادًا ینادی لِلْإیمانِ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّکُمْ فَأَمَّا رَبُّنا فَاعفِرْ لَنَا ذُنُوبنا وَ کَفِّرْ عَنَّا سِیئاتنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأبرارِ» «ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرۃ عین و اجعلنا للمتقین اماماً»

محمدی ری شهری



## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و  
لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز  
به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف  
توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰  
۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا  
کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده  
بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد  
داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری:  
مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می زهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و  
ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با  
حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند،  
گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده  
کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری  
مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

